



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

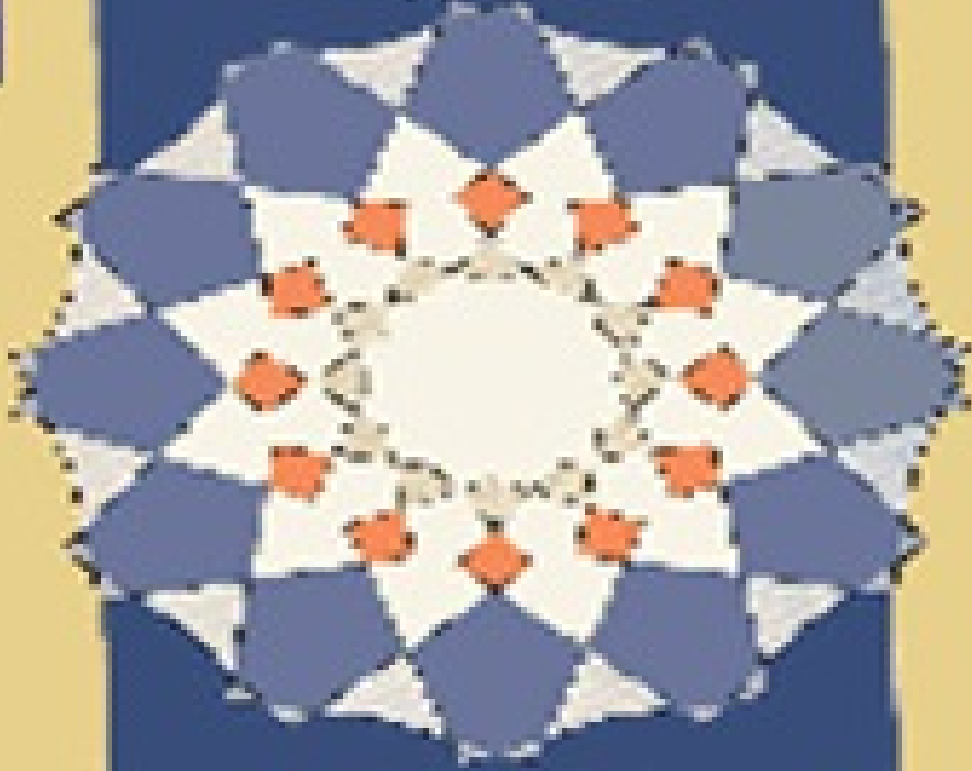
گامی



رسالت  
علیهما الصلوة والسلام

www.ghaemiyeh.com  
www.ghaemiyeh.org  
www.ghaemiyeh.net  
www.ghaemiyeh.ir

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ



# احمیت قرآن حکیم یہ روایت حقیقی

پروفیسر ڈاکٹر یونس احمد

پروفیسر ڈاکٹر یونس احمد



ALFA

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# اهمیت قرائت عاصم به روایت حفص

نویسنده:

اکرم خدایی اصفهانی

ناشر چاپی:

رایزن

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۱۴	اهمیت قرائت عاصم به روایت حفص
۱۴	مشخصات کتاب
۱۴	مقدمه
۱۵	فصل اول قرائت و معنای آن
۱۵	تاریخچه قرائت
۱۵	اشاره
۱۵	مرحله اول:
۱۵	مرحله دوم:
۱۶	مرحله سوم:
۱۶	تعریف قرائت
۱۷	معنی لغوی قرائت
۱۷	معنی اصطلاحی قرائت
۱۸	قاریان چهارده گانه
۱۸	قراء سبعة
۱۸	علت اشتها قراء سبعة
۱۹	نظریه مرحوم طبرسی درباره شهرت قراء سبعة
۱۹	نظریه دمیاطی درباره شهرت قراء سبعة
۱۹	نظریه ابن مجاهد درباره قراء سبعة
۲۰	ذکر حال قراء سبعة
۲۰	اشاره
۲۰	۱- نافع
۲۰	اشاره

- ۲۱ ..... راویان قرائت نافع
- ۲۱ ..... اشاره
- ۲۱ ..... الف- قالون:
- ۲۱ ..... ب- ورش (عثمان بن سعید مصری):
- ۲۱ ..... ۲- عبد الله بن كثير مکی
- ۲۱ ..... اشاره
- ۲۲ ..... راویان قرائت ابن كثير
- ۲۲ ..... اشاره
- ۲۲ ..... الف- بزى:
- ۲۲ ..... ب- قنبل:
- ۲۲ ..... ۳- حمزة بن حبيب زيات كوفى
- ۲۲ ..... اشاره
- ۲۳ ..... راویان حمزه
- ۲۳ ..... اشاره
- ۲۳ ..... الف- خلف (اولین راوی از قرائت حمزه):
- ۲۴ ..... ب- خلاد (دومین قاری از راویان حمزه):
- ۲۴ ..... ۴- كسائى
- ۲۴ ..... اشاره
- ۲۴ ..... راویان كسائى
- ۲۴ ..... اشاره
- ۲۴ ..... الف- ليث بن خالد (اولین راوی از كسائى):
- ۲۵ ..... ب- حفص (دومین راوی از قرائت كسائى):
- ۲۵ ..... آثار علمى كسائى
- ۲۵ ..... ۵- ابو عمرو بن علاء

- ۲۵ ..... اشاره
- ۲۶ ..... راویان قرائت ابو عمرو بن علاء (دوری وسوسی)
- ۲۶ ..... اشاره
- ۲۶ ..... الف- دوری:
- ۲۶ ..... ب- سوسی:
- ۲۷ ..... ۶- ابن عامر دمشقی
- ۲۷ ..... اشاره
- ۲۷ ..... راویان قرائت ابن عامر
- ۲۷ ..... اشاره
- ۲۷ ..... الف- هشام:
- ۲۸ ..... ب- ابن ذکوان (دومین راوی از قرائت ابن عامر):
- ۲۸ ..... اختلاف قرائت‌ها
- ۲۹ ..... عوامل اختلاف قرائت‌ها
- ۲۹ ..... اشاره
- ۲۹ ..... ۱- ابتدایی بودن خط:
- ۲۹ ..... ۲- بی نقطه بودن حروف:
- ۲۹ ..... ۳- خالی بودن از علائم حرکات:
- ۳۰ ..... ۴- نبودن الف در کلمات:
- ۳۰ ..... ۵- اختلاف لهجه‌ها:
- ۳۰ ..... ۶- تحکیم رأی و اجتهاد:
- ۳۲ ..... عدم تواتر قرائت‌های هفت گانه
- ۳۲ ..... اشاره
- ۳۲ ..... ۱- حجیت قرائت‌ها:
- ۳۳ ..... ۲- آیا نماز خواندن با این قرائت‌ها درست است یا نه؟

۳۳	نتیجه گیری
۳۴	فصل دوم شرح حال تشیع و شخصیت علمی عاصم
۳۴	عاصم بن ابی النجود
۳۴	اشاره
۳۵	حوزه قرائتی عاصم
۳۵	اشاره
۳۶	الف- شخصیت علمی و دینی عاصم:
۳۶	ب- تشیع عاصم:
۳۷	ج- اسناد قرائت عاصم
۳۸	نتیجه گیری
۳۸	فصل سوم قرائت عاصم
۳۸	معنای طریق
۳۸	مشایخ عاصم
۳۹	تفاوت حفص و ابو بکر در روایت
۳۹	نتیجه گیری
۳۹	فصل چهارم مصحف حضرت علی علیه السلام و اهمیت آن
۳۹	حضرت علی - علیه السلام
۴۱	ویژگی‌های مصحف علی - علیه السلام
۴۱	کیفیت ترتیب مصحف علی - علیه السلام
۴۱	اشاره
۴۲	جزء اول
۴۲	جزء / دوم
۴۲	جزء / سوم
۴۲	جزء / چهارم

۴۲	.....	جزء / پنجم
۴۲	.....	جزء / ششم
۴۲	.....	جزء / هفتم
۴۲	.....	سرانجام مصحف علی - علیه السلام
۴۳	.....	اختلاف مصاحف
۴۴	.....	نتیجه گیری
۴۴	.....	فصل پنجم عبد الله بن مسعود
۴۴	.....	عبد الله بن مسعود
۴۵	.....	مصحف عبد الله بن مسعود
۴۶	.....	نتیجه گیری
۴۶	.....	فصل ششم ابو عبد الرحمن سلمی
۴۶	.....	ابو عبد الرحمن سلمی
۴۷	.....	وفات عبد الله بن حبیب سلمی
۴۷	.....	اقوال علما در مورد ابو عبد الرحمن سلمی
۴۸	.....	نتیجه گیری
۴۸	.....	فصل هفتم زر بن حبیش
۴۸	.....	زر بن حبیش
۴۹	.....	اقوال علما در مورد زر بن حبیش
۴۹	.....	اشاره
۴۹	.....	رجال زر:
۴۹	.....	فصل هشتم حفص
۴۹	.....	حفص
۵۰	.....	اقوال علما درباره حفص
۵۰	.....	نتیجه گیری

۵۱	فصل نهم ابو بکر بن عیاش
۵۱	ابو بکر بن عیاش
۵۱	اقوال علما درباره ابو بکر
۵۱	اشاره
۵۲	رجال و روات ابی بکر در قرائت:
۵۲	نتیجه گیری
۵۲	فصل دهم مقایسه روایات حفص و شعبه
۵۲	اسناد قرائت عاصم
۵۳	سند قسطلانی قرائت عاصم
۵۳	اشاره
۵۴	۱- اسناد صحیح:
۵۴	۲- اسناد حسن:
۵۴	۳- اسناد ضعیف:
۵۵	ترجیح روایت حفص بر ابو بکر
۵۵	مقایسه بین روایت حفص و روایت ابن شعبه «۱»
۵۵	اشاره
۵۶	سوره / حفص / ابن شعبه / اختلاف این دو روایت
۵۶	سوره / حفص / ابن شعبه / اختلاف این دو روایت
۵۷	سوره / حفص / ابن شعبه / اختلاف این دو روایت
۵۷	سوره / حفص / ابن شعبه / اختلاف این دو روایت
۵۷	سوره / حفص / ابن شعبه / اختلاف این دو روایت
۵۸	سوره / حفص / ابن شعبه / اختلاف این دو روایت
۵۸	سوره / حفص / ابن شعبه / اختلاف این دو روایت
۵۸	سوره / حفص / ابن شعبه / اختلاف این دو روایت

- سوره / حفص / ابن شعبه / اختلاف این دو روایت ..... ۵۹
- سوره / حفص / ابن شعبه / اختلاف این دو روایت ..... ۵۹
- سوره / حفص / ابن شعبه / اختلاف این دو روایت ..... ۶۰
- سوره / حفص / ابن شعبه / اختلاف این دو روایت ..... ۶۰
- سوره / حفص / ابن شعبه / اختلاف این دو روایت ..... ۶۰
- سوره / حفص / ابن شعبه / اختلاف این دو روایت ..... ۶۱
- سوره / حفص / ابن شعبه / اختلاف این دو روایت ..... ۶۱
- سوره / حفص / ابن شعبه / اختلاف این دو روایت ..... ۶۱
- سوره / حفص / ابن شعبه / اختلاف این دو روایت ..... ۶۱
- سوره / حفص / ابن شعبه / اختلاف این دو روایت ..... ۶۲
- سوره / حفص / ابن شعبه / اختلاف این دو روایت ..... ۶۲
- سوره / حفص / ابن شعبه / اختلاف این دو روایت ..... ۶۳
- سوره / حفص / ابن شعبه / اختلاف این دو روایت ..... ۶۳
- نتیجه گیری ..... ۶۳
- فصل یازدهم اختلاف قرائت عاصم از سایر قاریان و برتری آن ..... ۶۳
- ۱- سوره حمد ..... ۶۳
- ۲- سوره بقره ..... ۶۴
- ۳- سوره آل عمران ..... ۶۵
- ۴- سوره نساء ..... ۶۵
- ۵- سوره مائده ..... ۶۶
- ۶- سوره انعام ..... ۶۶
- ۷- سوره اعراف ..... ۶۷
- ۸- سوره انفال ..... ۶۷
- ۹- سوره توبه ..... ۶۷
- ۱۰- سوره یونس ..... ۶۸

- ۶۸ ..... ۱۱- سوره یوسف
- ۶۸ ..... ۱۲- سوره رعد
- ۶۸ ..... ۱۳- سوره ابراهیم
- ۶۸ ..... ۱۴- سوره حجر
- ۶۸ ..... ۱۵- سوره نحل
- ۶۹ ..... ۱۶- سوره اسری
- ۶۹ ..... ۱۷- سوره کهف
- ۶۹ ..... ۱۸- سوره مریم
- ۶۹ ..... ۱۹- سوره طه
- ۶۹ ..... ۲۰- سوره انبیاء
- ۷۰ ..... ۲۱- سوره حج
- ۷۰ ..... ۲۲- سوره مؤمنون
- ۷۰ ..... ۲۳- سوره نور
- ۷۰ ..... ۲۴- سوره فرقان
- ۷۰ ..... ۲۵- سوره شعراء
- ۷۱ ..... ۲۶- سوره نمل
- ۷۱ ..... ۲۷- سوره زمر
- ۷۱ ..... ۲۸- سوره الرحمن
- ۷۱ ..... ۲۹- سوره حدید
- ۷۱ ..... ۳۰- سوره تغابن
- ۷۱ ..... ۳۱- سوره معارج
- ۷۱ ..... ۳۲- سوره مدثر
- ۷۱ ..... ۳۳- سوره مرسلات
- ۷۲ ..... ۳۴- سوره نبأ

۷۲	۳۵- سوره مطفین
۷۲	۳۶- سوره انشقاق
۷۲	۳۷- سوره بروج
۷۲	۳۸- سوره طارق
۷۳	۳۹- سوره اعلی
۷۳	۴۰- سوره غاشیه
۷۳	۴۱- سوره فجر
۷۴	۴۲- سوره بلد
۷۴	۴۳- سوره شمس
۷۴	۴۴- سوره علق
۷۴	۴۵- سوره قدر
۷۵	۴۶- سوره بیته
۷۵	۴۷- سوره زلزال
۷۵	۴۸- سوره قارعه
۷۵	۴۹- سوره تکاثر
۷۵	۵۰- سوره همزه
۷۵	۵۱- سوره قریش
۷۶	۵۲- سوره تبت
۷۶	۵۳- سوره اخلاص
۷۶	چکیده مطالب
۷۶	اشاره
۷۷	اختلاف مصاحف اولیه
۷۷	درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## اهمیت قرائت عاصم به روایت حفص

## مشخصات کتاب

نام کتاب: اهمیت قرائت عاصم به روایت حفص نویسنده: اکرم خدایی اصفهانی موضوع: قرائت تاریخ وفات مؤلف: معاصر زبان: فارسی تعداد جلد: ۱ ناشر: رایزن مکان چاپ: تهران سال چاپ: ۱۳۷۸ نوبت چاپ: اول

## مقدمه

مقدمه بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله الذي جعل القرآن مفتاحاً لأبواب معرفته و انزل الفرقان على عبده ليكون للعالمين نذيراً فبعله سراجاً و قمراً منيراً و الصلاة على خاتم رسله محمد صلى الله عليه و آله الذين اذهب الله عنهم الرجس و طهرهم تطهيراً. هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَ دِينَ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ. «۱» او رسولش را با هدایت و آیین حق فرستاد، تا بر همه آیین‌ها غالب گرداند، هر چند مشرکان کراحت داشته باشند. بار الها تو را ستایش می‌کنم و تو را شکر می‌گویم. از تو می‌خواهم مرا به راه خود هدایت فرمایی. از تو می‌خواهم مرا مورد مغفرت خود قرار دهی. از تو می‌خواهم که قرآن را، بهار قلبم و شفای سینهام و جلای دیده‌ام گردانی. زیرا که تو خود، فرموده‌ای: قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَ كِتَابٌ مُبِينٌ، يَهْدِي بِهِ اللَّهُ مَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ سُبُلَ السَّلَامِ وَ يُخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِهِ وَ يَهْدِيهِمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ «۲» قال رسول الله صلى الله عليه و آله: استشف بالقرآن فإن الله عز و جل يقول: و شفاء لما فى الصدور رسول خدا- صلى الله عليه و آله- فرمود: به وسیله قرآن شفا بجوی. زیرا (۱) \_\_\_\_\_ (۲) سوره توبه/ ۳۳. (۲) مائده/

آیات ۱۵ - ۱۶. اهمیت قرائت عاصم به روایت حفص، ص: ۲ خدای عز و جل، فرماید: و این قرآن شفاست برای آنچه در سینهاست. «۱» و القرآن هو الناموس الهی الذى تكفل للناس باصلاح الدین و الدنيا و فمن سعادة الاخرة و الاولى «۲» هر آیه از آیات قرآنی، منبع فیض هدایت و منبع ارشاد، رحمت و مغفرت است. خداوند متعال می‌فرماید: فَاقْرَأْ مَا تيسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ «۳» حضرت باقر- علیه السلام- به نقل از رسول خدا- صلى الله عليه و آله- فرمود: «هر کس در یک شب، ده آیه قرآن بخواند از غافلین نوشته نشود و هر کس پنجاه آیه بخواند، در زمره ذاکرین نوشته شود. هر کس صد آیه بخواند در زمره قانتین نوشته شود. هر کس دویست آیه بخواند از خاشعین نوشته شود و هر کس سیصد آیه بخواند از فائزین نوشته شود. هر که پانصد آیه بخواند از جمله مجتهدین نوشته شود و هر که هزار آیه بخواند برای او ثواب انفاق یک قطار «۴» از طلا نوشته شود. حضرت صادق- علیه السلام- فرمود: «برای مؤمن شایسته است یا قرآن یاد گیرد و یا در کار یاد گرفتن آن باشد. «۵» امام صادق- علیه السلام- فرمود: «قرائت قرآن، بیاموزید. به درستی که درجات بهشت به تعداد آیات قرآن می‌باشد. در روز قیامت به قاری قرآن گفته می‌شود، بخوان و او را یک درجه بالا- می‌برند. هر آیه‌ای که تلاوت می‌کند یک درجه مقام او بالا- می‌رود. «۶» حضرت صادق- علیه السلام- فرمود: «خانه‌ای که در آن، مسلمانی قرآن بخواند، اهل آسمان، بدان نظر کنند، همینطور که \_\_\_\_\_ (۱) یونس / آیه ۵۷، نقل از اصول

کافی، ص ۴۰۰، کتاب فضل القرآن. (۲) البیان فی تفسیر القرآن، ص ۲۵. (۳) مزمل / آیه ۲۰. (۴) یک قطار معادل صد رطل (پیمانه) و هر رطل دوازده اوقیه است. (ویراستار). (۵) اصول کافی، ص ۴۰۹. (۶) همان، ص ۴۰۸. اهمیت قرائت عاصم به روایت حفص، ص: ۳ اهل دنیا، ستاره درخشان را در آسمان نگرند. «۱» قرآن، محور فرهنگ غنی اسلام و پیام خدا، برای هدایت انسان است. حرکت‌های علمی و عملی که در پرتو این کتاب آسمانی پدید آمده است و می‌آید، هیچ‌گاه متوقف نمی‌شود و همچنان روز به روز، آفاق تازه‌ای از ذهن و زندگی بشریت را فتح می‌کند و بیایى انقلابهای اخلاقی، عقیدتی، سیاسی و آموزشی پدید می‌آورد.

علم قرائت، یکی از علوم کهن و معروف برخاسته از قرآن و رشد یافته در تاریخ اسلام است. چگونگی تلاوت قاریان نخستین به دو عامل بستگی دارد: ۱- اختلاف لهجه. ۲- اختلاف رسم الخط. موضوع اصلی این اثر، آشنایی با قراء و برتری قرائت عاصم بر دیگر قراء می‌باشد. مسأله‌ای که باید توجه شود این است که اختلاف قرائت، هرگز به معنای تحریف، افزایش و یا کاهش در قرآن نیست، بلکه، خود نویدگر توجه عمیق مسلمانان، به این کتاب آسمانی و به خاطر سپردن لهجه‌های قاریان اولیه و ثبت و ضبط رسم الخط مصاحف می‌باشد. به علاوه، در بسیاری از موارد، اختلاف قرائت هیچ گونه تفاوت کتبی و معنوی به همراه ندارد. قرآن با همین واژه‌ها و ترکیب‌های معروف و مشهور بین مسلمانان، مورد اتفاق شیعه اهل بیت پیامبر- صلی الله علیه و آله- و اهل سنت است.

(\_\_\_\_\_ ۱) همان، ص ۴۱۵. اهمیت قرائت

عاصم به روایت حفص، ص: ۵

## فصل اول قرائت و معنای آن

### تاریخچه قرائت

#### اشاره

تاریخچه قرائت قرآن و تلاوت آیات آن، یکی از مهمترین مسائل قرآنی به شمار می‌رود. به طوری که از همان ادوار نخستین، عده‌ای پیوسته به این کار همت گماشتند و عهده‌دار قرائت قرآن در جامعه اسلامی شدند. قرائت‌های قرآنی، بر ادوار مختلفی گذر کرد که ضمن طی مراحل گوناگون آنها را درنوردید و پاره‌ای از این ادوار در پاره‌ای دیگر راه یافت. در آن نفوذ کرد تا سرانجام به صورت علمی مستقل و یکی از عرصه‌های گسترده مطالعات و تحقیقات نحوی و لغوی درآمد. این ادوار تاریخی در آغاز پیدایش خود به صورت تعلیم آیات و سور قرآنی چهره گشود. قرآن کریم در این دوره صرفاً برای تعلیم و فرا گرفتن آن قرائت می‌شد، آنگاه به مرحله تلاوت آیات و سور قرآن کریم تطور یافت. قرآن کریم در این دوره، به خاطر تلاوت و مالا- در جهت دست یابی به ثواب قرائت می‌شد. سپس به مرحله حفظ تمام و یا قسمتی از قرآن کریم رسید. از آن پس به مرحله نقل و روایتی که قرائت را به رسول اکرم- صلی الله علیه و آله- منسوب می‌ساخت، دست یافت. بعداً به صورت عرصه و زمینه‌ای برای تخصص و کارآیی در آمد. استادان و شاگردانی برای کسب مهارت در آن، همه فرصت‌های خود را در اختیار نهادند. سرانجام به صورت علمی مستقل و دانشی تعالی یافت که دارای قواعد، ضوابط و اصول شد و از آثار، مؤلفات و فرآورده‌هایی از تحقیقات ارزنده برخوردار گشت.

#### مرحله اول:

مرحله اول: ادوار و مراحل قرائت‌های قرآنی که باید آن را به مثابه پیدایش و نقطه آغازین اهمیت قرائت عاصم به روایت حفص، ص: ۸ قرائت قرآنی برشمرد، با تعلیم قرآن به نبی- صلی الله علیه و آله- از سوی جبرئیل- علیه السلام- تحقق یافت. طلوع این مرحله در آغاز نزول قرآن با اولین آیات قرآنی، افتتاح شد.

#### مرحله دوم:

مرحله دوم: در این مرحله آن حضرت خود به مسلمین تعلیم می‌داد و آن را بر آنان اقرء می‌نمود و این امثال امر الهی بود. وَ قُرْآنًا فَرَقْنَاهُ لِتَقْرَأَهُ عَلَى النَّاسِ عَلَى مُكْثٍ وَ نَزَّلْنَاهُ تَنْزِيلًا «۱» از عثمان بن مظعون، عبد الله بن مسعود و ابی بن کعب، روایت شده است که

رسول خدا- صلی الله علیه و آله- ده آیه را بر آنان اقراء می فرمود و آنان از این ده آیه فراتر نمی رفتند و به ده آیه دیگر نمی پرداختند، مگر آن که راه و رسم عمل به آن را فرا می گرفتند. از ابن ابو عبد الرحمن سلمی روایت شده است که گفت: «کسی که قرآن را بر ما اقراء می کرد، برای ما از صحابه روایت می نمود که آنان از رسول خدا- صلی الله علیه و آله- ده آیه را فرا می گرفتند و به فرا گرفتن ده آیه دیگر آغاز نمی کردند، مگر آنکه درباره ده آیه نخست از لحاظ علم و عمل آگاهی کسب می کردند.»

### مرحله سوّم:

مرحله سوّم: در این مرحله، عده‌ای از مسلمین آیات و سور قرآن کریم را به عده‌ای دیگر تعلیم می دادند و به اقراء یکدیگر می پرداختند، که این کار بر حسب دستور نبی اکرم- صلی الله علیه و آله- و ارشاد آن حضرت صورت می گرفت. بخاری با اسناد خود از ابی اسحاق از براء آورده است: «از اصحاب نبی اکرم- صلی الله علیه و آله- اولین کسانی که بر ما در مدینه وارد شدند، مصعب بن عمیر و (عبد الله) ابن ام مکتوم بودند که قرآن را به ما تعلیم می دادند. (۱) \_\_\_\_\_»

قرائت عاصم به روایت حفص، ص: ۹ آنگاه عمار و بلال. وقتی رسول اکرم- صلی الله علیه و آله- مکه را فتح کرد، معاذ بن جبل را برای تعلیم قرآن در آنجا تعیین کرد و او را به ادای این وظیفه مأمور ساخت. «۱» بزرگان صحابه، چون: عبد الله بن مسعود، ابی بن کعب، ابو الدرداء و زید بن ثابت در طبقه اول. عبد الله بن عباس، ابو الاسود دؤلی، علقمه بن قیس، عبد الله بن سائب، اسود بن یزید، ابو عبد الرحمن سلمی و مسروق بن اجدع در طبقه دوّم، بالاخره بزرگانی دیگر در طبقات سوّم تا هشتم که عهد تدوین قرائت آغاز شد، قرار داشتند و بعد قراء سبعة تعیین گردیدند. پیوسته، سلسله قرائت‌ها قرن به قرن ادامه داشت، تا اینکه در اوایل قرن چهارم ابو بکر بن مجاهد (۲۴۵-۳۲۴). شیخ القراء بغداد، قرائت‌ها را در هفت قرائت از هفت قاری بنام، به رسمیت شناخت. بعدها در دوره‌های مختلف هفت قاری دیگر اضافه شد که مجموعاً به چهارده قرائت معروف شد و هر کدام از این قرائت‌ها به وسیله دو راوی روایت شده که بدین ترتیب ۲۸ قرائت متداول شده است. در حجیت و تواتر قرائت مذکور که آیا جملگی به طور متواتر از پیغمبر اکرم نقل و ضبط شده است یا نه گفتگوها فراوان است که از آن مباحث نفی تواتر قرائت را می توان نتیجه گرفت. یعنی طبق رأی محققین بیش از یک قرائت از پیامبر اکرم- صلی الله علیه و آله- نرسیده و آن قرائتی است که در میان مردم و جمهور مسلمانان متداول است و هر قرائت که با آن مطابق باشد مقبول و گرنه مردود است. اینک به ذکر معنی قرائت می پردازیم:

### تعریف قرائت

تعریف قرائت قرائت، همان تلاوت و خواندن قرآن کریم است. اصطلاحاً به گونه‌ای از تلاوت قرآن اطلاق می شود که از نصّ وحی الهی حکایت کنسد و بر حسب اجتهاد یکی از قراء (۱) \_\_\_\_\_ تاریخ قرآن زنجانی، ص ۳۵.

اهمیت قرائت عاصم به روایت حفص، ص: ۱۰ معروف بر پایه و اصول مضبوطی که در علم قرائت شرط شده است، استوار باشد. البته قرآن دارای نصّ واحدی است و اختلاف قراء بر سر بدست آوردن آن نصّ واحد است. امام صادق- علیه السلام- می فرماید: انّ القرآن واحد نزل من عند واحد و لكنّ الاختلاف یجییء من قبل الرواء «۱» قرآن یکی بیش نیست. این اختلافات بر سر قرائت آن از جانب راویان (قاریان) صورت گرفته است.

## معنی لغوی قرائت

معنی لغوی قرائت قرائت که جمع آن قرائات می‌باشد از مصدر قرأ است. درباره واژه قرأ اختلاف نظر وجود دارد. علمای لغت و ادب معانی متعددی برای آن ذکر کرده‌اند. مثلاً زجاج، قرائت را به جمع کردن و گرد آوردن معنی کرده و به قرأت الماء فی الحوض به معنی «جمعته»، استشهاد نموده است. قطرب نحوی می‌گوید: «قرائت به معنی انداختن و رمی، اسقاط و القاء است و به فاقرات الناقة سلی قطّ به معنی ما اسقطت استشهاد می‌کند» (۲) گروهی را عقیده بر آن است که قرائت به معنی تلاوت و خواندن است. ابن عطیه همین رأی را پذیرفته است. (۳) گروهی از دانشمندان لغت «قراءة، قرأ» را نسبت به تمام آن معانی واژه‌ای اصیل در عربی می‌دانند ولی آن طور که محققان می‌گویند، قرائت به معنی تلاوت و خواندن دارای ریشه اصیل و عربی نیست، بلکه عرب-در آغاز امر- این واژه را به معنی تلاوت نمی‌دانست. از زبان آرامی گرفته شده و دست به (۱) اصول کافی، ج ۲، ص ۶۳۰. (۲) ر ک: برهان زرکشی، ۱/ ۲۷۸، اتقان، ۱/ ۲۵۰. (۳) ر ک: مقدمتان فی علوم القرآن به تصحیح و اهتمام آرتور جفری، ص ۲۸۲. اهمیت قرائت عاصم به روایت حفص، ص: ۱۱ دست گشته است تا به معنی تلاوت در زبان عربی معمول گشت.

## معنی اصطلاحی قرائت

معنی اصطلاحی قرائت قرائت، عبارت است از راه و روش تلاوت، رسم و نگارش قرآن با حروف، حرکات و نقطه‌ها. یا عبارت است از روش تلاوت قرآن با رسم و نگارش. (۱) زرکشی قرائت‌ها را بدین گونه معرفی کرده است: «قرائت‌ها عبارت از اختلاف مربوط به الفاظ و عبارات وحی است که این اختلاف در رابطه با حروف و کلمات قرآن و کیفیت آنها از قبیل تخفیف و تشدید و امثال آنها از سوی قراء نقل شده است.» (۲) ابن جزری، در تعریف قرائت گفته است: «قرائت‌ها عبارت از علم به کیفیت ادای کلمات قرآن و اختلاف این کیفیت، اختلافی که به ناقل و راوی آن منسوب است.» (۳) یعنی این اختلاف را به کسی که آن را نقل و بازگو کرده است، نسبت می‌دهند. دمیاطی بناء، قرائت‌ها را به این صورت تعریف کرده است: «قرائت‌ها، علمی است که از رهگذر آن اتفاق نظر و یا اختلاف ناقلین کتاب خدا، در رابطه با حذف و اثبات و متحرک خواندن و ساکن کردن و فصل و وصل حروف و کلمات و امثال آنها از قبیل کیفیت تلفظ و ابدال و همانند آنها از طریق سماع و شنیدن، قابل شناسایی است.» (۴) ابن جزری و دمیاطی، نقل و سماع را در تعریف قرائت‌ها مندرج ساخته‌اند و آنها را به عنوان شرطهایی در قرائت بر شمرده‌اند. چرا که قرائت سنتی است که باید لزوماً از

(۱) دائرة المعارف اسلامی و تاریخ الادب العربی، نولد که (به نقل از تاریخ قرآن دکتر حجتی ص ۲۵). (۲) برهان فی علوم القرآن، ۱/ ۳۸. (۳) منجد المقرئین، ص ۳. (۴) اتحاف فضلاء البشر، ص ۵. اهمیت قرائت عاصم به روایت حفص، ص: ۱۲ آن در تلاوت قرآن کریم پیروی شود. چنانکه این گفتار از زید بن ثابت انصاری صحابی نقل شده است. (۱) با توجه به همین اصل است که ابن جزری می‌گفت: «قاری باید از اقراء به قرائتی که از دیدگاه شخصی او درست است و نقل و روایت، آن را تأیید نمی‌کند و نیز از اقراء آن وجهی از نظر اعراب و لغت که در زمینه آن، روایتی، وجود ندارد، سخت خودداری کند.» (۲) در تعریف زکریای انصاری (۹۵۲ م) از شرط دیگری در تعریف قرائت‌ها مطلع می‌شویم که عبارت از: انطباق قرائت‌های مسموع و منقول با قرآن کریم، از نظر تلاوت و ادا با خود قرآن کریم، است. زکریای انصاری می‌گوید: «قرائت به کسر قاف و تخفیف راء از نظر قراء عبارت از این است که قرآن کریم قرائت شود، اعم از آنکه قرائت به صورت تلاوت (پیوسته و پی هم) برگزار شود و یا به صورت (ادا) - یعنی از طریق فراگیری و دریافت از مشایخ و استادان قرائت - انجام گیرد.» (۳) پس، قرائت، عبارت از، تلفظ الفاظ قرآن کریم به همان صورت و

کیفیتی است که رسول خدا- صلی الله علیه و آله- تلفظ می‌کردند. یا در حضور ایشان تلفظ می‌شد و آن حضرت تأیید می‌فرمودند. خواندن قرآن کریم، بر اساس تلفظی که نقل و روایت شده است، فرقی نمی‌کند تلفظ خود آن حضرت باشد و یا تلفظ و خواندن دیگران باشد که مورد تأیید ایشان قرار گرفته است. بر اساس این تعریف، قرائت گاهی به صورت سماع و شنیدن قرائت خود نبی اکرم- صلی الله علیه و آله- به دست می‌آید و گاهی از طریق نقل قرائت (۱) اقبال، ۱/ ۵۷. (۲) منجد المقرئین، ص ۳. (۳) کشاف اصطلاحات الفنون، ۵/ ۱۱۵۸. اهمیت قرائت عاصم به روایت حفص، ص: ۱۳ دیگران در حضور رسول اکرم- صلی الله علیه و آله- و تأیید آن حضرت راجع به آن احراز می‌گردد. گاهی قرائت به صورت یک لفظ و یک وجه روایت می‌شود که از آن به «متفق علیه بین قراء» تعبیر می‌گردد، و گاهی قرائت به بیش از یک وجه روایت می‌شود که آن را «مختلف فیه بین قراء» ذکر می‌کنند. لذا، قرائت یعنی وجهی از وجوه احتمالی نص قرآن که از قدیمی‌ترین علوم اسلامی بوده و دارای منزلتی بس عظیم است. زیرا، اولین آموزش صحابه از علوم دین، حفظ قرآن و قرائت آن بوده است. رسول اکرم- صلی الله علیه و آله- خود نخستین حافظ قرآن هستند و در رأس همه حافظان، قاریان و قراء قرآن بوده‌اند. به غیر از پیامبر- صلی الله علیه و آله- و وصی ایشان امیر المؤمنین- علیه السلام- و همزمان با حیات پیامبر شمار حافظان قرآن بیش از ۷۰ نفر بود. چنانچه این مطلب را قرطبی یاد آور شده است. او می‌نویسد: «هفتاد نفر در جنگ یمایه به شهادت رسیدند و همزمان با حیات رسول خدا- صلی الله علیه و آله- همین تعداد از حفاظ قرآن در جنگ بئر معونه، شهید شدند.» (۱)

### قاریان چهارده گانه

قاریان چهارده گانه قرائت قرآن بین قاریان در مواردی اختلاف داشت. تعداد قاریان در طی سالیان متمادی افزایش یافت، تا اینکه ابن مجاهد، از بین کلیه قرائت‌ها هفت قرائت را برگزید که هر کدام دو راوی دارند. آنها عبارتند از: ۱- عامر ۲- ابن کثیر ۳- عاصم ۴- ابو عمرو ۵- حمزه ۶- نافع (۱) اتقان، ج ۱، ص ۱۲۲. اهمیت قرائت عاصم به روایت حفص، ص: ۱۴ ۷- کسائی ۸- خلف ۹- یعقوب ۱۰- ابو جعفر چهار قاری دیگر که به قرائت شاذ (خلاف مشهور) قرائت می‌کردند، ولی مقبول عامه مردم بودند، بر این ده قاری افزوده شده‌اند. آنها عبارتند از: ۱۱- حسن بصری ۱۳- یزیدی ۱۲- ابن محیصن ۱۴- اعمش

### قراء سبعة

قراء سبعة پس از عصر صحابه و عصر تابعین، گروهی خاص در فن قرائت و کارآیی در آن از شهرت و معروفیت برخوردار شده‌اند و به عنوان افرادی متخصص و ماهر در امر قرائت شناخته شدند. از این میان هفت تن سرآمد دیگران گشتند که به قراء سبعة شهرت یافتند.

### علت اشتها قراء سبعة

علت اشتها قراء سبعة مکی بن ابو طالب می‌نویسد: «اگر کسی بی‌رسد، به چه دلیل این قراء هفت گانه قرائت از شهرت برخوردار شدند، تا آنجا که حتی قاریانی که پیش از آنها و برتر از آنان بودند، تا این حد معروفیت کسب نکردند. پاسخ این است، راویانی که قرائت‌ها را از استادان قرائت روایت کرده‌اند، در دوره دوم و سوم از لحاظ شماره فزونی داشته‌اند و دارای اختلاف بیشتری در امر قرائت بودند. در دوره چهارم، مردم بر آن شدند که در میان قرائت‌هایی که با رسم الخط قرآن منطبق بوده است، بر قرائت‌هایی

بسنده کنند که حفظ آنها آسان است و نیز قرائت بر طبق آنها قابل ضبط و شایسته انطباق با قواعد کلی عربی باشد. لذا، در صدد جستجو و یافتن پیشوایی در قرائت بر آمدند که به وثاقت، امانت و حسن تدبیر و کمال معروف بوده و از عمری طولانی و شهرتی در خور، بهره‌مند باشند. نیز معاصران او، عدالت و وثاقتش را در روایات و قرائت‌ها و همچنین علم و اهمیت قرائت عاصم به روایت حفص، ص: ۱۵ آگاهی او را نسبت به آنچه قرائت کرده است، مورد تأیید قرار داده باشند. به همین جهت، مردم از هر سرزمینی، امام و پیشوایی در قرائت گزین کردند که دارای چنان اوصافی باشند. اینان عبارتند از: - نافع از اهل مدینه- ابن کثیر از مکه- حمزه بن حبيب زیات از کوفه- کسائی از مردم عراق- ابو عمرو بن علاء از بصره- ابن عامر از اهل شام- عاصم بن ابی النجود از کوفه اینان از زمره کسانی به شمار می‌روند که اوصاف مذکور را دارا بودند. «۱»

### نظریه مرحوم طبرسی درباره شهرت قراء سبعة

نظریه مرحوم طبرسی درباره شهرت قراء سبعة طبرسی در انگیزه توافق و هماهنگی مردم درباره این قراء و پیروی از آنان به دو علت اشاره می‌کند: ۱- این قاریان علاوه بر اینکه از علم افزونتری نسبت به قراء دیگر بهره‌مند بودند عمده همت و فرصت خود را درباره قرائت مصروف داشته‌اند و بسار در این امر سخت کوش بوده‌اند. ۲- قرائت این قراء هم لفظاً و هم سماعاً از آغاز تا پایان قرآن کریم، به گونه‌ای مسند به دست آمده است. علاوه بر اینکه نسبت به وجوه قرآن به پرکاری شهره بوده و با این وجوه عملاً در مقام اقرار بوده‌اند. «۲» (۱) تاریخ قراءات قرآن کریم عبد الهادی فضل‌ی، ترجمه دکتر سید محمد باقر حجتی، ص ۴۸. (۲) مجمع البیان فی تفسیر القرآن، طبرسی، ۲۵/۱. اهمیت قرائت عاصم به روایت حفص، ص: ۱۶

### نظریه دمیاطی درباره شهرت قراء سبعة

نظریه دمیاطی درباره شهرت قراء سبعة دمیاطی نیز در این باره می‌نویسد: «پس از آنکه اختلاف مربوط به قرائت رو به ازدیاد گذاشت، مردم تصمیم گرفتند پیشوایان و قاریانی را انتخاب کنند که معروف به وثاقت و امانت در نقل و درک صحیح و کمال علم باشند و عمری را در قرائت و اقرار سپری سازند.» «۱»

### نظریه ابن مجاهد درباره قراء سبعة

نظریه ابن مجاهد درباره قراء سبعة ابن مجاهد که اولین بار عنوان قراء سبعة را گزین کرد، مطالبی را به عنوان انگیزه گزینش خویش بیان داشته است که به اختصار به آن اشاره می‌کنیم. قاریان و حاملان کتاب خدا چهار دسته‌اند: دسته اول: قاریان معرب، یعنی آگاه به وجوه اعراب و قرائت‌ها، آشنا به لغات و معانی کلام، بینا به عیوب و لغزش‌های قراءات و اهل نقد آثار و اخبار. دسته دوم: قاریان فطری، یعنی قاریانی که همانند اعراب بادیه نشین، طبق لغت و زبان خود قرائت و تکلم می‌کنند و کیفیت خواندن و مکالمه آنها فطری است. گرچه با قواعد هماهنگ است و اشتباه و لغزش در آن دیده نمی‌شود. دسته سوم: حافظان قرآن، یعنی قاریانی که از اعراب، قواعد و ضبط عربی آگاه نیستند. بلکه تنها قادرند آنچه را از دیگران فرا گرفته‌اند، ادا کنند. دسته چهارم: بدعت گزاران، یعنی قاریانی که قرآن را از لحاظ اعراب، صحیح قرائت می‌کنند، به معانی آیات آشنا هستند و لغات قرآن را می‌شناسند، اما نسبت به قرائت‌های مختلف مردم و آثار و روایات درباره قرائت‌ها جاهلند. لذا، چه بسا آگاهی آنان به اعراب و دستور زبان عربی، آنان را وادارد که قرآن را به وجهی قرائت

(۱) اتحاف فضلاء البشر فی القراءات الاربع عشر، ص ۵. اهمیت قرائت عاصم به روایت حفص، ص: ۱۷ کنند که در زبان عربی

جایز و با قواعد عربی منطبق است، لیکن هیچ یک از پیشینیان، قرآن را به آن وجه نخوانده است. سرانجام می‌گوید: «دسته اول همان پیشوایانی هستند که حفاظ قرآن کریم در هر سرزمینی از بلاد اسلامی به آنها پناه می‌برند و حل مشکل مربوط به قرائت را نزد آنان جستجو می‌کنند.» (۱) بنابر این، انگیزه مجاهد، از این گزینش، پاسداری از روش و راه و رسم قرائت‌های قرآنی است.

## ذکر حال قراء سبعة

### اشاره

ذکر حال قراء سبعة الف- مذهب قراء سبعة: چهار تن از قراء، عاصم، ابو عمرو، حمزه بن حبيب و علی بن حمزه شیعه هستند و مذهب آنان ثابت و مورد قبول ارباب سیره است. ب- سنت قراء سبعة: از میان قراء هفتگانه، پنج نفر ایرانی بودند: ۱- نافع از اصفهان، ۲- ابن کثیر از ایرانیانی که کسری او را با کشتی‌هایی که به یمن فرستاده بود، به فتح حبشه گسیل داشت. ۳- حمزه بن حبيب زيات کوفی که از نظر دو نیا ایرانی است، ۴- کسائی از توس یا ری، ۵- ابو عمرو بن علاء از مردم فارس و از قریه کازرون.

### ۱- نافع

### اشاره

۱- نافع ابو عبد الله، نافع بن ابی نعیم مدنی، که او را با نام‌های ابو عبد الرحمن نافع بن ابی نعیم یا نافع بن عبد الرحمن بن ابی نعیم مدنی، نیز یاد کرده‌اند و مکتبی به «ابی رویم» می‌باشد. طبق روایت اصمعی و نیز حافظ ابی نعیم، در تاریخ اصفهان و ابن الندیم، (\_\_\_\_\_ ۱) المجاهد، کتاب السبعة فی

القراءات، تحقیق دکتر شوقی ضیف، ۱/ ۳۹۱. اهمیت قرائت عاصم به روایت حفص، ص: ۱۸ نافع، اصالتا از اصفهانی بوده است و در مدینه می‌زیست و به سال (۱۷۶ یا ۱۶۹ ه ق) در همان جا در گذشت. (۱) ابن مجاهد، که قرائت‌های قراء سبعة را فراهم کرده، کار خود را از نام او آغاز کرده است. بسیاری از دست اندرکاران قرائت‌های قرآن با تعبیر مختلف قرائت او را ستوده‌اند و او را قابل اعتماد معرفی کرده‌اند. (۲) ابن جزری، می‌نویسد: «نافع، یکی از قراء سبعة، عالمی نام آور، ثقه، صالح و از اهل اصفهان است. قرائت را از جماعتی که به هفتاد نفر می‌رسد، فرا گرفته است.» یاد آوری کرده‌اند، او قرآن را نزد ابو میمون «مولی ام سلمه»، همسر رسول خدا- صلی الله علیه و آله- قرائت نموده است. (۳) ابن جزری اضافه می‌کند که مالک بن انس گفت: «روایت اهل مدینه در قرائت، سنت و روشی قابل اتباع است. از مالک سؤال کردند: حتی قرائت نافع؟ در پاسخ گفت: آری.» عبد الله بن احمد حنبل گفت: «از پدرم پرسیدم: چه قرائتی نزد تو محبوبتر است؟ گفت: قرائت اهل مدینه. گفتم: و اگر نه؟ گفت: قرائت نافع.» (۴) لیث بن سعد می‌گوید: امام و پیشوای دینی اهل مدینه می‌گفت: «به سال (۱۱۳ ه ق.) حج می‌گذاردم و امام و مقتدای مردم در امر قرائت، همزمان، با این تاریخ، نافع بن ابی نعیم بوده است.» (۵) از نظر عده‌ای از دانشمندان، نافع ابن ابی نعیم از لحاظ موثق بودن در حدیث (\_\_\_\_\_ ۱) الفهرست، ص ۴۲. (۲)

نقل از تاریخ قرآن کریم، ص ۳۱۳. (۳) لغت نامه دهخدا، ص ۱۹۵. (۴) طبقات القراء، ص ۳۳۰. (۵) القراءات و اللهجات، ص ۲۰۵. اهمیت قرائت عاصم به روایت حفص، ص: ۱۹ شخصیتی غیر قابل اعتماد دارد. ابو طالب مکی- به نقل از احمد بن حنبل- درباره او می‌گوید: «مردم، قرائت قرآن را از نافع فرا گرفته‌اند ولی او در حدیث مقامی ندارد.» از طرفی دوری، با نقل از ابن معین او را ثقه و قابل اعتماد در حدیث معرفی کرده است. چنانچه نسائی با لیس به بأس نافع را به طور نسبی فردی قابل اعتماد، می‌شناسد. ابن حنان، نیز او را از این گروه شمرده است. ساجی درباره او می‌گوید: «صدوق و راستین است.» احمد و یحیی درباره او نظرهای متفاوتی را

اظهار نموده‌اند. احمد می‌گوید: «او از لحاظ حدیث مقبول نیست.» اما یحیی او را ثقه می‌داند. (۱)»

## راویان قرائت نافع

### اشاره

راویان قرائت نافع قرائت نافع را دو نفر بدون واسطه نقل کرده‌اند: قالون و ورش

### الف - قالون:

الف - قالون: در مورد عیسی بن میناء بن وردان ابو موسی، یا قالون گفته‌اند: «او ربیب (یعنی فرزند همسر) نافع بن ابی نعیم بوده است و او را بخاطر اینکه قرائتش نیکو بوده است، قالون گفته‌اند.» قالون به زبان رومی یعنی نیکو. عبد الله بن علی گفته است: «قالون، اصلاً از مردم روم بوده است. جد جد او از روم بوده است. قالون قرائت را از نافع گرفت.» ابی حاتم گفته است: «او قدرت شنوایی نداشته است. قرآن را بر او می‌خواندند و او خطای آنها را از حرکات لب و دهان آنها می‌فهمید و به اصلاح آن می‌پرداخت.» (۲) قالون، در سال ۱۲۰ متولد شد و در سال ۲۲۰ وفات یافت. ابن حجر گفته (۱) تهذیب التهذیب، ج ۱۰، ص ۴۰۷. (۲) البیان، ص ۱۴۰. اهمیت قرائت عاصم به روایت حفص، ص: ۲۰ است قالون، از نظر قرائت از ثقات بوده است، ولی در حدیث، فی الجمله احادیث او را می‌نوشتند (یعنی از نظر حدیث ثقه نبود). قالون، ۵۰ بار قرآن را بر نافع خواند. (۱) از احمد بن صالح مصری، در مورد حدیث قالون سؤال کردند، او با خنده گفت: «آیا از هر کسی حدیث می‌نویسند.» (۲)»

### ب - ورش (عثمان بن سعید مصری):

ب - ورش (عثمان بن سعید مصری): ابن جزری، می‌نویسد: «قالون، رئیس تعلیم قرائت در زمان خود، در مصر بود.» او قرائتی داشت که مخالف قرائت نافع بود. او را در علم قرائت، حجت، معرفی کرده‌اند. (۳) ورش، به علت سفیدی پوست به این نام مشهور شد. (۴)»

### ۲ - عبد الله بن کثیر مکی

### اشاره

۲ - عبد الله بن کثیر مکی عبد الله بن کثیر بن عمرو بن عبد الله بن فیروزان بن هرمز المکی الداری، اصلاً اهل فارس بوده است. او در سال ۴۵ در مکه متولد شده است. علی بن المدینی می‌گوید: «او ثقه و پیشوای مردم مکه، در قرائت بوده است.» (۵) ابن کثیر، عطار بوده است. به او داری می‌گفته‌اند، چون، از بنی الدار بن هانی بن حبیب بن غارة بوده است. بعضی گویند، داری به کسی می‌گفته‌اند که همیشه در خانه باشد و دنبال معاش نباشد. صحیح این است که او از ایرانیانی بوده است که کسرای ایران او را با کشتی‌هایی که به یمن فرستاده بود، برای فتح حبشه گسیل داشت. (۶) ابن جزری، می‌گوید: «در اسناد او نه قول است اما

صحیح‌ترین آنها این است که بر مغیره اقرء کرده است.»  
 (۱) التیسیر، ص ۱۱۲. (۲) لسان  
 المیزان، ج ۴، ص ۴۰۰. (۳) طبقات القراء، ج ۱، ص ۵۰۲. (۴) کتاب التیسیر، ص ۴. (۵) النشر فی قراءات العشر، ص ۱۲۰. (۶) غایة  
 النهایة، ص ۴۴۳. اهمیت قرائت عاصم به روایت حفص، ص: ۲۱

### راویان قرائت ابن کثیر

#### اشاره

راویان قرائت ابن کثیر راویان قرائت ابن کثیر که قرائت او را با وسائلی نقل کرده‌اند، عبارت است از: بزى- قنبل.

#### الف- بزى:

الف- بزى: احمد بن محمد بن عبد الله بن القاسم بن نافع بن ابى بزه که بشار نام داشت و از مردم همدان است و به دست سائب بن ابى السائب فخردمی، مسلمان شده است. «۱» ابن جزرى، درباره او می‌نویسد: «بزى، استادی محقق، ضابط و دقیق است در سال ۱۷۰ متولد شد و به سال ۲۵۰ وفات یافت.» «۲» وی، قرائت را بر ابى الحسن احمد بن محمد بن علقمه، معروف به قواس و همچنین بر ابى اخريط وهب بن واضح مکی و عبد الله بن زیاد بن عبد الله بن یسار، قرائت کرده است. «۳» ابو القاسم، عکرمه بن سلیمان بن کثیر بن عامر مکی نیز، از استادان بزى، در قرائت به شمار می‌رود. ابو حاتم، حدیث او را ضعیف دانسته است و می‌گوید: «من از وی، حدیثی نقل نمی‌کنم.» «۴»

#### ب- قنبل:

ب- قنبل: وی، دومین راوی قرائت ابن کثیر بود. محمد بن عبد الرحمن بن خالد بن محمد بن ابو عمرو المخزومی مکی (۱۹۵-۲۹۱ ه ق). «۵»، ملقب و معروف به قنبل و مکنی به ابو عمرو است. وی، قرائت را از احمد بن محمد بن عون النبال، اخذ کرده است. او جانشین محمد بن عون در مکه، در امر قرائت، بود. ریاست اقرء حجاز به او منتهی شد. او متصدی شهر مکه بود. این سمت، سیرت او را دگرگون ساخت و (۱) البیان، ص ۱۲۹. (۲) طبقات القراء، ج ۱، ص ۱۱۹. (۳) النشر فی القراءات العشر، ج ۱، ص ۱۹۹. (۴) لسان المیزان، ج ۱، ص ۲۸۳. (۵) تاریخ قرآن زنجانی، ص ۸۱. اهمیت قرائت عاصم به روایت حفص، ص: ۲۲ پیری و کهنسالی نیز بر دگرگونی اوضاع روحی او افزود. در نتیجه هفت سال پیش از مرگش شغل اقرء و تدریس قرائت را رها کرد. «۱»

### ۳- حمزه بن حبيب زیات کوفی

#### اشاره

۳- حمزه بن حبيب زیات کوفی وی سومین قاری از قراء هفت گانه است. حبيب بن عماره بن اسماعیل ابو عماره الكوفی التیمی که

زمان صحابه را درک کرده است و قرآن را بر سلیمان اعمش، حرمان بن اعین (برادر زراره بن اعین)، ابی اسحاق سبیعی، محمد بن عبد الرحمن بن ابی لیلی و طلحه بن مصرف عرضه کرده است. «۲» در کفایه الکبری و التیسیر آمده است: او قرائت را از محمد بن عبد الرحمن بن ابی لیلی و طلحه بن مصرف فرا گرفته است. همچنین در کتاب التیسیر آمد است: از مغیره بن مقسم، و منصور و لیث بن ابی سلیم فرا گرفته است. صاحب کتاب «التیسیر و المستنیر» گوید: «از امام صادق - علیه السلام - فرا گرفته است. اینان می گویند «حمزه»، قرائت را بدوا از حرمان یاد گرفته سپس بر اعمش و ابو اسحاق و ابن ابی لیلی عرضه داشته است. پس از عاصم و اعمش مقام امامت و پیشوایی در علم قرائت به وی محول گردید. او حجت و پیشوای مورد اعتماد و وثوق و نمونه‌ای بی نظیر بود.» عبد الله عجللی، گوید: «ابو حنیفه، خطاب به حمزه چنین گفت: تو در دو موضوع بر ما پیروز گشتی و در آن دو موضوع با تو مبارزه نمی کنیم، قرآن و فرائض.» سفیان ثوری نیز گفته است: «حمزه، در قرآن و فرائض بر همه تفوق دارد. و عبد الله بن موسی می گوید: «اعمش، استاد حمزه بود و هر وقت او را می دید می گفت: او دانشمند در قرآن است.» حمزه، در سال ۸۰ زاده شد و در سال ۱۵۶ وفات نمود. «۳» (۱) لسان المیزان، ج

۵، ص ۲۴۹. (۲) القراءات و اللهجات، ص ۲۱۱. (۳) طبقات القراء، ۱/ ۲۶۱. اهمیت قرائت عاصم به روایت حفص، ص: ۲۳

## راویان حمزه

### اشاره

راویان حمزه راویان حمزه، دو نفرند که قرائت را با واسطه از او نقل کرده‌اند: یکی خلف بن هشام و دیگری خلاد بن خالد. البته افراد دیگری از قراء، قرائت حمزه را با واسطه و بدون واسطه نقل کرده‌اند که عبارتند از: ابراهیم بن ادهم، ابراهیم بن اسحق، سلیم بن عیسی (که ضابط ترین اصحاب حمزه بود)، سفیان ثوری، شریک بن عبد الله، شعیب بن حرب، زکریا بن یحیی، علی بن صالح، جریر بن عبد الحمید، یحیی بن مبارک، یزیدی، «۱» خالد بن یزید، عایذ بن ابی عایذ، کسائی، حسن بن عطیه، عبد الله بن موسی عیسی، «۲» خلف بزاز و خلاد، ولی از میان جمع مذکور خلف و خلاد معروف هستند که به وسیله سلیم بن عیسی، قرائت او را روایت کرده‌اند. «۳»

## الف - خلف (اولین راوی از قرائت حمزه):

الف - خلف (اولین راوی از قرائت حمزه): کنیه خلف، ابو محمد از قبیله اسد و فرزند هشام بن ثعلب بزاز و اهل بغداد است. ابن جزری، می گوید: «خلف، یکی از قاریان دهگانه و از راویان قرائت حمزه به وسیله سلیم می باشد. او در سن ده سالگی تمام قرآن را حفظ کرده بود و از سیزده سالگی شروع به تحصیل علم قرائت نمود. خلف، در قرائت، روش حمزه را پیش گرفته بود، ولی در صد و بیست مورد با او اختلاف داشت. او در سال ۱۵۰ متولد و در سال ۲۲۹ وفات یافت.» «۴» نویسندگان، خلف را مردی آگاه به قرائت و عمامی بزرگ و پارس - معرفی نموده‌اند. «۵»

(۱) الفهرست، ص ۴۴. (۲) القراءات و اللهجات، ص ۲۱۸. (۳) اتقان، ج ۱، ص ۱۲۶. (۴) طبقات القراء، ۱/ ۲۷۲. (۵) طبقات القراء، ۱/ ۲۷۲. اهمیت قرائت عاصم به روایت حفص، ص: ۲۴ خطیب بغدادی، از محمد بن حاتم کندی، آورده است: «از یحیی بن معین راجع به خلف بزاز سؤال کردم،

پاسخ داد: خلف نمی‌دانست حدیث چیست.» (۱)

### ب- خالد (دومین قاری از راویان حمزه):

ب- خالد (دومین قاری از راویان حمزه): خالد بن خالد، معروف به ابو عیسی شیبانی، اهل کوفه است. ابن جزری، درباره او می‌گوید: «خالد، در علم قرائت، پیشوا و مورد اطمینان می‌باشد. او در این علم، دانا، محقق و استاد است. خالد، قرائت را بر سلیم عرضه کرده و از او فرا گرفته است.» (۲) او در میان یارانش از همه با حافظه‌تر بود و بر همه آنان تفوق داشت. وفاتش در سال ۲۲۰ واقع شد. (۳)

### ۴- کسائی

#### اشاره

۴- کسائی نام او علی، مشهور به کسائی، فرزند حمزه بن عبد الله بن بهمن بن فیروز، از قبیله اسد و آزاد کرده آنان می‌باشد. اجداد او ایرانی است. داود سجستانی درباره او می‌گوید: «کسائی ریاست اقراء کوفه بعد از حمزه بن حبیب زیات را به عهده داشت.» (۴) ابن جزری، درباره او می‌نویسد: «کسائی، همان پیشوای قرائت است که ریاست علم قرائت در کوفه - بعد از حمزه بن حبیب زیات - به او محول گردید. او، قرائت را از حمزه اخذ نمود. بدین صورت که چهار بار قرائت خود را بر او عرضه کرد و در قرائت تنها به او اعتماد می‌نمود.» ابن ندیم می‌نویسد: «قرائت کسائی، در آن قسمت که مخالف با قرائت حمزه بود، مطابق قرائت ابی لیلی است. او نیز بـه نـوبه خـود، قرآن را بر حـضرت علی - علیـه السـلام - (۱) تهذیب التهذیب، ج ۳، ص ۱۵۶. (۲) البیان، ص ۱۷۴. (۳) تهذیب التهذیب، ۳/ ۱۵۶. (۴) غایه النهایه، ص ۵۳۵. اهمیت قرائت عاصم به روایت حفص، ص: ۲۵ خوانده است.» (۱) سید حسن صدر، در سلسله طولی روایت قرائت کسائی، نامهای امام ششم تا امام اول را یاد می‌کند و اضافه می‌کند: این مطلب، مستند به نوشته شهید اول می‌باشد که شیخ جمال الدین احمد بن محمد بن حداد حلی آن را نقل کرده است. (۲)

### راویان کسائی

#### اشاره

راویان کسائی قرائت کسائی را دو نفر بدون واسطه نقل کرده‌اند. لیث بن خالد و حفص بن عمر.

### الف- لیث بن خالد (اولین راوی از کسائی):

الف- لیث بن خالد (اولین راوی از کسائی): نام او حارث، کنیه‌اش ابو الحارث و فرزند خالد بغدادی است. ابن جزری، در حق او می‌گوید: «او مردی مشهور و مورد اعتماد است و استادی حافظ است. از بزرگترین شاگردان کسائی که قرائت را از او فرا گرفته

است. وفات او در سال ۲۴۰ واقع گردید.» (۳)

### ب- حفص (دومین راوی از قرائت کسائی):

ب- حفص (دومین راوی از قرائت کسائی): درباره کسائی، نظرات قابل بررسی وجود دارد. از جمله: مرزبانی در گفتار و نقلی که به ابن الاعرابی می‌رسد، می‌نویسد: «کسائی با وجود اینکه به شرب نیبذ مبتلا بود، اما از عالم‌ترین مردم زمان خود بود و واجد مزایای ضبط و دقت، مردی راستین و آشنا به قرائت بود.» (۴) ابو بکر انباری، می‌گوید: «در کسائی، مزایایی فراهم بود. چون او عالم‌ترین مردم زمان خود به علم نحو و شناخت لغات زبان تازی بود. مردم بیش از اندازه به او رو می‌آوردند. او بر کرسی استادی می‌نشست و قرآن را از آغاز تا انجام در طول هفته می‌خواند و حاضران قرائت را با جزئیات آن ضبط می‌کردند.» (۱) \_\_\_\_\_ (۲) تأسیس

الشیعه، ص ۳۴۷. (۳) طبقات القراء، ۲/ ۳۴. (۴) المعجم الادباء، ج ۵، ص ۱۸۵. اهمیت قرائت عاصم به روایت حفص، ص: ۲۶

### آثار علمی کسائی

آثار علمی کسائی آثاری به کسائی منسوب است که عبارت است از: معنی القرآن، مختصر النحو، قراءات، مقطوع القرآن و موصوله نوادر الاوسط، النوادر، لاصغر، اشعار المعایه و طرائقها، کتاب الهاءات المکنی بها فی القرآن، کتاب الحروف و قصص الانبیاء.

### ۵- ابو عمرو بن علاء

#### اشاره

۵- ابو عمرو بن علاء نام او زبان و فرزند علاء بن عمار مازنی و از اهالی بصره بود. بنا به عقیده بعضی از رجال شناسان او اصلاً ایرانی بوده است. او و پدرش از ترس حجاج «۱» به حجاز فرار نمودند. او قرائت را در مکه و مدینه فرا گرفت و در کوفه و بصره نیز از افراد زیادی قرائت آموخت. طوری که در میان تمام قاریان هفت گانه از نظر تخصص، کسی به پایه او نمی‌رسید. مردم شام تا قرن پنجم از قرائت ابن عامر پیروی می‌نمودند و از آن تاریخ به بعد قرائت او را ترک نمودند. زیرا مردی از اهل عراق وارد شام گردید و در مسجد اموی قرائت ابو عمرو بصری را به مردم تلقین نمود. افراد زیادی به دور او جمع شدند و از آن تاریخ به بعد تدریجاً قرائت ابو عمرو در شام نیز معمول گردید. اصمعی، از ابو عمرو نقل کرده است که گفت: «در میان پیشینیان کسی را دانایتر از خود سراغ ندارم». ابو عمرو در سال ۶۸ متولد گشته است. گفته‌اند در سال ۱۵۴ وفات یافته. «۲» (۱) \_\_\_\_\_ مراد، حجاج بن یوسف ثقفی،

سفاک و خون آشام معروف که بغض و کینه‌ای خاص به خاندان عصمت و طهارت (ع) و یاران علی (ع) داشت (ویراستار). (۲) طبقات القراء، ۱/ ۲۸۸-۲۹۹. اهمیت قرائت عاصم به روایت حفص، ص: ۲۷ ابو معاویه ازهری، در تهذیب می‌گوید: «ابو عمرو، به اقسام قرائت‌ها و الفاظ عرب آشناتر و اطلاع او بر سخنان زیبا و کمیاب و اشعار شیرین و ادبی عرب از همه بیشتر بود.» «۱» در میان قراء سبعة، از لحاظ کثرت استادان و شیوخ قرائت، کسی به پایه او نمی‌رسد. سید حسن صدر، ابو عمرو را شیعه می‌داند و در تأیید سخن خود می‌نویسد: «ابو عمرو، قرآن را بر سعید بن جبیر قرائت کرد، سعید بن جبیر به طور قطع شیعی بوده است.» ابو عبد الله برقی، در محاسن از ابو عمرو روایتی آورده است که امام صادق - علیه السلام - به او فرمود: «ابو عمرو! نه دهم دین تقیه است. کسی

که تقیه ندارد، دین ندارد.» تقیه، در هر امری جز در شرب نیبذ و مسح بر روی کفش رواست. از این حدیث استفاده می‌شود که ابو عمرو حتی در معاشرت با اهل خانه و خویشاوندان خود تقیه می‌کرده و ولایت خاندان رسول اکرم- صلی الله علیه و آله- را اظهار نمی‌نموده است. حسن بصری از دیدن جمعیت زیادی که به مجلس درس ابو عمرو روی می‌آوردند به شگفت می‌آمد و می‌گفت: «هر عزت و سرافرازی که با علم تثبیت نگردد، به سرانجامی منتهی خواهد شد که آمیزه آن ذلت و خواری خواهد بود.» ابو خثیمه می‌گفت: «ابی عمرو مردی است که در کار او ایرادی وجود ندارد. منتهی از نظر حافظه کمی ضعیف است.»

### راویان قرائت ابو عمرو بن علاء (دوری و سوسی)

#### اشاره

راویان قرائت ابو عمرو بن علاء (دوری و سوسی) قرائت ابو عمرو را دو نفر به واسطه یحیی بن مبارک نقل نموده‌اند: دوری و (۱) الیابان، ص ۱۷۱. اهمیت قرائت عاصم به روایت حفص، ص: ۲۸ سوسی که با ابن مبارک، واسطه نقل، سه نفر خواهند بود. ابن جزری درباره یحیی بن مبارک می‌گوید: «او استاد در علم نحو و معلم قرائت قرآن و مردی مورد اعتماد و علامه جلیل القدر است. او وارد عراق شد و به یزیدی معروف گشت. زیرا که با یزید بن منصور حمیری، دائی مهدی خلیفه عباسی انس و مصاحبت بیشتری داشت و تربیت فرزندان او را بر عهده گرفت. یحیی بن مبارک، قرائت را به ابو عمرو عرضه داشت و از نظریه او استفاده کرد. ابو عمرو نیز او را برای آموزش قرائت به جای خود تعیین کرد.» یحیی، علاوه بر ابو عمرو، از حمزه نیز قرائت را فرا گرفته است. او در علم قرائت دارای رأی و اجتهاد بوده است، ولی در موارد کمی با استاد خویش، ابو عمرو، اختلاف نظر داشته است. وی در سال ۲۰۲ در سن ۷۴ سالگی، در مرو وفات یافت. «۱» ابن مجاهد، می‌گوید: «علت اهتمام ما به یحیی در نقل قرائت و روایت از ابو عمرو این است که او در اشتغال به امر قرائت تمام وقت بود و از نظر ضبط و دقت بر همه شاگردان برتری داشت.»

#### الف- دوری:

الف- دوری: نام کامل او، ابو عمرو حفص بن عمرو بن عبد العزیز ازدی دوری ضریر بغدادی مقری است. ابن جزری درباره او می‌نویسد: «ثقه کبیر ضابط» گویند، دوری نخستین کسی است که به جمع آوری قرائت‌ها اقدام نمود. اگر چه دار قطنی او را از نظر حدیث ضعیف می‌داند. «۲» ولی عقیلی و دیگران او را ثقه معرفی کرده‌اند. «۳»

#### ب- سوسی:

ب- سوسی: ابو شعیب، صالح بن زیاد بن عبد الله سوسی (م ۲۶۱ ه. ق. در رقه). وی ایرانی و (۱) طبقات القراء، ۲/ ۳۷۵. (۲) الیابان، ص ۹۸. (۳) طبقات القراء، ج ۱، ص ۲۵۵. اهمیت قرائت عاصم به روایت حفص، ص: ۲۹ از مردم شوش بوده است. ابن جزری، درباره او می‌گوید: «ضابط محزر، ثقه» و اضافه می‌کند: «سوسی، قرائت را عرضا و سماعا از ابی محمد یزیدی اخذ کرده است. او

برجسته‌ترین اصحاب یزیدی به شمار می‌رود.» (۱) وی در اوائل سال ۲۶۱ در هفتاد سالگی درگذشت. محدثین درباره او با اختلاف نظر داوری می‌کنند، سنایی و ابن حبان او را از جمله ثقات بر شمرده‌اند. ابو عمرو دانی گوید: «سنایی، قرائت او را روایت کرده است، مسلم بن قاسم اندلسی، بدون ارائه مأخذ و مستندی، سوسی را ضعیف قلمداد کرده است.» (۲)

## ۶- ابن عامر دمشقی

### اشاره

۶- ابن عامر دمشقی ابو نعیم یا ابو عمران عبد الله عامر یحصبی دمشقی (۸- ۱۱۸ ه. ق. در دمشق)، در زمان عمر بن عبد العزیز و قبل و بعد از آن، امام مسجد دمشق (جامع اموی) و قاضی و پیشوای دینی آن دیار بوده است. یکی از تابعین طبقه اولای دمشق است که واثله بن اسقع و نعمان بن بشیر را درک کرده است و از معمرترین قراء سبعة به شمار می‌رود. دارای عالی‌ترین استادان روائی بوده است. گفته شده است: ابن عامر، قرآن را بر جماعتی از صحابه پیامبر- صلی الله علیه و آله- قرائت کرد که از آن جمله: عثمان بن عفان، فضاله بن عبید، واثله بن اسقع و ابو الدرداء بوده‌اند. در مقدمه حجه القراءات آمده است: ابن عامر، امام اهل شام در قرائت است. هنر اقرآء به او انتها پذیرفت و قرائت را عرضا از ابو دردا، مقری اهل شام آموخته است. مردم شام، نزدیک به پانصد سال از قرائت او تبعیت می‌کردند. در تاریخ قرآن کریم آمده است: آنگاه که ابو دردا از دنیا رفت، ابن عامر جانشین او گشت و مردم شام او را به عنوان پیشوای خود انتخاب کردند. بالاخره در زمانی که دمشق دار الخلافه و پایگاه فحول علما، دانشمندان برجسته و تابعین بود او منصب قضا و امامت جامع (\_\_\_\_\_ (۱)

طبقات القراء، ج ۱، ص ۳۳۲. (۲) تهذیب التهذیب، ج ۴، ص ۳۹۲. اهمیت قرائت عاصم به روایت حفص، ص: ۳۰ دمشق و استادی قرائت را بعهدہ داشت. در مقدمه حجه القراءات آمده است: «ابن عامر بعد از ابو ادريس خولانی متصدی قضای دمشق و امامت جامع آن شهر شد و در بنای جامع نظارت می‌کرد. در هر جای مسجد بدعتی می‌دید آن را اصلاح می‌کرد. عمر بن عبد العزیز به او اطمینان کامل داشت. او عالم، مورد اطمینان، باهوش، عارف، فهیم، صادق و از فضلاى مسلمین و از برگزیدگان تابعین و از بزرگان محدثین بود.» (۱) ابو عمرو دانی می‌گوید: «عبد الله بن عامر پس از بلال بن ابی دردا قضاوت شام را بعهدہ گرفت. اهل شام او را در قرائت پیشوای خویش قرار دادند.» (۲) در تاریخ قرآن کریم آمده است: «در اسناد قرائت ابن عامر نه قول دیده می‌شود. از درست‌ترین اقوال این است که وی، قرآن را بر مغیره بن شهاب قرائت کرد. هر چند که برخی گفته‌اند اساسا معلوم نیست که ابن عامر قرآن را بر چه کسی قرائت کرده است.» عجلوی و نسائی او را ثقه می‌دانند. مسلم نیز حدیث او را در صحیح خود آورده است. ابن عامر، بنابر قول صحیح، به سال ۱۱۸ در سن ۹۹ سالگی از دنیا رفت.

## راویان قرائت ابن عامر

### اشاره

راویان قرائت ابن عامر قرائت ابن عامر را دو نفر با چند واسطه نقل نموده‌اند: هشام و ابن ذکوان.

## الف- هشام:

الف- هشام: ابو الولید، هشام بن عمار بن نصیر بن میسره سلمی دمشقی (۱۵۳-۱۴۵ ه. ق.). خطیب، قاضی، مفتی، مقری و محدث دمشق بود. هشام، قرائت را عرضت را از ایوب بن \_\_\_\_\_ (۱) به نقل از قرائت قرآن مجید،

محمد جواد شریعت. (۲) به نقل از البیان، ص ۱۶۷. اهمیت قرائت عاصم به روایت حفص، ص: ۳۱ تمیم تیمی و عراق یا غزال بن خالد مزی و آن دو از یحیی بن حارث ذماری و او از عبد الله بن عامر روایت کرده‌اند... ابو عبیده قاسم بن سلام و احمد بن یزید حلوانی، از او روایت می‌کردند. وقتی ایوب بن تمیم، وفات یافت، قرائت شام به عهده ابن ذکوان و هشام قرار گرفت. درباره حدیث هشام از بزرگان اسلام، داوریهای مختلف به چشم می‌خورد. دارقطنی می‌گوید: «هشام، صدوق و دارای شخصیت مهمی است.» آجری از ابی داوود آورده است: «ابا ایوب یعنی سلیمان بن عبد الرحمن از هشام در امر حدیث، بهتر و پاکیزه‌تر بوده است.» ولی ابن واره گوید: «تصمیم گرفتم مدتی از حدیث هشام امساک و رزم، زیرا او بایع حدیث بوده است.» احمد بن حنبل، با تعبیر «طیاش» از او خرده گرفت. از هشام در قرائت قرآن، قضیه‌ای را نقل می‌کنند که ضمن آن، احمد بن حنبل بر او ایراد گرفته و حتی گفته است: اگر کسی در نماز به هشام، اقتدا کرده باشد باید آن را اعاده کند. «۱»

### ب- ابن ذکوان (دومین راوی از قرائت ابن عامر):

ب- ابن ذکوان (دومین راوی از قرائت ابن عامر): ابو عمرو عبد الله بن احمد بن بشیر بن ذکوان قرشی فهری دمشقی (۲۴۲-۱۷۳ ه. ق.). قرائت ابن عامر را عرضا از همان ایوب بن تمیم تیمی و او از یحیی بن حارث ذماری، اخذ کرده است. ابو عمرو حافظ گوید: «هشام هنگام ورود کسائی به شام، قرآن را نیز بر او قرائت کرده است.» مشیخه اقرء در شام، پس از ایوب بن تمیم، به هشام منتهی گردید و در جامع دمشق، به جز روز جمعه، بر مردم امامت می‌کرد. ابو زرعه گوید: «به نظر من در زمان ابو ذکوان، در عراق، حجاز، شام، مصر و خراسان، کسی در قرائت \_\_\_\_\_ (۱) طبقات القراء: ج ۲، ص ۳۵۴ (به نقل از البیان، ص ۹۳ و ۹۴). اهمیت قرائت عاصم به روایت حفص، ص: ۳۲ آگاه‌تر از او وجود نداشته است.» «۱» در مقدمه حجه القراءات، آمده است: «ابن ذکوان قرائت را از ایوب بن تمیم فرا گرفت و سپس امام جامع دمشق شد. وقتی کسائی به شام وارد شد، نزد او قرآن را قرائت کرد و سماعا از اسحاق بن مسیبی به روایت از نافع روایت کرده است. عده زیادی از او روایت کرده‌اند. کتابهای: اقسام القرآن و جوابها، از اوست.»

### اختلاف قرائت‌ها

اختلاف قرائت‌ها ۱- اختلاف در حرکات کلمه بدون تغییر معنا و صورت آن. مانند: آیه ۱۳ سوره شعراء: وَ يَضِيقُ صَدْرِي جایی که خواننده شده به رفع و نصب آن. مانند: آیه ۷۸ سوره هود: هُنَّ أَطَهَّرُ لَكُمْ خواننده شدن آن به رفع باشد یا نصب. ۲- اختلاف در حرکات با تغییر معنا و بقای صورت. مانند: آیه ۳۷ سوره آل عمران: وَ كَفَّلَهَا زَكَرِيَّا زکریا، به تخفیف فعل و رفع و به تشدید فعل و نصب خواننده شده است. ۳- اختلاف در حروف کلمه با تغییر کلمه و بقای صورت. مانند: آیه ۲۵۹ سوره بقره: انْظُرْ إِلَى الْعِظَامِ كَيْفَ نُنشِزُهَا که هم با (ر) و هم با (ر) مهمله خوانده است. ۴- اختلاف در حروف با تغییر صورت و بقای معنا. مانند: «آیه ۵ سوره قارعه: كَالْعِهْنِ الْمَنْفُوشِ خواننده شده (کالصرف المنقوش) «۱» و مانند: آیه ۶۹ سوره اعراف: وَ زَادَكُمْ فِي الْخَلْقِ بَضِيطَةً با سین مهمله و با ص مهمله. ۵- اختلاف در حروف با تغییر معنی و تغییر صورت. مانند: آیه ۲۹ سوره واقعه: وَ طَلَّحَ مَنصُودٍ که به صورت

«طلع» با ح مهمله خوانده شده است. ۶- اختلاف در تقدیم و تأخیر. مانند: آیه ۱۹ سوره ق: وَجَاءَتْ سَكْرَةُ الْمَيُوتِ بِالْحَقِّ (۱) البیان، ص ۹۴ و القراءات اللہجات، ص ۲۲۲. اهمیت قرائت عاصم به روایت حفص، ص: ۳۳ که خوانده شده «جاءت سکرۃ الحق بالموت» و مانند: آیه ۱۱۲ سوره نحل: فَأَذَاقَهَا اللَّهُ لِبَاسَ الْجُوعِ وَالْخَوْفِ که به صورت «فاذاقها الله لباس الخوف والجوع» است. ۷- اختلاف در زیادت و نقصان. مانند: آیه ۳۵ سوره یس: وَمَا عَمِلَتْهُ أَيْدِيهِمْ که به صورت «و ما عملته ایدیهم» و مانند: آیه ۲۶ سوره لقمان: لان الله هو الغنی الحمید که به صورت «ان الله الغنی الحمید» است. «۱»

## عوامل اختلاف قرائت‌ها

### اشاره

عوامل اختلاف قرائت‌ها عوامل اختلاف در قرائت قرآن، به دوران صحابه و پس از وفات پیامبر اکرم- صلی الله علیه و آله- باز می‌گردد. در آن زمان، صحابه بر سر جمع و نظم و تألیف قرآن اختلاف کردند. همین امر سبب شد که گاه و بی‌گاه در مورد قرائت قرآن میان قاریان دو گروه اختلاف پدید آید. عوامل اختلاف مصاحف بسیار است که به ذکر بعضی از آنها می‌پردازیم:

### ۱- ابتدایی بودن خط:

۱- ابتدایی بودن خط: خط در جامعه عربی آن روز در مراحل ابتدایی خود بود. از این رو، اصول آن استوار نشده بود و مردم عرب فنون خط و روش نوشتن صحیح آن را نمی‌دانستند و بسیاری از کلمات را به قیاس تلفظ می‌نگاشتند. مثلاً کلمه به شکلی نوشته می‌شد که به چند وجه قابل خواندن بود.

### ۲- بی نقطه بودن حروف:

۲- بی نقطه بودن حروف: یکی از عواملی که در قرائت قرآن، مشکلات فراوانی را ایجاد نمود، بی نقطه بودن حروف معجمه (نقطه‌دار) و جدا نساختن از حروف مهمله (بدون نقطه) بوده است. لذا میان (س) و (ش) یا (پ)، (ب)، (ث)، (ت) هیچ فرقی نبوده است. مثلاً- (۱) به نقل از النشرفی القراءات العشر، ج ۱، صص ۲۷-۲۸. اهمیت قرائت عاصم به روایت حفص، ص: ۳۴ ابن عامر و کوفیان خوانده‌اند (ننشرها) و دیگران (نشرها). «۱»

### ۳- خالی بودن از علائم حرکات:

۳- خالی بودن از علائم حرکات: در مصاحف اولیه کلمات عاری از هر گونه اعراب و حرکات ثبت می‌شد. وزن و حرکت اعرابی و بنائی کلمه مشخص نبود. لذا، برای خواننده غیر عرب مشکل بود، تا تشخیص دهد وزن و حرکت کلمه چگونه است. حمزه و کسائی، آیه ۲۵۹ سوره بقره: قَالَ أَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ را به صیغه امر خوانده‌اند و دیگران فعل مضارع متکلم. کما اینکه نافع، آیه ۱۱۹ سوره بقره: وَلَا تَسْئَلْ عَنْ أَصْحَابِ الْجَحِيمِ، را به صیغه نهی و دیگران فعل مضارع مجهول خوانده‌اند. «۲» ابن ابی هاشم گفته است: «سبب اختلاف در قرائت سبع این است که مصاحف فرستاده شده به مناطق و مراکز اسلامی از هر گونه علائم مشخصه، نقطه، شکل و غیره عاری بود و مردم از همین مصاحف برداشت می‌کردند. لذا میان قاریان شهرها اختلاف پدید آمد.» «۳»

آیت الله خوئی در این خصوص معتقد است: «روشن نیست که اختلاف قرائت منسوب به نقل باشد بلکه به اجتهادات قراء منسوب است و مؤید آن تصریح بزرگان در این زمینه است. بلکه اگر ملاحظه شود که مصحفهای اولیه از نقطه و شکل خالی بوده این احتمال قوت پیدا می‌کند.» (۴)

#### ۴- نبودن الف در کلمات:

۴- نبودن الف در کلمات: یکی دیگر از عواملی که در رسم الخط مشکل می‌آفرید، نبودن الف در رسم الخط آن روز بود. خط عربی کوفی از خط سبئی نشأت گرفت. اسقاط در خط (۱) تاریخ قرآن کریم، (به نقل از الکشف عن وجوه القراءات السبع، ج ۱، ص ۳۱۰). (۲) الکشف عن وجوه القراءات السبع، ج ۱، ص ۲۶۲. (۳) البیان، ص ۸۶. (۴) البیان، ص ۱۸۱. اهمیت قرائت عاصم به روایت حفص، ص: ۳۵ سربانی، مرسوم نبود که الف وسط کلمه را بنویسند بلکه آن را اسقاط می‌کردند. چون قرآن در ابتدا با خط کوفی نگاشته می‌شد. «الف» های وسط کلمه مانند سماوات را نمی‌نوشتند و به این صورت بود: (سموت). بعدها که علائم مشخصه ایجاد شد، الف را صرفاً با علامت الف کوچک در بالای کلمه مشخص می‌ساختند، مانند: (سموات). این امر «انداختن الف وسط کلمه» بعدها در بسیاری از موارد منشأ اختلاف قرائت گردید. مثلاً نافع، ابو عمرو و ابن کثیر آیه ۹ سوره بقره: مَا يَخْدَعُونَ را ما يَخْدَعُونَ خوانده‌اند، به دلیل آنکه این کلمه در صدر آیه با همین وزن و اسقاط الف نوشته شده بود. پس گمان برده‌اند این کلمه هم همان گونه است. در صورتی که مقتضای معنای آیه بدون الف است. نیز در آیه ۹۵ سوره انبیاء: وَ حَرَامٌ عَلَى قَرْيَةٍ أَهْلَكْنَاهَا أَنَّهُمْ لَا يَرْجِعُونَ، چون بدون الف ثبت شده بود، حمزه و کسائی و شعبه آن را «حرم» با کسر حاء مهمله خوانده‌اند. ابو جعفر بصریون آیه ۵۱ سوره بقره: وَإِذْ وَاَعَدْنَا مُوسَىٰ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً وَسُورَةَ اعراف و طه را بدون الف «وعدنا» ماضی ثلاثی مجرد و دیگران با الف خوانده‌اند. نافع: آیه ۱۰ سوره یوسف: فِي غِيَابَتِ الْجُبِّ را (فی غیابات ... خوانده، به گمان اینکه جمع است. زیرا این کلمه در مصحف اولی بدین گونه رسم شده بود (غیبت الجب). لذا هر کس طبق اجتهاد خود آن را جمع یا مفرد خوانده و دلایل قرائت خود را مشروحا بیان داشته است.

#### ۵- اختلاف لهجه‌ها:

۵- اختلاف لهجه‌ها: بدون شک اگر چه هر امتی دارای لغت و زبان واحد است، اما لهجه‌های آنها بر حسب تعدد قبائل مختلف است. همچنین لهجه‌های قبائل عربی نیز لهجه‌های گوناگون است. برای نمونه در علم قرائت در تعبیرات، اداء، و در حرکات مانند کلمه (نستعین) را هم به کسر نون و هم به فتح نون خوانده‌اند. در این مورد فراء گفته است: «در زبان قیس و اسد مفتوح است و غیر ایشان می‌گویند مکسور است و اختلاف در حرکت و سکون نیز مانند «معکم» به فتح عین و اهمیت قرائت عاصم به روایت حفص، ص: ۳۶ سکون آن.»

#### ۶- تحکیم رأی و اجتهاد:

۶- تحکیم رأی و اجتهاد: این از بزرگترین عوامل تأثیر در برگزیدن قرائت توسط قراء می‌باشد. هر قاری نظری دارد که در قرائتی که انتخاب کرده به آن نظریه اعتماد کرده است. گاهی افراد تعصبات شدید به رأی و عقیده خود دارند، اگر چه نظراتشان مخالف جمهور علما باشد. عوامل دیگری نیز باعث اختلاف قرائت شده است که فقط به ذکر نام آنها می‌پردازیم. مانند: خالی بودن در ادب مانند: شذوذ نفسی که گمان کرده است خطای نسخه است. از آن جمله است، مخلوط شدن تفسیر با نص قرآن. باز در آن زمره

است نظرات کلامی. از همه این موارد نتیجه گیری می‌شود عوامل اختلاف قرائت‌های قرآنی، دو سبب دارد: ۱- تعدد نزول. ۲- تعدد لهجه‌ها. قرائت صحیح آن است که سه شرط در آن جمع باشد: الف- اینکه با زبان عربی توافقی داشته باشد و لو از یک جهت موافق باشد. ب- اینکه موافقت با رسم یکی از مصاحف عثمانی داشته باشد و لو بطور احتمال موافقت کند. ج- صحت سند، یعنی اینکه این قرائت از یک راوی عادل ضابط روایت شده باشد و مشهور بین ائمه باشد. ابن جزری، به این ارکان اشاره کرده و گفته است: فکل ما وافق وجه نحوی و کان للرسم احتمالا لا یحوی و صح اسناد اهو القرآن هاهذه الثلاثة ارکان اهمیت قرائت عاصم به روایت حفص، ص: ۳۷ و حیثما یختل رکن اثبت شدوده لو أنه فی السبعة «۱» اگر قرائت یکی از همان شرایط و ارکان سه گانه را دارا نباشد باید آن را ضعیف، خلاف قاعده و یا باطل دانست. اگر چه از قاریان هفتگانه و یا بالاتر از آنان نقل گردیده باشد. این همان نظریه‌ای است که بزرگان و پیشوایان علم و تحقیق آن را می‌پذیرند. ابو عمرو عثمان بن سعید دانی نیز بر آن تصریح نموده است و ابو محمد بن ابی طالب مکی و ابو العباس بن احمد بن عمار مهدوی در موارد متعددی این مطلب را به صراحت و روشنی بیان داشته‌اند و محقق توانا ابو القاسم عبد الرحمن بن اسماعیل معروف به ابی شامه نیز همان را تحقیق و تأیید نموده است. این همان نظریه‌ای است که علمای گذشته بر آن عقیده بودند. ابو شامه، در کتاب خود- المرشد الوجیز- می‌گوید: نباید هر قرائتی را که به یکی از قاریان هفت گانه نسبت داده می‌شود، صحیح دانست و چنین پنداشت که واقعا قرآن بدان صورت نازل گردیده است. مگر آنکه با ضوابط و قوانین صحت مطابقت کند که در این صورت نقل آن اجماعی خواهد بود و به یک نفر اختصاص نخواهد داشت. قرائت غیر صحیح این است که از قاریان هفتگانه نقل گردد. زیرا تکیه و اعتماد بر شرایط و اوصاف قرائت است نه بر اشخاص. خواه از قاریان هفتگانه باشد و یا از دیگران که بعضی از آنها اجماعی و برخی غیر معروف می‌باشند. اما در اثر شهرت قاریان هفتگانه و کثرت مطابقت قرائت آنان با قواعد مورد اتفاقی نسبت به آنها اعتماد بیشتری پیدا می‌شود. «۲» ابن جزری، می‌گوید: «گروهی از علمای قرن اخیر در قرائت صحیح علاوه بر صحت سند، تواتر را نیز شرط می‌دانند و می‌گویند که قرآن تنها با تواتر ثابت می‌گردد و آنچه با خبر واحد آمده است را نمی‌توان قرآن نامید.»

(۱) الارشادات الجلیله، ص ۱۵۰. (۲)

النشر فی القراءات العشر، ۹/۱. اهمیت قرائت عاصم به روایت حفص، ص: ۳۸ بنابر این، قرائت‌ها باید متواتر باشند. ابن جزری، در رد این گروه می‌گوید: «این نظریه درست نیست، زیرا اگر قرائت‌ها متواتر بود ما در این قرائت‌ها به شرایطی دیگر نیازمند نبودیم.» به دلیل اینکه هر چه از پیامبر- صلی الله علیه و آله-، به طور تواتر به ما برسد آن را بپذیریم و اگر ما تواتر را در قرائت‌های مختلف شرط لازم بدانیم، در این صورت اکثر قرائت‌ها در اثر نداشتن تواتر از بین خواهد رفت. ابن جزری، اضافه می‌کند: من نیز قبلا همین عقیده را داشتم. ولی بعدا به اشتباه خود پی بردم و از آن عقیده منصرف گشته و با پیشوایان فعلی و گذشته علم قرائت هم عقیده گشتم. ابو شامه در المرشد می‌گوید: «در میان عده‌ای از استادان قرائت و پیروانشان چنین معروف گردیده است که تمام قرائت‌های هفتگانه متواتر است.» آنگاه می‌گوید: «ما نیز به همان عقیده هستیم، ولی نه در تمام قرائت‌ها، بلکه در قرائتی که ناقلان و اسناد نقل آن متحد باشند و کسی آن را انکار نکند. در صورتی که انکار و اختلاف در قرائت‌ها فراوان و شایع می‌باشد.» بنابر این، در صورت عدم تواتر، حداقل باید اختلاف و انکار در میان نباشد. سیوطی می‌گوید: «بهترین سخن درباره قرائت‌ها همان است که استاد استادان ابو الخیر، ابن جزری که پیشوای قاریان در دوره خویش بود، در اول کتاب النشر گفته است: هر قرائت صحیح دارای سه شرط است: ۱- موافقت با قواعد عربی. ۲- موافقت با یکی از نسخه‌های قرآن عثمانی. ۳- صحت سند.» مکی، درباره قرائت‌ها می‌گوید: «چه بسا قرائتی را معتبر دانسته‌اند که عاصم و نافع بر آن اتفاق نظر داشته باشند. زیرا قرائت این دو تن از تمام قرائت‌ها معتبرتر و از نظر اهمیت قرائت عاصم به روایت حفص، ص: ۳۹ سند صحیح‌تر و از نظر لغت عرب فصیح‌تر می‌باشد.» «۱» شیخ محمد سعید عریان در تعلیقات خود می‌گوید: «هر یک از قرائت‌ها دارای شدوذ و خلاف قاعده می‌باشد و حتی در قرائت‌های هفت گانه

نیز از این شذوذ مواردی به چشم می‌خورد. او می‌افزاید: «صحیح‌ترین قرائت‌ها در نزد علما، از نظر مورد اعتماد بودن راویان نشان قرائت نافع و عاصم است، اما از نظر دارا بودن جهات بیشتری از وجوه فصاحت، قرائت ابو عمرو و کسائی می‌باشد.» (۲)

## عدم تواتر قرائت‌های هفت گانه

### اشاره

عدم تواتر قرائت‌های هفت گانه عده‌ای از دانشمندان اهل سنت قائلند که همه قرائت‌های هفتگانه به طور تواتر به خود رسول اکرم - صلی الله علیه و آله - می‌رسد که خود پیامبر اسلام، قرآن را با این قرائت‌های هفتگانه می‌خوانده است. بعضی از علما، این عقیده را معروف و مشهور می‌دانسته‌اند و از سبکی نقل‌گرفته است که همه قرائت‌های دهگانه را متواتر می‌دانند. (۳) بعضی، حتی خیال کرده‌اند که هر کس این قرائت‌های هفتگانه را متواتر نداند، کفر ورزیده است. این نظریه به مفتی اندلس، ابو سعید خراج بن لب نسبت داده شده است. ولی عقیده شیعه این است که قرائت‌ها متواتر نیست و به طور یقین آور به پیامبر اسلام نمی‌رسد، بلکه بعضی از این قرائت‌ها نوعی اجتهاد و از طرف قاریان است. پاره‌ای دیگر با (خبر واحد) به پیامبر می‌رسد. این نظریه را بعضی از دانشمندان اهل سنت پذیرفته‌اند، برای روشن شدن مطلب دو موضع بررسی می‌گردد. اول: همه مسلمانان راه ثابت شدن قرآن را منحصر به تواتر آن می‌دانند. بنابر این ( \_\_\_\_\_ )

ص ۹۰. (۲) اعجاز القرآن رافعی، صص ۵۲-۵۳. (۳) ماهل العرفان زرقانی، صص ۴۳۳. اهمیت قرائت عاصم به روایت حفص، ص: ۴۰ هر سخنی که بطور تواتر نقل نگردد و به صورت خبر واحد باشد. جنبه قرآنی ندارد و از اهمیت برخوردار نیست. دوم: آشنا شدن با خود قاریان و چگونگی نقل و ناقلان آنهاست. چنانکه بعداً توضیح خواهیم داد بررسی شرح حال راویان قرائت موجب یقین می‌گردد که این قرائت‌ها به صورت خبر واحد بوده است و وثاقت همه راویان مسلم نیست. دقت در اینکه قاریان چگونه این قرائت‌ها را فرا گرفته‌اند، روشن می‌سازد که این قرائت‌ها برای خود قاریان به صورت خبر واحد بوده است. با این بیان روشن می‌گردد که هیچ یک از قرائت‌های هفتگانه از پیامبر - صلی الله علیه و آله - و از خود قاریان به طور متواتر نقل نگردیده است. اگر فرض کنیم که از خود قاریان متواتراً نقل شده است، قطعاً از رسول اکرم متواتراً نقل نگردیده است. بنابر این، قرائت‌های معروف یا به صورت خبر واحد نقل گردیده است یا اجتهادی بوده که به وسیله خود قاریان به عمل آمده است. لذا دو مسأله باید مورد بررسی باید قرار گیرد: ۱- حجیت و عدم حجیت تمام قرائت‌ها. ۲- صحت و عدم صحت نماز خواندن با هر یک از این قرائت‌ها.

### ۱- حجیت قرائت‌ها:

۱- حجیت قرائت‌ها: عده‌ای از علما، قرائت‌ها را حجت دانسته‌اند. استدلال با هر یک از این قرائت‌ها را بر احکام شرعی جایز دانسته‌اند، ولی حق این است که قرائت‌ها حجیت ندارد. در صورت اختلاف، طبق یکی از آنها، به یک حکم شرعی نمی‌توان استدلال نمود. زیرا: اولاً: ممکن است که این قاری‌ها راه غلط پیموده باشند. ثانیاً: نه تنها دلیل شرعی و عقلی بر وجوب عمل به گفتار یکی از آن قاریان معیناً در دست نیست، بلکه عقلاً و شرعاً پیروی کردن از غیر علم، ممنوع است. اهمیت قرائت عاصم به روایت حفص، ص: ۴۱ ثالثاً: ممکن است کسی بگوید: این قرائت‌ها، گرچه تواتر نیستند، ولی بهر صورت از پیامبر - صلی الله علیه و آله - نقل گردیده است. و از اقسام خبر واحد است و دلائلی که حجیت خبر واحد را ثابت می‌کند، حجیت نقل این قرائت‌ها را نیز تثبیت می‌نماید، ولی روایت بودن این قرائت‌ها ثابت نیست تا دلائل اثبات حجیت خبر واحد، حجیت آنها را ثابت نماید. زیرا ممکن است این قرائت‌ها، یک نوع اجتهاد و اظهار عقیده از طرف خود قاریان باشد و سبب اختلاف قاریان را اگر خالی بودن قرآن‌ها از

نقطه و حرکت بدانیم، احتمال اجتهاد قاریان را بیشتر تقویت می‌کند.

## ۲- آیا نماز خواندن با این قرائت‌ها درست است یا نه؟

۲- آیا نماز خواندن با این قرائت‌ها درست است یا نه؟ گروه کثیری از علمای شیعه و سنی معتقدند که نماز خواندن با هر یک از این قرائت‌های هفتگانه جایز است، ولی مقتضای قاعده اولی این است که تنها با قرائتی می‌شود نماز خواند که از ناحیه پیامبر-صلی الله علیه و آله- و یا از ناحیه ائمه معصومین-علیهم السلام- رسیده باشد. زیرا در نماز، خواندن قرآن واجب است و خواندن هر سوره و لفظی که قرآن بودن آن ثابت نگردیده است، کافی نیست. در صورت تکلیف باید به تعداد قرائت‌های مختلف، قرائت‌های نماز را چند بار خواند. این خلاصه آنچه است که از قاعده اولی بدست می‌آید. اما از نظر معصومین، خواندن هر یک از قرائت‌ها که در زمان آنان معروف بوده است، در نماز کفایت می‌کند. در هیچ روایتی نیامده است که ائمه-علیهم السلام- بعضی از این قرائت‌ها را منع نموده باشند. پس از این گفتار، به طور خلاصه چنین بر می‌آید که منحصر نمودن جواز صحت نماز تنها به قرائت‌های هفتگانه و دهگانه مفهومی ندارد، بلکه با هر قرائتی می‌توان نماز خواند به شرطی که شاذ نباشد. سید ابو الحسن اصفهانی، در وسیله النجاء احتیاط کرده و گفته است: «نماز گزار از قرائت سبع تجاوز نکند، گرچه فتوای ایشان جواز قرائت به هر قرائت صحیحی است اهمیت قرائت عاصم به روایت حفص، ص: ۴۲ چه از سبع باشد یا نباشد.» (۱) امام خمینی (ره)، احتیاط فرموده است که از قرائت سبع تجاوز نکنند. (۲) مشهور بین فقها، تخیر در انتخاب هر یک از قرائت سبع است. با آنکه در روایت امام صادق-علیه السلام- آمده است: القرآن واحد نزل من عند واحد و انما الاختلاف من قبل الرواة، ولی ائمه معصومین-علیهم السلام- رخصت فرموده‌اند که طبق هر یک از قرائت مشهور قرائت کنند. حدیث اقرؤا کما یقرؤ الناس را دلیل برای مدعا گرفته‌اند. لازمه جمع بین دو حدیث انحصار قرائت اصلی در بیان همین قرائت معروف است. ولی مرحوم سید محسن حکیم در شرح عروه، (۳) می‌فرماید: «حدیث مزبور نمی‌تواند ناظر به قرائت سبع باشد. زیرا حادثه حصر قرائت در سبع در اوایل سده چهارم به وقوع پیوست، یعنی دو قرن پس از صدور حدیث مذکور. بنابر این حدیث را به قرائت معروف در عصر ائمه ناظر می‌داند که بیش از قرائت سبع است. پس هر قرائتی که ثابت شود در عصر ائمه شهرت مردمی داشته جایز القرائه است.» ما بر این باوریم، قرآنی که از جانب خدا بر پیامبر نازل شده است، بیش از یکی نبوده و نیست. آن همین قرآنی است که مردم از آن پاسداری می‌کنند. قرائت صحیح همان است که مردم از پیامبر گرفته‌اند. قرائت موروثی هیچ گونه ارتباطی با قرائت قراء که مولود اجتهادات شخصی آنان است، ندارد و نمی‌تواند داشته باشد. زیرا قرآن موروثی جدا از قرآن اجتهادی است. بدرالدین زرکشی در برهان (۴) گفته است: القرآن و القراءات حقیقتان متغائران قرآن و قرائت دو حقیقت متغایرنند. قرآن وحی الهی است که بر پیامبر-صلی الله علیه و آله- نازل شده است و (۱) عروه الوثقی،

آداب قراءات و احکامها، مسأله ۵۰. (۲) تحریر الوسیله، ج ۱، کتاب الصلاة، ص ۱۵۲. (۳) مستمسک العروه، ج ۶، ص ۲۴۲. (۴) برهان، ج ۱، ص ۳۱۸. اهمیت قرائت عاصم به روایت حفص، ص: ۴۳ اختلاف قراء، در شناخت آن وحی الهی است که بیشتر مبنی بر اجتهادات شخصی آنان است. بنابر این، آنچه بهتر است و حجیت شرعی دارد، قرائتی است که جنبه همگانی و مردمی دارد. آن قرائت، همواره ثابت و بدون اختلاف بوده است و تمامی مصحف‌های جهان به طور یکنواخت، آن را ثبت و ضبط کرده‌اند. اهمیت قرائت عاصم به روایت حفص، ص: ۴۴

## نتیجه گیری

نتیجه گیری قرائت، به معنی تلاوت و دستیابی به نص قرآن کریم است که از زمان رسول اکرم-صلی الله علیه و آله- عده‌ای به این

امر اهتمام داشته‌اند. سرانجام هفت قاری، امر قرائت را عهده‌دار شدند که چهار نفر آنها شیعی مذهب بوده‌اند. اختلاف قرائت در حقیقت به اجتهاد قراء بر می‌گردد. زیرا قرآن یکی است. امام صادق - علیه السلام - فرمودند: ان القرآن واحد نزل من عند واحد قرآن به تواتر به پیامبر اکرم نرسیده است، ولی در هیچ روایتی از ائمه نیامده است که ائمه - علیهم السلام - بعضی از این قرائت‌ها را منع نموده باشند. اهمیت قرائت عاصم به روایت حفص، ص: ۴۵

## فصل دوم شرح حال تشیع و شخصیت علمی عاصم

### عاصم بن ابی النجود

#### اشاره

عاصم بن ابی النجود عاصم بن بهدله ابی النجود، نجود: (به فتح نون و ضم جیم و سکون واو و بعدها دال مهمله به معنی خر وحشی است که بار نمی‌برد. «۱») ابو بکر عاصم ابی النجود بن بهدله از قراء طبقه سوم و از مردم کوفه است و پس از یحیی بن وثاب قرار دارد. قبل از واقعه طاعون در سال ۱۳۱ (ه. ق.) از دنیا رفت. در کتاب البیان «۲» حضرت آیه الله خوئی، چنین آمده است: «ابو بکر عاصم فرزند ابی النجود اسدی و از آزاد شدگان خاندان اسد و کوفی است. عاصم از قراء هفتگانه و شیعی است و قرآن را بر عبد الله بن الرحمن بن حبيب سلمی شیعی، که یکی از یاران امیر المؤمنین علی - علیه السلام - بود و نیز بر زر بن حبیش و ابو عمرو شیبانی قرائت کرد.» اینک به برخی از آراء، نظرات بزرگان و اهل فن درباره عاصم اشاره می‌کنیم که حاکی از وثاقت او در امر قرائت بوده است: خوانساری، در کتاب روضات الجنات، در ترجمه احوال عاصم می‌نویسد: «وی از پارساترین و پرهیزکارترین قراء و رأی او، درست‌ترین آراء، در قرائت به شمار می‌رود. مساعی عاصم در موضوع قرائت، بیش از همه قراء جلب نظر می‌کند.» ابن سعد درباره عاصم می‌گوید: «ثقه است ولی در حدیث خطا می‌کند.»

(۱) وفيات الاعیان، ج ۳، ص ۵. (۲)

البیان، ج ۱، ص ۲۳۸. اهمیت قرائت عاصم به روایت حفص، ص: ۴۸ عبد الله بن احمد حنبل از پدرش نقل می‌کند: «وی ثقه است.» عجلی می‌گوید: «وی، صاحب سنت حدیث و قرائت است. شخصیتی است که رأساً موثق می‌باشد.» عقیلی می‌گوید: «در او چیزی جز بدی حافظه نیست.» یحیی بن آدم به نقل از حسن بن صالح گفته است: «احدی را فصیح‌تر از عاصم ندیده‌ام.» ابن عیاش گوید، عاصم به من گفت: «دو سال مریض شدم و بعد که قرآن را خواندم در مورد هیچ حرفی اشتباه نکردم.» عبد الله بن احمد حنبل می‌گوید: «از پدرم درباره عاصم بن بهدله پرسیدم، او گفت: مردی صالح خیر و ثقه است. سؤال کردم، کدام قرائت نزد او محبوبتر است. گفت: قرائت اهل مدینه. گفتم: اگر نبود، گفت: قرائت عاصم. گفتم: او را ابو زرعه و جماعتی ثقه می‌دانند.» ابو بکر بن عیاش گفته است: «اعمش «۱» و عاصم و ابو حسین مساوی هستند.» علامه حلی در کتاب المنتهی می‌نویسد: «محبوبترین قراءات نزد من قرائتی است که عاصم از ابی بکر بن عیاش نقل کرده است.» «۲» ابن خلکان می‌گوید: «عاصم در قرائت مورد توجه همگان و انگشت نما بود.» «۳» ابن جزری می‌نویسد: «ابو زرعه و گروهی از محدثان عاصم را توثیق

(۱) سلیمان بن مهران الاعمش در

سال ۶۰ متولد شد و قرائت را از ابراهیم نخعی و زر بن حبیش و زید بن وهب و عاصم گرفت و سال ۱۴۸ ه فوت کرد. (غایه النهایه، ج ۱، ص ۲۵۸). (۲) تأسیس الشیعه، ص ۳۴۷. (۳) ابن خلکان، و فیان الاعیان و اتباع ابناء الزمان، قم ۱۳۶۴ ه ق، ج ۳، ص ۹. اهمیت قرائت عاصم به روایت حفص، ص: ۴۹ کرده‌اند. «۱» عبد الله بن احمد می‌گوید: «از راجع به حماد بن سلیمان و عاصم، پرسیدم، گفت: عاصم را بیشتر دوست دارم زیرا عاصم، صاحب قرآن و حماد، صاحب فقه است.» عبد الرحمن گوید: «از پدرم

درباره عاصم و عبد الملک عمیر، سؤال کردم او گفت: عاصم بر عبد الملک پیشی گرفته است. «۲» عبد الله بن احمد، از پدرش نقل می‌کند که گفت: «عاصم مردی ثقه است. وی قاری قرآن است. اهل کوفه قرائت او را انتخاب کرده‌اند. من نیز قرائت او را انتخاب کرده‌ام. او ثقه است و اعمش از نظر حافظه از او قوی‌تر است.» عجلی گفته است: «عاصم صاحب سنت و قرائت و ثقه است. ۲۴ تن از صحابه را درک کرده است. از هیچ یک از قراء هفتگانه به اندازه او آثار و خبر نرسیده است. او مردی فصیح است.» قاضی نور الله شوشتری، در مجالس المؤمنین گفته است: «او مردی متبحر در صرف، نحو و قرائت و در عصر خود منحصر به فرد بوده است. قرآن را با صوت محزون و صوت نیکو می‌خواند. در قرائت و تلاوت از فصحا بوده است. بزرگان کوفه و اهل، فن متفقا او را صاحب نیکوترین قرائت می‌دانند.» سلمه بن عاصم گفته است: «عاصم بن ابی النجود صاحب سلوک، ادب، فصاحت و صوت نیکو بوده است.» ابو بکر بن عیاش گفته است: «عاصم، الم، حم، طه و کهیعص را آیه به حساب نمی‌آورد.» صاحب کتاب سیر اعلام النبلاء، می‌گوید: «عاصم در قرائت و در حدیث صدوق ثابت بود.»

(۱) غایه النهایه، ۱/ ۳۴۸. (۲) الجرح

و التعديل، ج ۶، ص ۳۴۰. اهمیت قرائت عاصم به روایت حفص، ص: ۵۰ ابو حاتم گفته است: «محلہ الصدق.» ذهبی می‌گوید: «عالی‌ترین قرائت، از طرف عاصم به ما رسیده است.» ابو هشام الرفاعی «۱»، می‌گوید: «یحیی بن آدم از ابو بکر بن عیاش نقل می‌کند: بر عاصم داخل شدم در حالی که او بیهوش بود. وقتی بلند شد این آیه را بدون اشتباه خواند: ثُمَّ رُدُّوا إِلَى اللَّهِ مَوْلَاهُمُ الْحَقُّ أَلَا لَهُ الْحُكْمُ وَهُوَ أَسْرَعُ الْحَاسِبِينَ «۲» پس دانستم که قرائت او نیکو است.» قرائت کوفه بعد از ابو عبد الرحمن سلمی به او منتهی شد. عاصم در دوران امامت معاویه بن ابی سفیان دنیا آمد. پس از وفات استادش ابو عبد الرحمن قاری کوفه شد. او مانند استادش نابینا بود. غالباً یک نفر عصاکش داشت که او را جا به جا می‌کرد. «۳» حفص گوید: «عاصم به من گفت: آن قرائتی که تو به من اقرار کردی، قرائتی است که ابی عبد الرحمن سلمی از علی - علیه السلام - بر من اقرار کرد. آن قرائتی که ابابکر را اقرار کردم قرائتی است که از ابن مسعود بر زر بن حبیش عرضه کرده بودم.» «۴» احمد بن حنبل گفت: «از پدرم راجع به عاصم بن بهدله سؤال کردم، گفت: ثقه است. همچنین عبد الله بن احمد حنبل گفت: عاصم مردی صالح و قاری قرآن است و اهل کوفه قرائت او را اختیار کرده‌اند و من قرائت او را اختیار کرده‌ام. او مردی نیکو و ثقه است. اعمش بر حافظه‌تر از اوست و شعبه اعمش را برگزیده است.»

(۱) محمد بن یزید رفاعه بن سماعه.

خطیب بغدادی گفته است: محمد بن یزید بن محمد بن کثیر بن رفاعه بن سماعه. او قرائت را از سلیم گرفته و حروف را سماعاً از اعشی و حسین بن علی جعفی و یحیی بن آدم روایت کرده است. (غایه النهایه)، ج ۲، ص ۳۸۰. (۲) انعام، آیه ۶۲. (۳) سیر اعلام النبلاء، ۵/ ۲۵۶. (۴) معجم رجال الحدیث، ج ۹، ص ۱۷۸. اهمیت قرائت عاصم به روایت حفص، ص: ۵۱ همچنین عاصم، صاحب قرآن است و حماد، صاحب فقه و عاصم نزد ما محبوب‌تر است.» سلمه بن عاصم گفته است: «وی صاحب ادب، نسک، فصاحت، دارای صوت نیکو و مردی عابد و نیکو بود. روزهای جمعه در مسجد می‌ماند. ابو بکر بن عیاش گفته است: اعمش و عاصم و ابو حصین هر سه نابینا بودند.»

### حوزه قرائتی عاصم

### اشاره

حوزه قرائتی عاصم عاصم، پس از وفات استادش قاری کوفه شد. «۱» حوزه قرائتی او ۵۴ سال ادامه داشت. ابن جزری ۲۹ نفر از قاریان سده دوم هجری را که از عاصم روایت کرده‌اند، نام برده است. او در سال ۱۲۷ یا ۱۲۸ وفات یافت. «۲» او می‌گوید: «هیچ

کس جز عبد الرحمن به من قرائت قرآن را نیاموخت. من هرگز از قرائت او تخطی نکردم.» (۳) ابو عبد الرحمن نیز از حضرت علی - علیه السلام - قرائت آموخت و از قرائت ایشان تخطی نداشته است. بنابراین عاصم، با یک واسطه، راوی قرائت امیر المؤمنین علی - علیه السلام - است.

### الف - شخصیت علمی و دینی عاصم:

الف - شخصیت علمی و دینی عاصم: عاصم، از دیدگاه دانشمندان شیعی و نیز علمای اهل سنت، شخصیتی بارز، با تقوی و مورد اعتماد در مسأله قرائت بوده است. وی را جامع فصاحت و قرائت صحیح و تجوید معرفی کرده‌اند و گفته‌اند در قرائت قرآن دارای صوت خوش و دلنواز بوده است. قاضی نور الله شوشتری و سید حسن صدر، به تشیع عاصم تصریح دارند. به همین جهت، قاطبه دانشمندان شیعی، قرائت عاصم را فصیح‌ترین قرائت دانسته‌اند. چنانکه ابن جزری نیز در رده‌بندی قرائت قراء سبعة، قرائت عاصم (۱) سیر اعلام النبلاء، ج ۵، ص ۲۵۶.

(۲) غایه النهایه فی طبقات القراء، ص ۳۴۸. (۳) غایه النهایه فی طبقات القراء، ۱/ ۳۴۸. اهمیت قرائت عاصم به روایت حفص، ص: ۵۲ را افضح القرائت نامیده است. (۱) او هر قرائتی را که فرا می‌گرفت، بر عده‌ای از صحابه و تابعین جلیل القدر عرضه می‌داشت. تا اطمینان کامل به صحت آن قرائت پیدا نمی‌کرد آن را نمی‌پذیرفت. (۲) حتی در تمامی ادوار تاریخ، قرائت عاصم با عنوان قرائت برتر تلقی شده بود. لذا در حلقه تعلیم قرائت، ابن مجاهد، پانزده نفر را مخصوص قرائت عاصم گماشته بود و استاد قرائت، ابراهیم بن محمد معروف به نبطویه (م. ۳۲۳) هرگاه برای قرائت آماده می‌شد، با قرائت عاصم آغاز می‌کرد. (۳) احمد بن حنبل، صرفاً قرائت عاصم را پذیرفته بود. حفص آگاهترین مردم به قرائت عاصم بوده و پیوسته قرائت او مورد ستایش علما و فقهای امامیه بوده است. (۴)

### ب - تشیع عاصم:

ب - تشیع عاصم: عاصم، قرآن را برای عبد الرحمن السلمی قاری و او بر امیر المؤمنین - علیه السلام - اقرار کرد. لذا قرائت عاصم، محبوب‌ترین قرائت نزد علمای شیعه است. علما بر تشیع او تصریح کرده‌اند. عاصم شیعه و محب ولایت اهل بیت رسول خدا - صلی الله علیه و آله - بوده است. شیخ ابو الفتوح رازی می‌گوید: «بیشتر قاریان مکه و مدینه شیعه اهل بیت و مشهور به محب ولایت آنها هستند.» ابن شهر آشوب، می‌گوید: «عاصم بدون شک شیعه بوده است.» (۵) چهار نفر از قاریان هفتگانه به تصریح اهل فن و ثقه، شیعه اهل بیت بوده‌اند. آنها عبارتند از: ۱- عاصم بن النجود. ۲- ابو عمرو بن العلاء. ۳- حمزه بن حبیب. ۴- (۱) غایه النهایه، ج ۱، ص ۷۵. (۲) معرفة القراء الکبار، ج ۱، ص ۷۵. (۳) لسان المیزان، ج ۱، ص ۱۰۹. (۴) التمهید، ج ۲، ص ۲۳۲. (۵) اعیان الشیعه، ج ۲، ص ۴۰۷.

اهمیت قرائت عاصم به روایت حفص، ص: ۵۳ علی بن حمزه کسائی. (۱) قیس آل قیس در کتابش گفته است: «عاصم از تابعین و محبین اهل بیت محمد - صلی الله علیه و آله - است، به طوری که قرائت را از شیخین، ابو عبد الرحمن سلمی و او از امیر المؤمنین و امام المتقین علی - علیه السلام - گرفته است.» (۲) ابو الفتوح رازی می‌گوید: «پیشوایان قرائت بیشتر عدلی مذهب بوده‌اند. زیرا قرآن بر اثبات توحید و عدل منزل است نه بر جبر و تشبیه و تعطیل. اما جماعتی که بی شبهه شیعی مذهب بوده‌اند. عاصم، کسائی و حمزه می‌باشند. باقی قاریان از حجازی و شامی، همه عدلی مذهب بوده‌اند، نه مجتبره و نه مشبیه.» (۳) عاصم، یکی از قاریان هفتگانه است که قرآن را بر ابو عبد الرحمن سلمی خوانده است. ابو عبد الرحمن نیز گفته است همه قرآن را بر علی بن ابی طالب - علیه

السلام- خوانده است. گفته‌اند فصیح‌ترین قرائت، قرائت عاصم است. زیرا که از اصل آورده شده است. همانا آشکار کرده است آنچه که دیگران ادغام کرده‌اند. همزه را آشکار کرده است آنجا که دیگران آشکار نکرده‌اند. فتحه می‌دهد کلماتی را که دیگران اماله می‌کنند. (اماله یعنی، خارج کردن حرف از حالت فتحه و میل دادن و کشاندن آن به سوی کسره و یاء.) «۴»

### ج- اسناد قرائت عاصم

ج- اسناد قرائت عاصم خوانساری، در روضات الجنات می‌گوید: «عاصم یکی از قاریان هفتگانه شیعه است. اهل فن، متفقا او را نیکوترین مرد از لحاظ رأی بین قاریان هفتگانه، زیباترین ایشان از نظر کوشش و مراعات، (۱) \_\_\_\_\_ (۲) تأسیس الشیعه، ص ۳۴۶.»

الایرانیون و الادب العربی، ج ۱، ص ۲۴ و ۲۵. (۳) کتاب نفص معروف به بعض، نثالب النواصب فی نقض بعض فضائح الزوافض. (۴) بحار الانوار ج ۹۲ قدیم، علامه محمد باقر مجلسی. اهمیت قرائت عاصم به روایت حفص، ص: ۵۴ نیکوترین قراء از جهت استنباط با قرآن کریم و مأنوس‌ترین قراء به قرآن کریم می‌دانند. لذا تمام مصاحف قرآن مجید به قرائت او که اصل است، نوشته شده است. عاصم کوفی صاحب عنوان است. او قرائت را بر ابو عبد الرحمن سلمی و زر بن حبیش و سعد بن آیاس شیبانی عرضه کرد. ابو عبد الرحمن نیز از امیر المؤمنین - علیه السلام - و او نیز از پیامبر - صلی الله علیه و آله - گرفته است. «۱» مرحوم خوانساری گفته است: «قرائت عاصم، قرائت متداول بین مسلمانان است. از این رو، قرائت او همه جا با مرکب سیاه نوشته می‌شود و قرائت دیگران با رنگ دیگر تا با قرائت عاصم اشتباه نشود.» ابن جزری، در کتابش می‌گوید: «عاصم در مجلس می‌نشست و مردم برای قرائت نزد او می‌آمدند. او جامع بین فصاحت و اتقان و تحریر و تجوید بود. او نیکوترین مردم از لحاظ صوت قرآن به شما می‌رفت.» «۲» ابو محمد مکی می‌گوید: «صحیح‌ترین قرائت‌ها از نظر سند، قرائت عاصم و نافع است.» «۳» او قرائت را از آبشخور و اساس متین یعنی امیر المؤمنین - علیه السلام - اخذ کرده است. ابن خراش، او را شخصیتی غیر مقبول در حدیث معرفی کرده است، در حالی که نسائی می‌گوید: «در اعتماد به حدیث او هیچ گونه ایرادی وجود ندارد.» در مقدمه حجه القراءات از قول ابو بکر عیاش آمده است. «نمی‌توانم بگویم چند بار از ابو اسحاق سبعی شنیدم که می‌گفت: هیچ قاری قرآنی را مانند عاصم ندیدم. قرائت را عاصم از زر بن حبش و ابو عبد الرحمن سلمی فرا گرفته است.» اینک به برخی از آرا و نظرات بزرگان و اهل فن درباره عاصم اشاره می‌کنیم که (۱) \_\_\_\_\_ روضات

الجنات، ج ۴، ص ۵. (۲) النشر فی قراءات البشر، ج ۱، ص ۲۴۶. (۳) اتقان، ج ۱، ص ۲۵۵. اهمیت قرائت عاصم به روایت حفص، ص: ۵۵ حاکی از وثاقت و ارج و مقدار او در امر قرائت است. عبد الله بن احمد حنبل می‌گوید: «از پدرم درباره عاصم سؤال کردم، در پاسخ گفت: شخصیتی شایسته و فردی ثقه و مورد اعتماد است. سپس پرسیدم: کدامیک از قرائت نزد تو محبوب‌تر و دلچسب‌تر است؟ گفت: قرائت اهل مدینه. گفتم: و بعد. گفت: قرائت عاصم. مردم کوفه قرائت عاصم را پذیرفته‌اند و من نیز آن را اختیار کرده‌ام.» «۱» حفص می‌گوید، عاصم نقل می‌کرد: «هر چه از قرائت به ابابکر بن عیاش یاد داده‌ام، همانی است که از زر بن حبیش یاد گرفته‌ام. او نیز از ابن مسعود فرا گرفته بود.» «۲» ابو بکر عیاش راوی عاصم، رویدادی را از آخرین لحظات زندگی عاصم نقل کرده است: «نزد عاصم آمدم، در حالی که لحظات پایان عمر خود را می‌گذارند. شنیدم که آیه‌ای را به روش تحقیق و به صورتی که آن را در نماز می‌خواند، قرائت می‌کرد. آیه این بود: و ردّوا الی الله مولاهم الحقّ و ضلّ عنهم ما كانوا یفترون.» «۳» با توجه به این که هیچ یک از قاریان مانند عاصم از تأیید بیشترین دانشمندان برخوردار نبوده‌اند، برجستگی و والایی مقام او در قرائت بر ما ثابت می‌گردد. یگانه قرائتی که دارای سند صحیح و با پشتوانه جمهور استوار می‌باشد، قرائت حفص است که طی قرون گذشته تا امروز میان مسلمانان متداول بوده و هست. دلایل آن بدین شرحند: ۱- سند طلائی را داراست. زیرا حفص از عاصم و او از عبد

الرحمن سلمی و او از مولی امیر المؤمنین - علیه السلام - نقل کرده است که رجال آن تماما از بزرگان و مورد وثوق و اطمینان امت بوده‌اند. ۲- توافق آن با قرائت همگانی و جماهیر مسلمانان است. زیرا عاصم، سعی بر آن (۱) تهذیب التهذیب، ۵ / ۳۹. (۲)

طبقات القراء، ۱ / ۳۴۸، البیان، ص ۱۷۴. (۳) سوره یونس، آیه ۳۰. اهمیت قرائت عاصم به روایت حفص، ص: ۵۶ داشت که محکم‌ترین و استوارترین قرائت‌ها را از طریق صحیح و اطمینان بخش به دست آورده و به حفص تعلیم دهد و راه بدست آوردن قرائت همگانی موروثی از پیامبر - صلی الله علیه و آله - همان راهی است که عاصم انتخاب کرده بود. او از مکتب امیر المؤمنین - علیه السلام - درس گرفته بود. پس او با یک واسطه شاگرد اول مکتب قرائت، دست پرورده و باب مدینه علم پیامبر عظیم الشأن - صلی الله علیه و آله - اسلام بود. اهمیت قرائت عاصم به روایت حفص، ص: ۵۷

### نتیجه گیری

نتیجه گیری عاصم، به دلیل دقت نظر، از میان تمام قاریان از مزیت خاصی برخوردار است و موقعیت علمی و شخصیت او قابل انکار نیست. علمای اهل سنت و شیعه عموماً او را تصدیق کرده‌اند. از جمله خوانساری در کتاب روضات الجنات می‌گوید: «عاصم از پرهیزگارترین قاریان و رأی او درست‌ترین آرا در قرائت به شمار می‌رود.» احمد بن حنبل از پدرش نقل می‌کند که گفت: «عاصم مردی ثقة است.» عاصم، پس از استادش ابو عبد الرحمن، قاری کوفه شد و حوزه قرائتی او ۵۴ سال ادامه داشت. عاصم، به تصریح علمای شیعه، محب اهل بیت محمد - علیهم السلام - بود. او قرائت را از ابو عبد الرحمن، شیعه و شاگرد امیر المؤمنین - علیه السلام - اخذ کرده بود. ابن شهر آشوب و خوانساری به تشیع او تصریح دارند. اهمیت قرائت عاصم به روایت حفص، ص: ۵۹

### فصل سوم قرائت عاصم

#### معنای طریق

معنای طریق قرائت هر قاری را عده‌ای نقل می‌کنند که در اصطلاح، از آن به راوی تعبیر می‌شود. از کسانی که روایت راوی را نقل می‌کنند به (طرق روایت) تعبیر می‌شود. پس طریق یعنی همان واسطه‌هایی که قرائت راوی را بر ما نقل کرده‌اند. هر قاری، چند راوی دارد که از بین روات او، دو راوی از همه مشهورترند. به طوری که مشخصات این دو راوی ضبط گردیده است. به طور کلی، هر گاه دو راوی در یک مورد متفقا وجه یا وجوه مشابهی را از قاری نقل کنند، به آن وجه یا وجوه قرائت قاری گفته می‌شود، اما چنانچه دو راوی، وجوه مختلفی را نقل کنند، در آن صورت به آن وجه یا وجوه روایت راوی از قاری می‌گویند. گروه بی‌شماری با واسطه و بی‌واسطه، قرائت عاصم را روایت کرده‌اند. اینان عبارتند از: ابان بن تغلب شیعی، ابان بن یزید عطار، حفص بن سلیمان، حماد بن سلمه، حماد بن یزید، سلیمان بن مهران اعمش، ابو بکر بن عیاش، ضحاک بن میمون، ابو عمرو بن علاء، خلیل بن احمد و حمزه بن حبيب زیات کوفی. از بین روات عاصم، دو نفر از دیگر روات مشهورترند: حفص و ابو بکر، که در فصل‌های بعد به شرح حال آنها می‌پردازیم.

#### مشایخ عاصم

مشایخ عاصم بر ابو عبد الرحمن سلمی و او بر علی بن ابی طالب - علیه السلام - و همچنین اهمیت قرائت عاصم به روایت حفص، ص: ۶۲ بر زر بن حبیش و او بر عبد الله بن مسعود اقراء کرد. «۱» پس رجال عاصم، عبارتند از: ابو عبد الرحمن بن حبیب

سلمی و ابو مریم زرّ بن حبیش. ابو عبد الرحمن قرائت را از عثمان بن عفان و علی بن ابی طالب - علیه السلام - و ابی بن کعب و زید بن ثابت و عبد الله بن مسعود از پیامبر - صلی الله علیه و آله - گرفته است. زرّ نیز، قرائت خود را از ابن مسعود و او نیز از پیامبر گرفته است. ابن جزری، در النشر می‌گوید: «عاصم قرائت را از ابو عبد الرحمن سلمی آموخت و بر زرّ بن حبیش عرضه کرد و بر سعد بن ایاس شیبانی نیز عرضه کرد. این سه نفر بر عبد الله بن مسعود عرضه داشتند. سلمی بر عثمان، علی بن ابی طالب - علیه السلام - ابی بن کعب، زید بن ثابت و ابن مسعود عرضه کرد. ابن مسعود و عثمان و [امام] علی - علیه السلام - نیز بر پیامبر عرضه کردند.»

### تفاوت حفص و ابو بکر در روایت

تفاوت حفص و ابو بکر در روایت ابوبکر شعبه بن عیاش، علاوه بر آنچه از استادش - عاصم - آموخته بود، اتفاق قرائت حجاز بصره و شام را نیز مدّ نظر داشت و بنای قرائت خود را بر موارد اتفاق قراءات مزبور نهاده بود. دیدگاههای لغوی و نحوی در روایت ابو بکر، همواره حضور خود را نشان می‌دهند. گاه به صورت تغییر صیغه باب افعال و در بسیاری موارد به صورت تغییر صیغه فعل از خطاب به غیبت، از غیبت به متکلم، از معلوم به مجهول. بررسی کلی حاکی از این است که اختلاف روایت حفص و شعبه از عاصم به ۵۲۰ مورد می‌رسد. این در حالی است که حفص می‌گوید: «قرائت عاصم همان قرائت علی - علیه السلام - است که آن را بدون کم و کاست اقراء می‌کند.» به عبارت دیگر، حفص بر خلاف ابی بکر که داعیه اختیار در قرائت داشت، اصرار داشته است که قرائت عاصم را بدون هیچ دسبندی اقراء کند.

(\_\_\_\_\_ ۱) مجمع البیان فی تفسیر القرآن.

اهمیت قرائت عاصم به روایت حفص، ص: ۶۳ جدول نموداری روایت از عاصم امام علی بن ابی طالب علیه السلام / عبد الله بن مسعود ابو عبد الرحمن سلمی / زرّ بن حبیش عاضم بن بهدله حفص بن سلیمان / شعبه بن ابی بکر عبید بن صباح / عمرو بن صباح / یحیی بن آدم / یحیی علیمی ابن سهل اشنانی / احمد بن محمد / زرغان بن احمد / شعیب / ابو حمدون / ابو بکر اداصم حسن هاشمی / ابو طاهر صالح بن محمد بن المبارک / ابو الحسن علی بن محمد بن جعفر / رزاز نقل از: النشر فی القراءات العشر ج ۱، صص ۱۴۷ - ۱۵۵ اهمیت قرائت عاصم به روایت حفص، ص: ۶۴ جدول نموداری از رجال عاصم ابو عبد الرحمن سلمی / زرّ بن حبیش حضرت علی علیه السلام و ابی بن کعب و زید بن ثابت و عبد الله بن مسعود و عثمان بن عفان / از رسول اکرم صلی الله علیه و آله / عبد الله بن مسعود و عثمان بن عفان نقل از: التفسیر فی القراءات السبع ابو عمرو عثمان بن سعید دانی اهمیت قرائت عاصم به روایت حفص، ص: ۶۵

### نتیجه گیری

نتیجه گیری قرائت هر قاری توسط دو راوی نقل گردیده و قرائت عاصم از دو طریق: ابو بکر بن عیاش معروف به شعبه و حفص بن سلیمان نقل گردیده است. از ابو بکر ۷۶ طریق و از حفص ۵۲ طریق نقل شده است که از مجموع طرق حفص و ابو بکر روایت از عاصم به ۱۲۸ طریق می‌رسد. قرائت عاصم به ترتیب از ابو عبد الرحمن سلمی و امیر المؤمنین - علیه السلام - و رسول اکرم - صلی الله علیه و آله - نقل شده است. اهمیت قرائت عاصم به روایت حفص، ص: ۶۷

### فصل چهارم مصحف حضرت علی علیه السلام و اهمیت آن

#### حضرت علی - علیه السلام -

حضرت علی - علیه السلام - هیچ کس جز خدا و پیامبر بزرگوارش، رسول اکرم - صلی الله علیه و آله -، علی - علیه السلام - را نشناخته و نخواهد شناخت. فضائل امیر المؤمنین - علیه السلام - قابل شمارش نیست، در بحار الانوار از پیامبر اکرم - صلی الله علیه و آله - نقل شده است: «۱» یا علی ... ما عرفک حق معرفتک غیر الله و غیری رسول اکرم - صلی الله علیه و آله - مناقب و فضائل امیر المؤمنین - علیه السلام - را به جهت عدم ظرفیت مردم و خوف از افراط امت بازگو نکرده‌اند، چرا که زمین و آسمان گنجایش آن همه فضیلت را ندارد. رسول اکرم - صلی الله علیه و آله - فرمودند: یا علی لولا ان تقول فیک طوائف من امتی ما قالت النصارى فی عیسی لقلت الیوم فیک مقالا لا تمر بملاء من المسلمین الا اخذوا تراب رجلیک و فضل طهورک یتشرفون به و لکن حسبک ان تكون منی بمنزله هارون من موسی الا انه لا نبی بعدی انت تؤدی دینی و تقاتل علی سنتی و انت فی الآخرة اقرب الناس منی ای علی اگر ترس این نبود که گروه‌هایی از امت من درباره تو چیزهایی بگویند که مسیحیان درباره عیسی گفتند امروز درباره تو سخنی می‌گفتم که وقتی از میان جمعی از مسلمانان عبور کنی، خاک پایت و باقیمانده آب وضویت (۱) بحار الانوار، ج ۳۹، ص ۸۴.

اهمیت قرائت عاصم به روایت حفص، ص: ۷۰ را بگیرند و به آن شفا جویند. ولی همین برای تو کافی است که بگویم تو نسبت به من به منزله هارون نسبت به موسی، هستی جز اینکه بعد از من دیگر پیغمبری نخواهد آمد. تو دین مرا ادا می‌کنی و طبق سنت من بیکار می‌کنی و در آخرت نزدیکترین مردم به من هستی». دشمنان حضرت از سر حسادت و دوستان از باب تقیه فضائل او را کتمان داشتند ولی قطره‌ای از فضائل آن بزرگوار که به ما رسیده بدان اندازه است که صدها هزار ورق از متون و آثار دانشمندان را به خود اختصاص داده است. رسول اکرم - صلی الله علیه و آله - درباره او به ام سلمه فرمود: «... خوب گوش کن و شاهد باش. اگر کسی هزار سال خداوند را بین رکن و مقام عبادت کند ولی با کینه علی به ملاقات خدا بشتابد خداوند او را با صورت به آتش می‌افکند.» در بعضی از کتابهای اهل سنت، به نقل از عامر بن وائل آمده است: در روز شورای عمر، نزد علی - علیه السلام - بودیم، شنیدم علی - علیه السلام - خطاب به مردم می‌گفت: لا حتجن علیکم بما لا یستطیع عربیکم و لا عجمیکم تغییر ذلک ثم قال: انشدکم الله ائها نفر جمیعا أفیکم احد و حد الله تعالی قبلی من با شما با دلایل و حجت‌هایی سخن می‌گویم که هیچ عرب و عجمی از شما نتواند در آن تغییری بدهد. ای مردم، خدا را گواه می‌گیرم و می‌خواهم که با در نظر گرفتن خدا بگویید که آیا در میان شما کسی هست که توحید خدا را قبل از من پذیرفته باشد. گفتند: نه به خدا قسم. فرمود: شما را به خدا سوگند، کسی از شما همسری چون فاطمه زهرا (ع) دختر پیامبر و بانوی زنان بهشتی دارد. گفتند: نه. فرمود: شما را به خدا، کسی جز من در میان شما هست که رسول خدا درباره او فرموده باشد: «کسی گمان نکند که مرا دوست دارد در حالی که با این مرد دشمن باشد». گفتند: نه. فرمود: شما را به خدا کسی در میان شما هست که رسول خدا اهمیت قرائت عاصم به روایت حفص، ص: ۷۱ درباره‌اش فرموده باشد: «من بر اساس تنزیل قرآن جنگیدم و ای علی تو بر اساس تأویل آن می‌جنگی». گفتند، به خدا قسم کسی نیست. شما را به خدا آیا می‌دانید که پیامبر اکرم فرمود: الحق مع علی و علی مع الحق یدور الحق مع علی کیف ما دار. «۱» با وجود این همه اعترافات بعد از رحلت رسول اکرم - صلی الله علیه و آله - دیدیم و شنیدیم که چه‌ها کردند. حتی قرآنی که حضرت رسول اکرم - صلی الله علیه و آله - املأ فرمودند و امیر المؤمنین می‌نوشت، و قرآنی که امیر المؤمنین بعد از رحلت رسول اکرم - صلی الله علیه و آله - جمع کردند را رد کردند. به همین خاطر هم اکنون همه شیعیان جهان از دیدن آن مصحف محرومند و فقط به ذکر اخبار رسیده در وصف مصحف حضرت علی بسنده می‌کنیم. جمع و تألیف قرآن به شکل کنونی در یک زمان صورت نگرفته است، بلکه به مرور زمان به دست افراد و گروه‌های مختلف انجام گرفته است. غالب محققین و تاریخ‌نویسان - بر اساس روایات وارد شده در این باره - بر آنند که جمع و ترتیب سوره‌ها بعد از وفات پیامبر - صلی الله علیه و آله - برای نخستین بار به دست علی - علیه السلام -، امیر مؤمنان - علیه السلام - و سپس زید بن ثابت و دیگر صحابه بزرگوار انجام گرفت. علی - علیه السلام - پس از وفات پیامبر - صلی الله علیه و آله -

مدت شش ماه در منزل نشست و این کار را به انجام رساند. ابن ندیم گوید: «اولین مصحفی که گرد آوری شد، مصحف علی- علیه السلام- بود. این مصحف نزد آل جعفر بود. بعد مصحفی را دیدم نزد ابی یعلی حمزه حسنی که با خط علی (ع) بود و چند صفحه از آن افتاده بود و فرزندان حسین بن علی (ع) آن را به میراث گرفته بودند.»<sup>(۲)</sup> محمد بن سیرین از عکرمه نقل می‌کند: «در ابتدای خلافت ابی بکر، علی در خانه

(۱) کنز العمال، ج ۶، ص ۶۵۷. (۲) فهرست، صص ۴۷ و ۴۸. اهمیت قرائت عاصم به روایت حفص، ص: ۷۲ نشست و قرآن را جمع آوری کرد. من از عکرمه پرسیدم: آیا ترتیب و نظم آن مانند دیگر مصاحف بود و آیا رعایت ترتیب نزول در آن شده بود؟ گفت: اگر جن و انس گرد آیند و بخواهند مانند علی- علیه السلام- قرآن را گرد آورند، نخواهند توانست.» ابن جزری گوید: «اگر مصحف علی پیدا می‌شد هر آینه در آن علم فراوان یافت می‌گردید.»

### ویژگی‌های مصحف علی- علیه السلام-

ویژگی‌های مصحف علی- علیه السلام- مصحفی را که مولای متقیان امیر مؤمنان- علیه السلام- گرد آوری کرده بود، دارای ویژگی‌هایی بود که در دیگر مصاحف وجود نداشت. اولاً: ترتیب دقیق آیات و سوره طبق نزول آنها- مکی پیش از مدنی- در این مصحف رعایت شده بود. کاملاً مراحل و سیر تاریخی نزول آیات در آن روشن بود. بدین وسیله سیر تشریح و احکام، مخصوصاً مسأله ناسخ و منسوخ در قرآن فهمیده می‌شد. ثانیاً: در این مصحف، قرائت آیات طبق قرائت پیامبر اکرم- صلی الله علیه و آله- که اصیل‌ترین قرائت بود ثبت شده بود و هرگز راهی برای اختلاف قرائت در آن نبود. بدین ترتیب راه برای فهم محتوی و بدست آوردن تفسیر صحیح آیه هموار بود. این امر اهمیت به سزایی داشت، زیرا چه بسا اختلاف قرائت موجب گمراهی مفسر می‌شود اما در آن مصحف موجبات گمراهی وجود نداشت. ثالثاً: این مصحف، مشتمل بر تنزیل و تأویل بود. یعنی موارد نزول و مناسبت‌هایی را که موجب نزول آیات و سوره‌ها بود، توضیح می‌داد. البته حواشی مصحف، بهترین وسیله برای فهم معانی قرآنی و رفع بسیاری از لهجه‌ها بود. علاوه بر ذکر سبب نزول در حواشی، تأویلاتی نیز وجود داشت. این تأویلات برداشتهای کلی و جامع از موارد خاص آیات بود که در فهم آیه‌ها بسیار مؤثر بود. حضرت علی اهمیت قرائت عاصم به روایت حفص، ص: ۷۳- علیه السلام- می‌فرماید: لا و لقد بالکتاب مشتملاً علی التنزیل و تأویل و نیز می‌فرماید: «آیه‌ای بر پیامبر نازل نشد مگر آنکه آن را بر من خواند و املا فرمود و من آن را با خط خود نوشتم و نیز تفسیر و تأویل، ناسخ و منسوخ، محکم و متشابه هر آیه را به من آموخت. مرا دعا فرمود تا خداوند فهم و حفظ آن را به من مرحمت فرماید. از آن روز تا به حال هیچ آیه‌ای را فراموش نکرده‌ام. هیچ دانش و شناختی که به من آموخته است و نوشته‌ام، از دست نداده‌ام.»<sup>(۱)</sup> بنابر این، اگر پس از رحلت پیامبر- صلی الله علیه و آله- از این مصحف که مشتمل بر دقایق، شرح، تفسیر و تبیین و تبیین آیات بود استفاده می‌شد، امروزه بیشترین مشکلات قرآن مرتفع می‌گردید.

(۱) تفسیر برهان، ج ۱، ص ۱۶.

اهمیت قرائت عاصم به روایت حفص، ص: ۷۴

### کیفیت ترتیب مصحف علی- علیه السلام-

#### اشاره

کیفیت ترتیب مصحف علی- علیه السلام- یعقوبی در کتاب خود آورده است که چنین روایت نمودند: «امام علی- علیه السلام- پس از رحلت پیامبر- صلی الله علیه و آله- قرآن را جمع آوری کرد و بر شتری نهاد و فرمود: قرآنی

**جزء اول**

جزء اول بقره/ یوسف/ عنکبوت/ یس/ روم/ لقمان/ تبارک الملک/ حم سجده/ ذاریات/ هل اتی علی انسان/ الم تنزیل/ سجده/ و العصر/ نازعات/ اذا الشمس کورت/ اذا السماء انفطرت/ اذا السماء انشقت/ طس/ الاعلی/ لم یکن/ جزء بقره

**جزء دوم**

جزء دوم آل عمران/ هود/ حج/ طسم/ حجر/ احزاب/ دخان/ الرحمن/ حاقه/ سأل سائل/ عبس/ تولی/ و السماء و الطارق/ و الشمس و ضحیها/ انا انزلناه/ اذا زلزلت/ ویل لكل همزه/ الم تر کیف/ انا اعطیناک الکوثر/ لایلاف قریش/ جزء آل عمران

**جزء سوم**

جزء سوم نساء/ نحل/ مؤمنون/ فرقان/ جمعسق/ واقعه/ فرعون/ یا ایها المدثر/ ارأیت/ تبت/ قل هو الله احد/ حشر/ قارعه/ و السماء ذات البروج/ و التین و الزیتون/ قل اوحی انی/ نمل/ و الضحی/ جزء نساء

**جزء چهارم**

جزء چهارم مائده/ یونس/ مریم/ شعراء/ زخرف/ زمر/ حجرات/ ق و القرآن مجید/ اقتربت الساعة/ ممتحنه/ لا اقسام بهذا البلد/ الم نشرح لک/ و العادیات/ قل یا ایها الکافرون/ جزء مائده

**جزء پنجم**

جزء پنجم انعام/ سبحان/ اقرب/ ملائکه/ موسی/ فتح/ حم/ مؤمن/ مجادله/ مطفین/ جمعه/ منافقون/ ن و القلم/ انا ارسلنا نوحا/ مرسلات/ الهیکم/ جزء انعام

**جزء ششم**

جزء ششم اعراف/ ابراهیم/ کهف/ نور/ ص/ شریعه/ الذین کفروا/ حدید/ مزمل/ لا اقسام بیوم القیامه/ عمّ یتسائلون/ غاشیه/ و الفجر/ و اللیل اذا یغشی/ اذا جاء نصر الله/ جزء اعراف

**جزء هفتم**

جزء هفتم انفال/ براءه/ طه/ صافات/ احقاف/ طور/ نجم/ صف/ تغابن/ طلاق/ معوذتین/ جزء انفال اهمیت قرائت عاصم به روایت حفص، ص: ۷۵ است که آن را فراهم ساختم و آن را (به این شکل) به هفت جزء تقسیم نمودم. «۱»

**سرانجام مصحف علی - علیه السلام -**

سرانجام مصحف علی - علیه السلام - سلیم بن قیس هلالی (م. ۹۰) که از اصحاب خاص امیر المؤمنین بود از سلمان فارسی - رضوان الله علیه - روایت می کند: «موقعی که علی - علیه السلام - بی مهری مردم را نسبت به خود احساس کرد در خانه نشست و از خانه بیرون نیامد تا آنکه قرآن را کاملاً جمع آوری کرد. پیش از جمع آوری حضرت، قرآن روی پاره‌های کاغذ و تخته‌های نازک شده

و ورقها نوشته شده و به صورت پراکنده بود. علی - علیه السلام - پس از اتمام، طبق روایت یعقوبی آن را بار شتر کرد و به مسجد آورد، در حالی که مردم پیرامون ابو بکر گرد آمده بودند، به آنان گفت: «بعد از مرگ پیغمبر - صلی الله علیه و آله - تاکنون به جمع آوری قرآن مشغول بودم و در این پارچه آن را فراهم کردم، تمام آنچه بر پیغمبر نازل شده است را جمع آورده‌ام. آیه‌ای نبوده است مگر آنکه پیامبر، خود بر من خوانده و تفسیر و تأویل آن را به من آموخته است. مبادا فردا بگویند از آن غافل بوده‌ایم». آنگاه یکی از سران گروه پساخاست و با دیدن آنچه علی - علیه السلام - در آن نوشته‌ها فراهم کرده بود، به او گفت: به آنچه آورده‌ای نیازی نیست و آنچه نزد ما هست ما را کفایت کند. علی گفت: «دیگر هرگز آن را نخواهید دید». آنگاه داخل خانه خود شد و کسی آن را پس از آن ندید. در دوران عثمان که میان مصاحف صحابه و طرفداران آنها اختلاف شدید رخ داد، طلحه بن عبد الله به مولا امیر المؤمنین - علیه السلام - عرض کرد: «به یاد داری آن روزی که مصحف خود را بر مردم عرضه داشتی و نپذیرفتند. چه می‌شود امروز، آن را ارائه دهی تا شاید رفع اختلاف گردد. حضرت، از جواب دادن سرباز \_\_\_\_\_ (۱) نقل از تاریخ قرآن زنجانی»

اهمیت قرائت عاصم به روایت حفص، ص: ۷۶ زد. طلحه سؤال خود را تکرار کرد، حضرت فرمود: «عمداً از جواب سرباز زد». آنگاه به طلحه گفت: «آیا این قرآن که امروز در دست مردم است، تمامی آن قرآن است یا آنکه غیر قرآن نیز داخل آن شده است» و. طلحه گفت: البته تمامی آن قرآن است. حضرت فرمود: «اکنون که چنین است، چنانچه به آن اخذ کنید و عمل نمایید، به رستگاری رسیده‌اید.» طلحه گفت: اگر چنین است پس ما را بس است و دیگر چیزی نگفت. حضرت با این جواب خواستند تا علاوه بر حفظ وحدت، صلابت و استواری قرآن نیز محفوظ بماند. کلینی از امام صادق - علیه السلام - در کتاب خود آورده است: «هنگامی که قائم (عج) قیام کند، کتاب خدا را در حد واقعی آن خواهد خواند و مصحفی را که علی - علیه السلام - نوشته بود، ارائه خواهد داد.» مصاحفی وجود دارد که با خط کوفی است و آنها را به علی - علیه السلام - نسبت می‌دهند. اکنون مصاحفی که منسوب به علی - علیه السلام - است، در نقاط مختلف دنیا دیده می‌شود از جمله: ۱- مصحفی که ابو عبد الله زنجانی می‌گوید: «من در ماه ذی الحجه سال ۱۳۵۳ (ه. ق.) در کتابخانه امیر المؤمنین نجف، قرآنی به خط کوفی دیدم که در پایان آن آمده است: «کتابه علی بن ابی طالب فی سنه اربعین من الهجرة». ۲- نسخه‌ای از قرآن منسوب به حضرت علی در موزه ایران باستان. ۳- قرآن منسوب به حضرت در کتابخانه آستان قدس رضوی. ۴- نسخه‌ای از قرآن در کتابخانه سلطنتی سابق تهران. البته باید یاد آور شد که اگر مصاحف موجود منسوب به حضرت را بپذیریم، باید بگوییم که حضرت چندین بار دست به نگارش مصحف زده است، در حالی که تاریخ و احادیث، این مطلب را تأیید نمی‌کند.

## اختلاف مصاحف

اختلاف مصاحف جمع کنندگان مصاحف متعدد بودند و ارتباطی با یکدیگر نداشتند. از نظر اهمیت قرائت عاصم به روایت حفص، ص: ۷۷ کفایت، استعداد و توانایی انجام کار یکسان نبودند. بنابر این نسخه هر کدام از نظر روش، ترتیب قرائت و غیره با دیگران یکسان نبود. این اختلاف باعث اختلاف بین مناطق مختلف شد. لذا، با گزارش این اختلاف به عثمان او را به این فکر واداشت که به طور جدی در تدارک یکی کردن مصحفها بکوشد. در این مورد با آن گروه از صحابه که در مدینه بودند مشورت کردند و همه با پیشنهاد یکی کردن مصاحف موافقت کردند. همچنین امام علی - علیه السلام - رأی موافق خود را با این برنامه به طور اصولی اظهار فرمودند. ابن ابی داود از سويد بن غفله نقل می‌کند که علی - علیه السلام - فرمود: «سوگند به خدا، عثمان درباره مصاحف هیچ عملی انجام نداد، مگر اینکه با مشورت ما بود. او درباره قرائت‌ها با ما مشورت کرد و گفت: به من گفته‌اند که برخی می‌گویند قرائت من بهتر از قرائت توست و این چیزی نزدیک به کفر است. به او (عثمان) گفتم: نظرت چیست؟ گفت: نظرم این

است که فقط یک مصحف در اختیار مردم باشد. گفتیم: نظر خوبی است.» (۱)

(۱) اتقان، ج ۱، ص ۵۹. اهمیت

قرائت عاصم به روایت حفص، ص: ۷۸

### نتیجه گیری

نتیجه گیری هر آیه‌ای از قرآن کریم که نازل می‌شد، رسول اکرم -صلی الله علیه و آله- املاء می‌فرمود و علی -علیه السلام- می‌نوشت. بعد از رحلت رسول اکرم، حضرت امیر المؤمنین از خانه خارج نشدند تا اینکه قرآن را جمع آوری فرمودند. بعد از اینکه کار تمام شد، نزد صحابه آوردند و آنان از قبول قرآن امتناع ورزیدند. پس از این واقعه، هیچ کس قرآن امیر المؤمنین را ندید. همانطور که حضرت فرمود: به خدا قسم دیگر روی این قرآن را نخواهید دید. هم اکنون مصحف حضرت، نزد فرزند گرامیش حضرت مهدی (عج) می‌باشد. ترتیب مصحف امیر المؤمنین با قرآن کنونی متفاوت است. زیرا که قرآن حضرت طبق شأن نزول ترتیب یافته است و به ۷ جزء تقسیم گشته است. هم اکنون مصاحفی را به حضرت امیر المؤمنین نسبت می‌دهند که اگر این مصاحف موجود منسوب به حضرت را بپذیریم، باید بگوییم که حضرت چندین بار دست به نگارش مصحف زده‌اند، در حالی که تاریخ، این مطلب را تأیید نمی‌کند. اهمیت قرائت عاصم به روایت حفص، ص: ۷۹

### فصل پنجم عبد الله بن مسعود

#### عبد الله بن مسعود

عبد الله بن مسعود عبد الله بن مسعود، اولین قاری رسمی قرآن در کوفه بود که از طرف خلیفه دوم جهت قرائت اهل کوفه مأمور شده بود. او از آغاز تا پایان، قرآن را بر پیامبر -صلی الله علیه و آله- قرائت کرد. ابن مسعود، حافظ قرآن، بنیانگذار مکتب کوفی و از صحابه رسول اکرم -صلی الله علیه و آله- بود. او مورد توجه حضرت رسول اکرم -صلی الله علیه و آله- بوده است. پیامبر اکرم -صلی الله علیه و آله- دوست می‌داشت تلاوت قرآن کریم را از زبان او استماع نماید. «۱» محققان او را از جمله دوازده نفری می‌دانند که در زمان صحابه به دوستی خاندان رسالت معروف بوده است. آگاهی ابن مسعود در قرائت، مورد تأیید محققان و مفسران اسلامی است. او را می‌توان پایه گذار مکتب تفسیر کوفی دانست. زیرا مفسران در زمان تابعین از او پیروی می‌کردند. وقتی سوره الرحمن نازل شد، پیامبر -صلی الله علیه و آله- فرمودند: چه کسی این سوره را برای قریش قرائت می‌کند. ابن مسعود پیش قدم در این کار شد. وقتی که او تلاوت کرد، ابو جهل چنان به صورت او زد که از گوش او خون جاری شد. رسول اکرم -صلی الله علیه و آله- گریستند. جبرئیل نازل شد و به پیامبر فرمود: به زودی جواب ابو جهل داده خواهد شد. بعد در جنگ بدر در حالی که ابو جهل نیمه جان بود (۱) سفینه

البحار، ج ۲، ص ۱۳۷. اهمیت قرائت عاصم به روایت حفص، ص: ۸۲ ابن مسعود بر سینه او نشست و گفت: الاسلام یعلوا و لا یعلی علیه. اسلام تعالی می‌یابد و هیچ چیز بر او برتری نمی‌جوید. هنگام دستور عثمان مبنی بر جمع قرآن، ابن مسعود به عنوان اعتراض به عثمان در مورد اشراف زید بن ثابت بر انجمن نویسندگان قرآن گفته بود: «آیا باید مرا کنار بگذارید، در حالی که زید بن ثابت هنگامی که کودک بود و در کوچه و بازار بازی می‌کرد، من هفتاد و اندی سوره را از پیامبر -صلی الله علیه و آله- فرا گرفتم.» عبد الله بن مسعود، از اولین کسانی است که آشکارا در مکه قرآن خواند و در این راه به خاطر خدا، مورد آزار و اذیت قریش قرار گرفت. همین که اسلام را پذیرفت، پیامبر -صلی الله علیه و آله- او را به خدمت گرفت و در بسیاری از کارهای پیامبر -صلی الله

علیه و آله - خدمتگزار ایشان بود. بدون مانع به خانه پیامبر - صلی الله علیه و آله - رفت و آمد داشت، تا آنجا که برخی گمان کرده‌اند که او در زمره اهل بیت پیامبر است. او در دو هجرت مسلمانان شرکت داشت. به سوی دو قبله نماز گزارد. در تمام جنگها با پیامبر - صلی الله علیه و آله - همراه بود. او در بین صحابه پس از علی - علیه السلام - از همه در حفظ قرآن کوشاتر بود. وی مدت ۲۰ سال با اشتیاق و علاقه‌مندی فراوان به کار قرائت ادامه داد. سرانجام در سال ۳۲ هجری در اثر ضربه‌ای که به امر عثمان به او وارد آمد، درگذشت. همه استادان قرائت پس از او دست پرورده او هستند. از جمله: ابو عبد الرحمن سلمی، زر بن حبیش، علقمه بن قیس نخعی، اسود بن زید نخعی و مسروق بن اجدع همدانی. اهمیت قرائت عاصم به روایت حفص، ص: ۸۳

### مصحف عبد الله بن مسعود

مصحف عبد الله بن مسعود این ندیم از فضل بن شاذان روایت کرده است که گفت: مصحف عبد الله ابن مسعود دارای ویژگیهای زیر بود: ۱- ترتیب سوره چنین بود، سبع طوال، مئین، ثانی، حوامیم، ممتحنات و مفصلات. ۱- نباء ۲- نساء ۳- آل عمران ۴- المص ۵- انعام ۶- مائده ۷- یونس ۸- براءه ۹- نحل ۱۰- هود ۱۱- یوسف ۱۲- بنی اسرائیل ۱۳- انبیاء ۱۴- مؤمنون ۱۵- شعراء ۱۶- صافات ۱۷- احزاب ۱۸- قصص ۱۹- نور ۲۰- انفال ۲۱- مریم ۲۲- عنکبوت ۲۳- روم ۲۴- یس ۲۵- فرقان ۲۶- حج ۲۷- رعد ۲۸- سبأ ۲۹- مائده ۳۰- ابراهیم ۳۱- ص ۳۲- الذین کفروا ۳۳- قمر ۳۴- زمر ۳۵- حوامیم مسبحات ۳۶- حم مؤمن ۳۷- حم زخرف ۳۸- سجده ۳۹- احقاف ۴۰- جائیه ۴۱- دخان ۴۲- انا فتحنا ۴۳- حدید ۴۴- سبج ۴۵- حشر ۴۶- تنزیل ۴۷- سجده ۴۸- ق ۴۹- طلاق ۵۰- حجرات ۵۱- تبارک الذی ۵۲- تغابن ۵۳- منافقون ۵۴- جمعه ۵۵- حواریون ۵۶- قل اوحی ۵۷- انا ارسلنا نوحا ۵۸- ممتحنه ۵۹- یا ایها النبی لم تحرم ۶۰- الرحمن ۶۱- النجم ۶۲- ذاریات ۶۳- طور ۶۴- اقتربت الساعه ۶۵- حاقه ۶۶- اذا وقعت ۶۷- ن والقلم ۶۸- نازعات ۶۹- سأل سائل ۷۰- مدثر ۷۱- مزمل ۷۲- مطففین ۷۳- عبس ۷۴- دهر ۷۵- قیامه ۷۶- عم یتسانلون ۷۷- تکویر ۷۸- انفطار ۷۹- هل اتیک الحدیث ۸۰- سبح اسم ۸۱- و الیل اذا یغشی ۸۲- حجر ۸۳- بروج ۸۴- انشقت ۸۵- اقراء باسم ربک ۸۶- لا اقسام بهذا البلد ۸۷- و الضحی ۸۸- الم نشرح ۸۹- و السماء و الطارق ۹۰- و العادیات ۹۱- رأیت ۹۲- القارعه ۹۳- لم یکن الذین کفروا ۹۴- الشمس و ضحیها ۹۵- التین ۹۶- ویل لكل همزة ۹۷- الفیل ۹۸- لا یلاف القریش ۹۹- تکاثر ۱۰۰- انا انزلناه ۱۰۱- و العصر ۱۰۲- اذا جاء نصر الله ۱۰۳- الکوثر ۱۰۴- الکافرون ۱۰۵- المسد ۱۰۶- قل هو الله احد اهمیت قرائت عاصم به روایت حفص، ص: ۸۴ از رجال کم نظیر صدر اسلام که دارای مصحف بوده، عبد الله بن مسعود است. مصحف این صحابی صادق و فرزانه به دلیل ارادت تام وی به ولایت مولا علی - علیه السلام - و ضدیت با حاکمان جور زمانه در مظان تحریف و تحریف واقع شده است. در کتب قرائت راجع به وی این گونه مسطور است: عقیده ابن مسعود بر این بود که ثبت سوره‌ها در مصحف برای حفظ آن از پراکندگی و گمشدن است. سوره حمد به جهت تکرار قرائت آن در نمازها هرگز گم نمی‌شود. «۱» یا آنکه سوره حمد عدل قرآن است و نباید جزء قرآن آورده شود، اما دلیل نیاموردن دو سوره معوذتین این بود که او این دو سوره را جزء قرآن نمی‌دانست، بلکه دعای چشم زخم می‌دانست که از جانب خدا بر پیامبر وحی می‌شد تا برای سلامتی حسنین - علیهما السلام - آن را بخواند و آنان را از چشم زخم محفوظ بدارد. او هرگاه می‌دید که در مصحفی، این دو سوره را نوشته‌اند آن را پاک می‌کرد و می‌گفت: «غیر قرآن را با قرآن خلط نکنید.» «۲» او هرگز در نماز این دو سوره را نمی‌خواند. صاحب کتاب الاقناع روایتی نقل کرده که در آن آمده است: «در مصحف ابن مسعود، برای سوره براءت بسم الله الرحمن الرحیم ثبت شده بود.» سپس می‌نویسد: «نبايد آن را معتبر دانست.» «۳» این مصحف، در بسیاری از آیات و کلمات قرآنی مشهور مخالفت دارد، زیرا ابن مسعود، بر این باور بود که می‌توان کلمات قرآن را به مترادف آن تبدیل کرد. او می‌گفت: «هرگاه کلمه‌ای بر شما دشوار باشد یا برای خواننده فهم آن مشکل آید، می‌توان آن را به کلمه دیگر که سهل و واضح است و معنای آن را دارد، تبدیل کرد.»

(۱) ابن قتیبه دینوری تأویل مشکل القرآن، ص ۴۸ و ۴۹. (۲) الدر المنثور، ج ۶، ص ۴۱۶ و ۴۱۷. (۳) اتقان، ج ۱، ص ۶۵. اهمیت قرائت عاصم به روایت حفص، ص: ۸۵ او کلمه زخرف را به کلمه ذهب تبدیل می‌کرد و کلمه عهن را به کلمه صوف. زیرا معنای هر دو کلمه در هر دو وضع یکی است. او، در تعلیم یک نفر اعجمی که تلفظ ائیم برای او دشوار بود، تجویز کرد تا به جای طعام الائیم بگوید: لان شجره الزقوم طعام الفاجر فاجر جای ائیم را گرفت. «۱» ابن مسعود، در مصحف خود برخی کلمات را برای روشن شدن مراد آیه به کلمات دیگر تبدیل می‌کرد، زیرا معلوم نبود مراد آیه کدام است. مانند: وَالسَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا را به فاقطعوا ایمانها تبدیل کرد، زیرا معلوم نبود مراد آیه کدام دست است. و یا آیه ۹ سوره رحمان: وَأَقِيمُوا الْوَزْنَ بِالْقِسْطِ را به صورت و اقيموا الوزن باللسان ثبت کرده بود. زیرا معتقد بود اقامه وزن به واسطه زبانه ترازو است. عبد الله بن مسعود، احیانا الفاظی را به منظور شرح و تفسیر در ضمن جمله‌ها و عبارات قرآن می‌افزود. اینگونه زوائد تفسیری که در کلام گذشتگان زیاد به چشم می‌خورد مواردی بود که موجب اشتباه با نص قرآنی نمی‌گردید. مثلا در آیه ۲۱۳ سوره بقره: كان الناس امة واحدة (فاختلفوا) فبعث الله النبيين مبشرين ومنذرين و انزل معهم الكتاب بالحق ليحكم بين الناس فيما اختلفوا فيه ... افزودن فاختلفوا برای روشن شدن این مطلب بود که بعثت انبياء پس از اختلاف بوده است. بنا بر نقل سیوطی از ابن مردويه، ابن مسعود گفت: در زمان پیامبر آیه ۶۷ سوره مائده را اینگونه تلاوت می‌کردیم: يا ايها الرسول بلغ ما انزل اليك من ربك (ان عليا مولى امير المؤمنين) و ان لم تفعل فما بلغت رسالته و الله يعصمك من الناس ... «۲» از این موارد، در مصحف ابن مسعود بسیار است که برای روشن شدن مفهوم آیه (۱) تفسیر طبری، ج ۱۵، ص ۱۶۳.

(۲) در المنثور، ج ۲، ص ۲۹۸. اهمیت قرائت عاصم به روایت حفص، ص: ۸۶ بر آیات افزوده شده است. اما نسبت‌های خلاف به ابن مسعود بدین سبب است که او مخالف حکام وقت و معب و دوستدار اهل بیت عصمت و طهارت - علیهم السلام - بود. همین نکته برای کینه و بغض به او کافی بود. از طرف دیگر مواردی از این زیاده‌ها جنبه تفسیری دارد و در آن زمان متداول بوده که صحابه در کنار مصحف خود مطالب تفسیری را می‌نوشتند و به دیگران نقل می‌کردند تا مفهوم و پیام حقیقی آیه در میان مردم حفظ شود. اهمیت قرائت عاصم به روایت حفص، ص: ۸۷

## نتیجه گیری

نتیجه گیری عبد الله بن مسعود، اولین قاری رسمی قرآن کریم در کوفه بود. او از اصحاب رسول اکرم - صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - و از جمله دوازده نفری بود که به خانه حضرت رسول اکرم - صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - رفت و آمد داشت. مورد آزار شدید قریش قرار گرفته است تا جایی که در سال ۳۲ بر اثر ضربه‌ای که به امر عثمان به او وارد شد، در گذشت. او صحابی فداکار، مخلص و صادق پیامبر اکرم - صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - و مولای متقیان، علی - علیه السلام - بوده است. آگاهی ابن مسعود در قرائت و تفسیر قرآن و نیز وسعت اطلاع او در این زمینه‌ها مورد تأیید محققان و مفسران اسلامی است. اهمیت قرائت عاصم به روایت حفص، ص: ۸۹

## فصل ششم ابو عبد الرحمن سلمی

### ابو عبد الرحمن سلمی

ابو عبد الرحمن سلمی عبد الله بن حبيب بن ربیعہ ابو عبد الرحمن سلمی پس از وفات عبد الله بن مسعود قاری کوفه شد و تا مدت ۴۰ سال در مسجد کوفه به مردم قرائت می‌آموخت. وی در زمان حیات پیامبر اکرم - صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - بدنیا آمد و قرآن را از

علی بن ابی طالب - علیه السلام - و همچنین از عثمان بن عفان و عبد الله بن مسعود و زید بن ثابت و ابی بن کعب اخذ کرد. عاصم قرائت را بر ابو عبد الرحمن سلمی عرضه کرد. وی در ایام خلافت عثمان قاری بود، تا اینکه هنگام حکومت شبر بر عراق یا به قولی حکومت حجاج در گذشت در حالی که نابینا بود. ابن مجاهد می گوید: «کسی که در کوفه قرائت جامع داشت، ابو عبد الرحمن سلمی بود.» حسین جعفی از محمد بن ابان و او از علقمه بن مرثد، می گوید: «ابو عبد الرحمن سلمی، قرآن را از عثمان یاد گرفت و بر امیر المؤمنین عرضه کرد.» سیعی گوید: «ابو عبد الرحمن مردم را در مسجد اعظم ۴۰ سال اقراء کرد.» و حجاج از شعبه نقل می کند: «ابو عبد الرحمن قرآن را از عثمان فرا نگرفته است. وی در زمان خلافت عثمان قاری بود تا اینکه در سال ۷۴ ه ق در عراق درگذشت.» حماد بن زید از عطاء بن سائب نقل می کند که ابو عبد الرحمن سلمی گفت: «ما قرآن را از گروهی فرا گرفتیم که وقتی ده آیه را به ما تعلیم می دادند، فراتر اهمیت قرائت عاصم به روایت حفص، ص: ۹۲ نمی رفتند تا آن را می گرفتیم و به آن عمل می کردیم. این سیره قرآن است.» اسحاق سیعی از ابو عبد الرحمن نقل می کند: «پدرم قرآن را به من آموخت. او از اصحاب رسول خدا - صلی الله علیه و آله - بود و در غزوات همراه او بود.» سعد بن عیبده از ابی عبد الرحمن از عثمان بن عفان روایت کرده است که پیامبر - صلی الله علیه و آله - فرمود: خیر کم من تعلم القرآن و علمه

### وفات عبد الله بن حبيب سلمی

وفات عبد الله بن حبيب سلمی می گویند، وی در سال ۷۴ ه. ق) وفات یافت. گفته شده است، در زمان حکومت بشر بن مروان در عراق فوت کرد. بعضی گفته اند سال ۷۳ ه. ق.) درگذشت و بعضی دیگر نیز گفته اند وی قبل از سال ۸۰ درگذشت. ابن نافع گفته است او در سال ۱۰۵ ه. ق.) درگذشته که اشتباه است. «۱» ابن جزری، در غایه النهایه می گوید: «او پیوسته در زمان عثمان مردم را اقراء می کرد، تا اینکه در سال ۷۴ ه. ق.) درگذشت. ابو عبد الله حافظ گفته است: «قول ابن نافع مبنی بر فوت او در سال ۱۰۵ اشتباهی فاحش است.» ابن حجر در تقریب گفته است وی بعد از سال ۷۰ درگذشت.

### اقوال علما در مورد ابو عبد الرحمن سلمی

اقوال علما در مورد ابو عبد الرحمن سلمی ابن جزری به نقل از ابن مجاهد می گوید: «اول کسی که اقراء مردم کوفه را به عهده گرفته، ابو عبد الرحمن سلمی بوده است.» محمد بن عمر می گوید: «او ثقة است و بسیار حدیث نقل کرده است.» برقی در رجال «او را از خواص علی - علیه السلام - شمرده است. در معارف وقتی ابن قتیبه اصحاب قرائت را ذکر می کند، می گوید: (سیر اعلام النبلاء، ج ۴، ص ۳۶۹)

اهمیت قرائت عاصم به روایت حفص، ص: ۹۳ «ابو عبد الرحمن سلمی، از اصحاب علی - علیه السلام - است.» منصور از تمیم بن سلمه نقل می کند: «ابو عبد الرحمن سلمی، امام مسجد بوده است.» ابو اسحاق سیعی نقل می کند از عبد الرحمن سلمی که گفت: «پدرم قرآن را به من آموخت و او از اصحاب رسول خدا - صلی الله علیه و آله - بود و در غزوات همراه او بود.» سعد بن عیبده از ابو عبد الرحمن از عثمان بن عفان نقل می کند که پیامبر - صلی الله علیه و آله - فرمود: خیر کم من تعلم القرآن و علمه صاحب کتاب التهذیب التهذیب از واقدی نقل می کند: «ابو عبد الرحمن سلمی در جنگ صفین همراه امیر المؤمنین - علیه السلام - بوده است و سپس از یاران عثمان گردید. این نقل منفرد است و او را تکذیب کرده است.» ابن جزری در غایه النهایه می گوید: «ابو عبد الرحمن ثقة کبیر القدر است و حدیث او در کتب سته آورده شده است.» ابن قتیبه، وقتی اصحاب قرائت را ذکر می کند، ابو عبد الرحمن سلمی را از اصحاب امیر المؤمنین - علیه السلام - به حساب می آورد و می گوید: «او مقری بود و فقه می دانست.» عطاء بن سائب می گوید: «هنگام فوت ابو عبد الرحمن سلمی با جماعتی برای امید و آرامش بخشیدن به او به نزدش رفتیم ابو عبد الرحمن

سلمی گفت: من به پروردگارم امیدوارم چرا که ۸۰ رمضان روزه گرفتم. سفیان از عطاء بن سائب از ابو عبد الرحمن می گوید: «من اکراه دارم که بگویم: (اسقطت)، و لیکن می گویم: (اغفلت)». سائب می گوید: «بر ابو عبد الرحمن داخل شدم در حالی که غلام، او را دشنام می داد. به او گفتم: آیا غلام، تو را دشنام می دهد، گفت: شنیدم از عبد الله که گفت: اهمیت قرائت عاصم به روایت حفص، ص: ۹۴ ان الله لم ينزل داء الا أنزل له شفاء.» (۱) برقی در رجالش ابو عبد الرحمن را از خواص امیر المؤمنین - علیه السلام - شمرده است. رجال و روات ابو عبد الرحمن در قرائت ابو عبد الرحمن، قرائت را از علی بن ابی طالب - علیه السلام - عبد الله بن مسعود، زید بن ثابت و ابی بن کعب فرا گرفته است و بر عاصم و عطاء بن سائب، ابو اسحاق بن ابی لیلی، محمد بن ابی ایوب، ابو عون محمد بن عبید الله ثقفی، عامر شعبی، اسماعیل بن ابی خالد و امام حسن - علیه السلام - و حسین - علیه السلام - عرضه کرد. حجاج بن محمد گفت که شعبه گفته است: «ابو عبد الرحمن سلمی قرآن را از عثمان نشنیده و لیکن از امیر المؤمنین - علیه السلام - شنیده است.» صاحب کتاب (تاریخ بغداد) به شیوخ ابی عبد الرحمن اضافه می کند: حذیفه بن یمان و ابو موسی اشعری. همچنین به روات او اضافه می کند: «سعد بن عبیده و سعید بن جبیر و ابراهیم النخعی و ابا حصین و مسلم البطین و ابو اسحاق الهمدانی و اسماعیل السدی.» (۲) «حوزه ابو عبد الرحمن سلمی پس از وفات عبد الله ابن مسعود، ابو عبد الرحمن سلمی قاری کوفه شد. او تا مدت ۴۰ سال در مسجد کوفه به مردم قرائت می آموخت. در ایام خلافت عثمان قاری قرآن بود، تا اینکه هنگام حکومت شبر بر عراق درگذشت (۱) طبقات الکبری،

ج ۶، ص ۱۷۴. (۲) تاریخ بغداد، ج ۹، ص ۴۳. اهمیت قرائت عاصم به روایت حفص، ص: ۹۵

## نتیجه گیری

نتیجه گیری ابو عبد الرحمن سلمی، استاد عاصم بن ابی النجود و از اصحاب امیر المؤمنین - علیه السلام - بوده است. او قرآن را از علی بن ابی طالب - علیه السلام - اخذ کرده است. علاوه بر ابو عبد الرحمن، عاصم قرآن را بر زر بن حبیش نیز عرضه کرده است. شیخ طوسی، زر بن حبیش را از اصحاب امیر المؤمنین - علیه السلام - دانسته است. اهمیت قرائت عاصم به روایت حفص، ص: ۹۷

## فصل هفتم زر بن حبیش

### زر بن حبیش

زر بن حبیش نام او زر بن حبیش بن حباشه بن اوس بن بلال یا هلال بن جعاله بن نصر بن غاضره اسدی است. در حواشی تهذیب التهذیب از مغنی نقل می کند: «زر به کسر زاء و شدت راء و حبیش مضمومه و فتح موحد، شهید ثانی در حاشیه گفته است به شین معجمه.» اما نسبت او به اسدی به اسد بن خزیمه می رسد، همان طور که سمعانی در الانساب تصریح کرده و ابن حجر در تهذیب التهذیب و ابن سعد در طبقات این مطلب را ذکر کرده اند. پس بنی اسد دو قبیله بوده اند: اسد بن خزیمه و اسد بن عبد الغری. زر، دوران جاهلیت را درک کرده است. پیامبر را ندیده ولی از بزرگان تابعین بوده و از افراد مورد وثوق حضرت علی - علیه السلام - بوده است. (۱) زر بن حبیش یکی از اعلام است. او قرآن را از حضرت علی - علیه السلام -، عبد الله بن مسعود و عثمان بن عفان اخذ کرده است. عاصم بن ابی النجود، یحیی بن وثاب و سلیمان الاعمش قرآن را بر او عرضه کردند. عاصم گفته است: «هیچ کس جز ابو عبد الرحمن سلمی، حرفی از قرآن را بر من اقرار نمود من پس از اقرار سلمی قرائت خود را بر زر بن حبیش عرضه نمودم. او در علم عربی از همه برتر بود (۱)»

نقل از «التیسیر». اهمیت قرائت عاصم به روایت حفص، ص: ۱۰۰

## اقوال علما در مورد زر بن حبیش

### اشاره

اقوال علما در مورد زر بن حبیش عاصم گفته است: هیچ کس جز عبد الله بن مسعود، زر را اقراء نکرده است. شیخ طوسی، در رجال خود او را از اصحاب علی - علیه السلام - به حساب آورده و گفته که او فاضل بوده است. علامه، در خلاصه و ابن داود در قسم اول رجالش او را یاد کرده و گفته‌اند، او ممدوح است. ابو بکر بن عیاش از عاصم ابی بن النجود نقل کرده است که زر علوی بوده است. ابن سعد گفته است که زر ثقه بوده و حدیث بسیار نقل کرده است. خلیفه بن خیاط گفته است: «زر از تابعین کوفه است. زر از امیر المؤمنین - علیه السلام - روایت کرده است: «لا یحبنی الا مؤمن و لا یبغضنی الا منافق» عاصم بن ابی النجود از زر بن حبیش از عبد الله بن مسعود و او از پیامبر - صلی الله علیه و آله - نقل کرده است که پیامبر فرمود: «زمانی که دیدی معاویه بن ابی سفیان بر منبر من خطابه می‌کند، گردنش را بزَن». صالح بن احمد گوید، پدرم گفت: «زر شیخ قدیم است و از ثقات امیر المؤمنین - علیه السلام - است و یحیی بن معین او را توثیق کرده است». یحیی بن آدم از ابی بکر و او از عاصم نقل کرده است که گفت: «زر بن حبیش بزرگتر از ابی وائل است. زمانی که هر دوی آنها با هم بودند ابو وائل نزد زر حدیث نمی‌کرد. زر علی - علیه السلام - را دوست داشت و ابو وائل عثمان را دوست داشت.» زکریا بن حکیم الحبطی از شعبی نقل می‌کند: «زر به عبد الملک بن مروان مکتوبی نوشت و او را موعظه کرد.» زر بن حبیش نقل می‌کند که شنیدم علی - علیه السلام - فرمود: «الذی فلق الحبه و برأ النسمه و تردی بالعظمه انه لعهد النبی الامی الی انه لا یحبک الا مؤمن و لا یبغضک الا منافق». این حدیث صحیح و متفق علیه است. اهمیت قرائت عاصم به روایت حفص، ص: ۱۰۱

### رجال زر:

رجال زر: سید محسن امین، در اعیان الشیعه گفته است: روایت کرده زر بن حبیش از عمر، علی بن ابی طالب - علیه السلام -، عبد الله بن مسعود، عبد الرحمن بن عوف، ابی بن کعب، حذیفه بن الیمان، ابو وائل، زید، عثمان، ابوذر، سعید بن زید و صفوان. زبید صاحب کتاب تمهید گفته است: او قرائت را از علی بن ابی طالب - علیه السلام - و عبد الله بن مسعود فرا گرفت. (۱)

ص ۱۸۹. اهمیت قرائت عاصم به روایت حفص، ص: ۱۰۳

### فصل هشتم حفص

#### حفص

حفص ابو عمرو حفص بن سلیمان بن مغیره بزاز اسدی کوفی مشهور به حفص بوده است. او را ربیب یعنی فرزند همسر عاصم می‌دانند. وی در سال ۹۰ (ه. ق.) بدنیا آمد. چنانکه می‌نویسند: «حفص پنج آیه - پنج آیه، قرائت را از عاصم اخذ کرده بود. همانند کودکی که قرآن را از استاد خود می‌آموزد، قرآن را از او فرا گرفت.» زنجانی حفص را این گونه می‌شناساند: «او مردی عالم، عامل و آگاه‌ترین اصحاب عاصم نسبت به قرائت او بوده است.» چنانکه ابن معین می‌گوید: «روایت و نقل صحیح قرائت به وسیله حفص انجام گرفته است. اگر چه آرا و نظریات علما درباره حفص دچار نوعی اضطراب و تردید است، ولی در امر قرائت، فردی مورد اعتماد و بر حسب شواهد فراوان، شخصیتی مقبول و پذیرفته است.» ابو بکر خطیب می‌نویسد: «پیشینیان حفص را از لحاظ

حافظه قوی‌تر از ابو بکر بن عیاش می‌دانند و معتقد بودند که او همه وجوه قرائت عاصم را درست ضبط نموده و در خاطر داشته است. وی، از نظر سنّی از ابو بکر بزرگتر بود، ولی در برابر شهرت و نفوذ او در کوفه جای عرض اندام نمی‌دید. وی مدتی در مکه و زمانی نیز در بغداد به اقرار نشست. دقیق‌ترین روایات از عاصم، روایات حفص شمرده شده است. ابن منادی، مقری معروف گوید: «او بارها بر عاصم قرآن را قرائت کرد و اهمیت قرائت عاصم به روایت حفص، ص: ۱۰۶ پیشینیان او را در حفظ از ابو بکر بالاتر می‌شناسند و او را به ضبط دقیق حروفی که بر عاصم قرائت می‌کرد، توصیف می‌کنند.» ابو هشام رفاعی نیز می‌گوید: کان حفص اعلمهم بقراء «۱» حفص، مردم را در مکه، بغداد و کوفه اقرار می‌کرد. وی تشیع خود را از شیخ خود عاصم گرفت. شیخ ابو جعفر طوسی او را از اصحاب امام صادق - علیه السلام - شمرده است. قرائتی را که عاصم به حفص آموخت، همان قرائتی است که از ابو عبد الرحمن سلمی آموخته و ابو عبد الرحمن نیز از علی - علیه السلام - فرا گرفته است. حفص، برای همیشه در بین قاریان مقامی والا دارد. زیرا قرائت او قرائت متداول و متعارف بین مسلمانان است. قرائت عامه، بر مبنای قرائت اوست. وی پس از گذراندن ۹۰ سال عمر بر برکت در سال ۱۸۰ (ه. ق.) در گذشت. ذهبی می‌گوید: «حفص، در نقل حدیث حافظه خوبی نداشت ولی در قرائت قرآن مورد اطمینان بود. وی قرائت را ضبط و حفظ می‌نمود. وی چنین گفته است که در امر قرائت با عاصم هیچ مخالفتی ننموده است مگر در یک حرف از سوره روم اللّٰه الذی خلقکم من ضعف که حفص کلمه (ضعف) را با ضم ولی عاصم با فتح آن را قرائت نموده است. «۲» عاصم گفت: آنچه که به تو اقرار کردم آن بود که ابو عبد الرحمن بر من اقرار کرد. او از علی بن ابی طالب گرفته است.» «۳»

### اقوال علما درباره حفص

اقوال علما درباره حفص علما درباره حفص نظرات مختلفی ارائه داده‌اند که به ذکر بعضی از آنها می‌پردازیم. ابن ابی حاتم از عبد اللّٰه بن احمد حنبل نقل می‌کند که از قول پدرش گفته (۱) غایة النهایة، ج ۱، ص ۲۵۴. (۲)

البیان، ص ۱۷۰. (۳) غایة النهایة، ص ۲۵۴. اهمیت قرائت عاصم به روایت حفص، ص: ۱۰۷ است: «حفص متروک الحدیث و غیر قابل اعتماد است.» ابن مدینی می‌گوید: «رجال شناسان او را ترک نموده‌اند.» و مسلم می‌گوید: «او متروک است.» و نسائی می‌گوید: «او مورد اعتماد نیست و حدیث‌های او نوشته نمی‌شود.» صالح بن محمد می‌گوید: «احادیث او قابل نوشتن نیست. اما ذهبی می‌گوید: «قرائت حفص ثابت است و ثقه، بر خلاف حال او در حدیث، است.» ابن منادی می‌گوید: «حفص چندین بار قرائت خود را بر عاصم عرضه کرد و او از نظر حفظ از ابو بکر بن عیاش بالاتر بود.» «۱» حفص، ربیب عاصم بود. با او در یک منزل فرود می‌آمد. شیخ ابو جعفر طوسی در کتابش او را از اصحاب امام صادق - علیه السلام - به حساب آورده است. ساجی از احمد بن محمد بغدادی و او از ابن معین نقل می‌کند که گفت: «حفص و ابو بکر عالمترین مردم به قرائت عاصم بودند و حفص عالم‌تر بود.» ایوب بن متوکل گفته است: «قرائت ابو عمرو بزاد صحیح‌تر از ابو بکر است و ابو بکر موثق‌تر از ابو عمرو است.» صاحب کتاب المهدب فی القراءۃ العشر می‌گوید: «حفص، ثقه بوده است. ابو زرعه نیز گفته او در قرائت مردی ثقه است.» (۱) النشر فی قراءات النشر، ج ۱، ص

۱۵۶. اهمیت قرائت عاصم به روایت حفص، ص: ۱۰۸

### نتیجه گیری

نتیجه گیری یکی از دو راوی عاصم حفص بن سلیمان است. حفص در امر قرائت فردی مورد اعتماد و شخصیتی مقبول است و تشیع

خود را از عاصم گرفته است. شیخ جعفر طوسی او را از اصحاب امام صادق - علیه السلام - معرفی کرده است. طبق رأی بزرگان حفص از نظر حفظ از ابو بکر بن عیاش بالاتر بوده است. اهمیت قرائت عاصم به روایت حفص، ص: ۱۰۹

## فصل نهم ابو بکر بن عیاش

### ابو بکر بن عیاش

ابو بکر بن عیاش ابو بکر بن عیاش بن سالم الخياط الاسدي الکوفی یکی از ارباب حدیث و از علما و مشاهیر و یکی از دو راوی عاصم است. گفته‌اند که هرگز از تلاوت قرآن مجید فتور و کسالت نمی‌یافت. او در مدت عمر خود دوازده هزار بار کلام الله را ختم کرد و به قولی بیست و چهار هزار بار. حکایت انکار او بر موسی بن عیسی که قبر امام حسین - علیه السلام - را خراب کرد، در آخر مجلد دهم بحار الانوار مسطور است. هیجده روز بعد از فوت هارون الرشید در سنه ۱۹۳ در کوفه وفات یافت. حکایت شده که او از زهاد و پرهیزگاران و عابدان بود. «۱» هنگام مرگ خواهرش بر او می‌گریست و او گفت: «خواهر گریه نکن. به آن زاویه نگاه کن من در آن جا ۱۸ هزار بار قرآن را ختم کردم.» ابن جزری، درباره او می‌گوید: «ابو بکر بن عیاش قرائت خویش را سه بار بر عاصم عرضه نمود و بر عطاء بن سائب و اسلم منقری نیز عرضه داشت. او حدود یک قرن عمر نمود، ولی هفت سال و بنا به نقل دیگر، بیش از ۷ سال قبل از فوتش دست از قرائت کشید و با قرائت فاصله گرفت.» او پیشوای بزرگ در قرائت و از پیشوایان اهل سنت بوده است. پس از وفات (\_\_\_\_\_ ) از (۱)

کتاب هدیه الاحباب تألیف عالم جلیل و محدث فاضل، حاج شیخ عباس قمی نقل شده است. اهمیت قرائت عاصم به روایت حفص، ص: ۱۱۲ عاصم (در سال ۱۲۷ ه. ق.) ریاست حوزه قرائت، به ابو بکر شعبه بن عیاش رسید که آن زمان ۳۳ ساله بود و تا آخر عمرش (سال ۱۹۳) حدود ۵۸ سال فعال بود. آنچه در میان آرا و نظریات اهل فن، درباره ابو بکر به چشم می‌خورد، این است که غالباً او را دارای حافظه‌ای قوی ندانسته‌اند. بلکه به او نسبت لغزش و اشتباه و اضطراب داده‌اند. مثلاً ابو نعیم در طبقات القراء آورده است: «در میان استادان هیچ کس بیش از ابو بکر گرفتار اشتباه نبوده است.» و نیز بزاز اسدی گفته: «او حافظ و ضابط در حدیث نبوده است.» و همچنین ابن ابی حاتم می‌گوید: «از پدرم درباره ابو بکر بن عیاش و ابی الاحوص سؤال کردم گفت: یقیناً صحت این دو را اقرار ندارم.»

### اقوال علما درباره ابو بکر

#### اشاره

اقوال علما درباره ابو بکر عبد الله بن احمد از پدرش نقل می‌کند که گفت وی ثقه است. عثمان دارمی گفته است وی در حدیث موثق نیست. ابن سعد گفته است: «او فردی راستگو و موثق است و عارف به حدیث و علم، جز اینکه زیاد اشتباه می‌کند.» یعقوب بن شیبه گفته است، در حدیث او اضطراب است. ابو نعیم گفته است: «در میان بزرگان کسی به اندازه ابو بکر اشتباه نکرده است.» یحیی بن معین گفت او ثقه است. مهنا بن یحیی از احمد بن حنبل نقل می‌کند که گفت: «ابو بکر بسیار زیاد اشتباه می‌کرد.» علی بن مدینی گفت از یحیی قطان شنیدم که می‌گفت: «اگر ابو بکر نزد من باشد چیزی از او سؤال نمی‌کنم.» ابو بکر به عدم ضبط حدیث متهم بود، بر خلاف دوستش که به حفظ حدیث معروف بود. ابو بکر می‌گفت: من نصف اسلامم! ابو حاتم گفت از علی بن صالح انماطی از ابابکر بن عیاش شنیدم که می‌گفت: اهمیت قرائت عاصم به روایت حفص، ص: ۱۱۳ «قرآن کلام خداست که به جبرئیل القاء کرده است و جبرئیل به رسول الله القاء فرمود.» برقانی از قول یزید بن هارون گوید: «ابو بکر عیاش فاضل و نیکو بود و پهلوی

خود را ۴۰ سال بر زمین نگذاشت.» اخنسی به نقل از ابو بکر گفت: «به خدا قسم اگر بدانم که کسی حدیثی را در مکانی دور و چنین و چنان طلب کند به سراغ او می‌روم تا او را حدیث کنم.»

### رجال و روایات ابی بکر در قرائت:

رجال و روایات ابی بکر در قرائت: ابو بکر، قرآن را سه بار بر عاصم عرضه کرد و قرآن را پنج آیه - پنج آیه از او فرا گرفت. همانگونه که کودک از معلم خود فرا می‌گیرد. ابو بکر عیاش بر عطاء بن سائب و اسلم بن منقری و ابو یوسف یعقوب بن خلیفه اعشی و عبد الرحمن ابن ابی حماد و عروه بن محمد اسدی و یحیی بن محمد علیمی و سهل ابن شعیب عرضه کرد. ذهبی گفته است: «گروهی قرآن را بر ابی بکر عرضه کردند. از جمله: ابو الحسن کسائی (در حالی که کسائی قبل از او مرده بود)، یحیی علیمی و ابو یوسف اعشی، عبد الحمید بن صالح برجمی، عروه بن محمد اسدی و عبد الرحمن بن ابی حماد.» اهمیت قرائت عاصم به روایت حفص، ص: ۱۱۴

### نتیجه گیری

نتیجه گیری ابو بکر بن عیاش یکی از دو راوی عاصم است. او پیشوای بزرگ در قرائت و از پیشوایان اهل سنت بوده است و پس از عاصم ریاست حوزه قرآنی کوفه را مدت ۵۸ سال بعهده داشت. ابو بکر در قرائت صاحب اختیار بوده است. اهمیت قرائت عاصم به روایت حفص، ص: ۱۱۵

### فصل دهم مقایسه روایات حفص و شعبه

#### اسناد قرائت عاصم

اسناد قرائت عاصم یگانه قرائتی که دارای سند صحیح و بر پشتوانه جمهور استوار می‌باشد، قرائت حفص است که در طی قرون گذشته تا امروز میان مسلمانان متداول بوده است و هست. آن به چند سبب است: ۱- سند طلایی را داراست زیرا حفص، از عاصم و او از عبد الرحمن سلمی و او از مولی امیر المؤمنین - علیه السلام - نقل کرده است. رجال آن نیز تماما از بزرگان طائفه و مورد ثقه و اطمینان امت بوده‌اند. ۲- توافق آن با قرائت همگانی و جماهیر مسلمانان است. زیرا عاصم، سعی بر آن داشت که محکمترین و استوارترین قرائت‌ها را که از طریق صحیح و اطمینان بخش بدست آورده بود، به حفص تعلیم دهد و راه بدست آوردن قرائت همگانی موروثی راهی است که عاصم انتخاب کرده بود. او از مکتب امیر المؤمنین - علیه السلام - درس گرفته بود. بنابر این، عاصم با یک واسطه شاگرد اول آن مکتب و دست پرورده و باب مدینه علم پیامبر عظیم الشان اسلام بود. بعد از پیامبر، اولین و بزرگترین معلم قرآن، امیر المؤمنین است. اوست که مشمول وحی تسویدی الهی و صاحب قوه قدسیه عصمت است. به همین دلیل مقام آن حضرت در تمام ابعاد وجودی، علمی و تقوایی، با سایر صحابه، به هیچ وجه قابل مقایسه نیست. مطالعه دقیق در زندگی نورانی و آثار درخشان آن حضرت - علیه السلام - در کتب اهمیت قرائت عاصم به روایت حفص، ص: ۱۱۸ عامه و خاصه و گاهی گواهی غیر مسلمانان این ادعا را به وضوح ثابت می‌کند. بدون شک، انبیا و اولیای الهی بر اساس مقام والای تقوی و یقین و به سبب الهامات و افاضات پروردگار، قادر به شهود و رؤیت عوالم عالیه غیر مادی و درک حقایق و بواطن امور هستند که از دیدگان حس انسان خارج می‌باشد. این است که پیامبر - صلی الله علیه و آله - و امامان معصوم - علیهم السلام - به سبب داشتن مقامات الهی (عصمت و علم غیب) آگاه به حقایق آیات تکوین و آیات تشریح قرآن کریم هستند، یعنی هم بواطن و (ملکوت) آسمان و زمین و

هم بواطن قرآن مجید را درک و دریافت می‌کنند. همان گونه که قرآن کریم ملکوت آسمان و زمین را به پیامبرش، ابراهیم خلیل، نشان داد. «۱» وَ كَذَلِكَ نُرِي إِبْرَاهِيمَ مَلَكُوتَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ لِيَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ. «۲» پروردگار جهانیان نیز، سرور کائنات و اشرف مخلوقات حضرت مصطفی - صلی الله علیه و آله - را برای مشاهده آیات الهی به معراج می‌برد: سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى الَّذِي بَارَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ مِنْ آيَاتِنَا إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ. «۳» پس از آنکه چنین مشاهدات را پیامبر گرامی انجام داد خداوند فرمود: لَقَدْ رَأَى مِنْ آيَاتِ رَبِّهِ الْكُبْرَى. «۴» با توجه به مطالب مذکور مسلم است که پیامبر - صلی الله علیه و آله - که رابط وحی الهی بودند می‌شنیدند، آنچه که دیگران نمی‌شنیدند. می‌دیدند آنچه دیگران نمی‌دیدند. از این حقیقت در مورد مقام عالی امام علی - علیه السلام - بهره می‌گیریم. اینجاست که پیامبر درباره مقام والای الهی و ماورائی علی - علیه السلام - فرمودند: أَنْتَ كَتَمْتَ مَعَنَا سِرًّا مَعَنَا نَرَى مَا نَرَى أَلَمْ نَلْسِتْ بِنَبِيِّ (۱) تاریخ تفسیر قرآن کریم، جلالی.

(۲) سوره انعام، آیه ۷۵. (۳) سوره اسراء، آیه ۱. (۴) سوره نجم، آیه ۱۸. اهمیت قرائت عاصم به روایت حفص، ص: ۱۱۹ «ای علی، بدرستی که تو می‌شنوی آنچه که من می‌شنوم و تو می‌بینی آنچه را که من می‌بینم جز آنکه پیامبر نیستی.» «۱» قال النبی - صلی الله علیه و آله - انا مدینه العلم و علی بابها علی مع القرآن و القرآن مع العلی. «۲» و علی - علیه السلام - در مقام الهی خود در مرتبه یقین فرمود: لو كشف الغطاء ما زددت يقينا. «۳» اگر همه پرده‌های مادی کنار رود ذره‌ای به یقین من افزوده نخواهد شد. و نیز آن حضرت در خطبه‌ای خطاب به کمیل فرمود: ها ان هینا لعلما جمًا (و اشار بیده الی صدره) لو اصبحت له حمله ای کمیل درون سینه من دانش فراوانی انباشته شده است کاش کسانی را پیدا می‌کردم که تاب تحمل آن را داشته باشند. «۴» جلال الدین سیوطی آورده: عن ابی الطفیل قال: شهدت علیا - علیه السلام - یخطب و هو یقول: سلونی فوالله لا تسالونی عن شی الا اخبرتکم و سلونی عن کتاب الله فوالله ما من آیه الا وانا اعلم بلیل نزلت ام بنهار ام فی سهل ام فی جبل. از ابو طفیل نقل شده که گفت: دیدم علی - علیه السلام - سخنرانی می‌کرد و می‌گفت: «از من پرسید. پس به خدا سوگند هر آنچه از من پرسید، به شما خبر می‌دهم. از من درباره کتاب خدا پرسید. به خدا سوگند هیچ آیه‌ای نیست، مگر اینکه می‌دانم در شب نازل شده است یا در روز و در دشت فرود آمده است یا در (۱) انقلاب و پیامبری

جلال الدین فارسی. (۲) کنز العمال، ج ۲، ص ۲۰۱. (۳) ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، محمد تقی جعفری، ج ۱. (۴) نهج البلاغه، خطبه ۱۴۰ فیض، ۱۴۷ صبحی صالح. اهمیت قرائت عاصم به روایت حفص، ص: ۱۲۰ کوه. «۱» با توجه به توضیحات بالا - و شاگردی ابو عبد الرحمن سلمی نزد امیر المؤمنین - علیه السلام - و شاگردی عاصم نزد ابو عبد الرحمن، برتری قرائت عاصم بر دیگران به وضوح آشکار می‌شود. ۳- سؤمین مزیت قرائت عاصم بر قاریان دیگر، دقت عاصم در فراگیری قرائت است. عاصم شخصا دارای ویژگیهای بخصوصی بود که او را در میان مردم معروف ساخته بود و مورد اطمینان همگان بود. هر قرائتی را فرا می‌گرفت آن را بر عده‌ای از صحابه و تابعین جلیل القدر عرضه می‌داشت و تا اطمینان کامل به صحت آن قرائت پیدا نمی‌کرد، آن را نمی‌پذیرفت. «۲» در تمامی ادوار تاریخ، قرائت عاصم به عنوان قرائت برتر تلقی شده بود. لذا در حلقه تعلیم قرائت، ابن مجاهد، ۱۵ نفر را مخصوص قرائت عاصم گماشته بود و استاد قرائت ابراهیم بن محمد معروف به نبطویه (م. ۳۲۳) هر گاه برای قرائت عاصم جلوس می‌کرد. به قرائت عاصم ابتدا می‌نمود.

سند قسطلانی قرائت عاصم

سند قسطلانی قرائت عاصم اسناد قرائت از جمله مطالبی است که مورد توجه علما بوده است. شهاب الدین قسطلانی، در کتاب خود ضوء القراءات القرآنیه، اهمیت این علم را چنین بیان کرده است: «علم اسناد بزرگترین محور فن قرائت است. زیرا قراءات به شیوه سنتی پیروی شده‌اند و صرفاً بر پایه نقل استوار است». لذا، گریزی جز اثبات و صحت آن نیست. صحت و اثبات آن جز از طریق اسناد ممکن نیست. از این رو است که شناخت علم قرائت بر پایه درک اسناد بنا شده است. انواع اسناد چنانچه قسطلانی تقسیم کرده، عبارت است از (۱) اتقان، ج

۲، ص ۱۸۷. (۲) معرفه القراء الکبار، ج ۱، ص ۷۵. اهمیت قرائت عاصم به روایت حفص، ص: ۱۲۱

### ۱- اسناد صحیح:

۱- اسناد صحیح: صحیح، اسناد متصلی است که به نقل عدل ضابط، ثقه و متقن از مانند خود تا پایان سند قبلی بدون هیچ شذوذ و علت مضّر باشد. «۱» منظور از اسناد متصل این است که هیچ افتادگی و حذفی در میان راویان نباشد و هر یک از روات، آن قرائت را بی واسطه، از شیخ و استاد خویش گرفته باشند.

### ۲- اسناد حسن:

۲- اسناد حسن: اسناد حسن، اسنادی است که مخرج آن معروف است به اینکه شامی، عراقی، مکی و یا کوفی است. رجال آن به عدالت و ضبط مشهور باشند. البته عدالت و ضبطی که حد وسط صحیح و ضعیف و شاذ و معلّل نباشد. منظور از مخرج یا مخرج آن است که معمولاً به صاحب یکی از صحاح یا دیگر کتب معروف حدیث اطلاق می‌شود که به عنوان مرجع حدیث از او نقل می‌شود. بنابر این، مخرج کسی است که حدیث را در کتاب خود آورده باشد. مانند: کلینی و طوسی.

### ۳- اسناد ضعیف:

۳- اسناد ضعیف: اسنادی است که فاقد یکی از شروط پنج گانه اسناد صحیح باشد. (صحیح، حسن، موثق، قوی) در آن جمع نباشد ولی گاهی بر روایت مجروح اطلاق شده است. «۲» جرح در مقابل تعدیل استعمال می‌شود. مراد از جرح، وجود صفتی است که حدیث را از درجه صحت پایین آورده است و موجب ضعف گردد. الفاظ جرح راوی عبارت است از: ضعیف، مضطرب، غال، مرتفع العقول، متهم و ساقط. بدین ترتیب ۵ شرط برای اسناد صحیح در تعریف لحاظ شده است: هو المتصل الاسناد بنقل عدل ضابط، ثقه، متقن عن مثله الی منتهاه غیر شذوذ و لا عله قاده. (۱) مقیاس الهدایه. (۲) درایه شهید

ثانی، ص ۲۸. اهمیت قرائت عاصم به روایت حفص، ص: ۱۲۲ یعنی: ۱- اتصال سند. ۲- نقل ضابط ثقه. ۳- عدل ضابط ثقه. ۴- وجود شروط ۲ و ۳ تا انتهای سند. ۵- نبود شذوذ و علت. سند قرائت عاصم سند عالی است و تنها با یک واسطه به علی ابن ابی طالب- علیه السلام- و از آن حضرت به رسول خدا- صلی الله علیه و آله- منتهی می‌شود. البته لازم به توضیح است که سند قرائت ابن عامر نیز از قلت وسایط بهره‌مند است ولی تنها با واسطه عثمان بن عفان به رسول خدا- صلی الله علیه و آله- منسوب شده است. در توصیف مقام علمی و دینی عاصم، علاوه بر مطالب گذشته، ذکر این نکته نیز ضروری و قابل توجه است که ابان بن تغلب قرآن را بر عاصم خوانده است. وی، اولین کسی است که در علم قرائت کتاب نگاشت. ابن الندیم، در فهرست خود ذیل شرح حال ابان از کتب او نام می‌برد و می‌گوید: له من الکتب: کتاب معانی القرآن، لطیف، کتاب القراءات، کتاب من الاصول فی الروایه علی مذهب الشیعه. نجاشی، نیز در ترجمه احوال ابان از کتاب القرائه او یاد کرده است. ابان در سال ۱۴۱ یعنی ۸۳ سال پیش از ابو عبیده

قاسم بن سلّام از دنیا رفت. (ذهبی قاسم ابن سلّام را نخستین مدوّن قرآن می‌داند).

### ترجیح روایت حفص بر ابو بکر

ترجیح روایت حفص بر ابو بکر در غایه‌النهاییه آمده است: روایت حفص از عاصم همان قرائت عامه است که قرائت همه صحابه بوده و همواره در زمان پیامبر-صلی الله علیه و آله- و پس از اهمیت قرائت عاصم به روایت حفص، ص: ۱۲۳ رحلت ایشان، تا کنون به عنوان متن قرآن شناخته شده است و قرائت مختلف با آن سنجیده می‌شود. «۱» روایت حفص از جهات لغوی، نحوی، بلاغی و تفسیری بر دیگر قرائت حتی روایت ابو بکر از عاصم ترجیح است. از آنچه گذشت نتیجه می‌گیریم که دو عامل، دلیل برتری قرائت عاصم بر دیگر قاریان بوده است ۱- خصوصیات علمی و دینی عاصم. ۲- اسناد قرائت. این دو عامل در ترجیح روایت حفص بر روایت شعبه از عاصم قابل پیگیری و اثبات است. چنانکه ذکر شد، شخصیت علمی حفص بر ابو بکر ترجیح دارد. زیرا که او را اضط از ابو بکر دانسته‌اند و روایت او را دقیق‌ترین روایات دانسته‌اند و بعلاوه حفص داعیه اختیار نداشته است و تنها آنچه را از استادش آموخته است، عیناً قرائت کرده است. به این ترتیب، در تمام دوره‌های تاریخ، قرائت عاصم به روایت حفص قرائتی بوده که بر همه قرائتها برتری داشته است. دلیل سومی نیز باعث این ترجیح است. آن اینکه عاصم اختصاصاً، اسناد طلایی و عالی قرائت خود را به حفص منتقل کرده است. این فضیلت بزرگی است که حفص در بین قراء بدان ممتاز است. پس روایت حفص از عاصم روایت ناب شیعی است وقتی تاریخ قرآن مجید را بررسی کنیم، می‌بینیم نص کنونی با وضع موجود، اساساً حاصل تلاش‌های شیعه است. البته باید نقش ائمه شیعه، قراء، حفاظ و هنرمندان شیعه را در طول تاریخ نسبت به مصحف در نظر داشت. اولین کسی که فکر جمع آوری قرآن را پس از رحلت رسول اکرم-صلی الله علیه و آله- داشت، امیر المؤمنین-علیه السلام- بود. اگر چه قرآن او را رد کردند. اول کسی (\_\_\_\_\_ ۱) معرفه القراء، ج ۱، ص ۲۵۴. اهمیت قرائت عاصم به روایت حفص، ص: ۱۲۴ که توحید مصحف‌ها را در عهد عثمان مطرح کرد حذیفه بن الیمان از اصحاب مخلص علی-علیه السلام- بود. متصدی املای قرآن برای کمیته استنساخ مصحف‌های یگانه، ابی بن کعب از یاران علی-علیه السلام- بود. شکل‌گذاری، نقطه و اعجام مصحف به دست ابو الاسود دؤلی و دو شاگرد او مضر بن عاصم و یحیی بن یعمر صورت گرفت که به فرمان امیر المؤمنین علی-علیه السلام- بود. اول کسی که در کتابت مصحف و تجوید خط آن اقدام کرد، خالد بن ابی الهیاج از اصحاب حضرت علی-علیه السلام- بود. چهار تن از قراء سبعة شیعی بودند. به علاوه گروهی از ائمه قراء بزرگ از شیعیان به شمار می‌روند. از جمله: ابن مسعود، ابی بن کعب، ابو الدرداء، مقداد، ابن عباس، ابو الاسود، ابن السائب، سلمی، زر بن حبیش، سعید بن جبیر، مضر بن عاصم، یحیی بن یعمر، عاصم بن ابی النجود، حمران بن اعین، ابان بن تغلب اعمش، ابو عمرو بن العلاء، حمزه، کسائی و حفص بن سلیمان. اهمیت قرائت عاصم به روایت حفص، ص: ۱۲۵

### مقایسه بین روایت حفص و روایت ابن شعبه «۱»

#### اشاره

مقایسه بین روایت حفص و روایت ابن شعبه «۱» سوره/ حفص/ ابن شعبه/ اختلاف این دو روایت بقره/ ۵۱/ ثم اتخذتم/ ثم اتختم/ ح- عدم ادغام، ش- ادغام ۶۷/ ۲/ هزوا/ هزء/ ح- با واو، ش- با همزه ۸۰/ ۲/ اتخذتم/ اتختم/ ح- عدم ادغام، ش- ادغام ۸۵/ ۲/ تعملون اولئك/ يعملون اولئك/ ح- با تاء، ش- با یاء ۹۷/ ۲/ جبریل/ جبرئیل/ ح- با کسر جیم و سکون یاء/// ش- به فتح جیم و راء و کسر همزه بدون یاء ۹۸/ ۲/ میکال/ میکائیل/ ح- بدون همزه، ش- با بودن همزه و یا بعد آن ۱۲۴/ ۲/ عهدی/ عهدی/ ح- به

سکون یاء، ش- با یاء مفتوحه ۱۲۵/۲ بیٹی/ بیٹی/ ح- به یاء مفتوحه، ش- به سکون یاء ۱۴۰/۲ ام تقولون/ ام یقولون/ ح- با تاء، ش- با یاء ۱۴۳/۲ لرءوف/ لرءوف/ ح- با واو، ش- بدون واو ۱۶۸/۲ خطوات/ خطوات/ ح- به ضم طاء، ش- به سکون طاء ۱۷۷/۲ لیس البرّ/ لیس البرّ/ ح- با راء مفتوحه، ش- به ضم راء ۱۸۲/۲ موّص/ موّص/ ح- با واو ساکنه، ش- با واو مفتوحه ۱۸۵/۲ اتکملا- لتکملا/ و لتکملا/ ح- با کاف ساکن، ش- با کاف مفتوحه و تشدید میم ۱۸۹/۲ البیوت/ البیوت/ ح- به ضم باء، ش- به کسر یاء ۲۰۶/۲ رءوف/ رءوف/ ح- به اثبات واو، ش- بدون واو (حرف ش مخفف از کلمه ابو بکر بن شعبه راوی قرائت عاصم است و حرف: ح مخفف از حفص بن سلیمان راوی قرائت عاصم. اهمیت قرائت عاصم به روایت حفص، ص: ۱۲۶)

### سوره/ حفص/ ابن شعبه/ اختلاف این دو روایت

سوره/ حفص/ ابن شعبه/ اختلاف این دو روایت ۲۲۱/۲ یطهرن/ یطهرن/ ح- به سکون طاء، ش- به تشدید طا و ها ۲۳۰/۲ هزوا/ هزء/ ح- به ثبوت واو، ش- به حذف واو ۲۳۵/۲ قدره/ قدره/ ح- به فتح دال، ش- به سکون دال ۲۳۹/۲ وصیئه/ وصیئه/ ح- به نصب تاء، ش- به رفع تاء ۲۴۴/۲ بیسط/ بیسط/ ح- به سین، ش- به صاد ۲۶۰/۲ جزء/ جزء/ ح- به سکون زاء، ش- به ضم زاء ۲۷۱/۲ و یکفرو/ و نکفر/ ح- با یاء، ش- با نون ۲۷۹/۲ فاذنوا/ فاذنوا/ ح- با سکون همزه و فتح ذال، ش- به فتح همزه و کسر ذال آل عمران ۱۵/۳ و رضوان/ و رضوان/ ح- به کسر راء، ش- به ضم راء ۲۷/۳ المیت/ المیت/ ح- با یاء مشدّد مکسوره، ش- با یاء ساکنه ۳۶/۳ وضعت/ وضعت/ ح- به فتح عین و سکون تاء، ش- به سکون عین و ضم تاء ۳۷/۳ و ۳۸/۳ زکریّا/ زکریّا/ ح- به حذف همزه، ش- به ثبوت همزه مضموم ۴۸/۳ فی بیوتکم/ فی بیوتکم/ ح- با ضم باء، ش- با کسر باء ۵۶/۳ فیوفیهم/ فتوفیهم/ ح- با یاء مضمومه، ش- با تاء مضمومه ۷۴/۳ یؤده/ یؤده/ ح- با هاء مکسوره، ش- با هاء ساکنه ۸۰/۳ و اخذتم/ و اختم/ ح- اظهار، ش- ادغام ۸۲/۳ یبغون/ تبغون/ ح- با یاء مفتوحه، ش- با تاء مفتوحه ۸۳/۳ یرجعون/ ترجعون/ ح- با یاء مفتوحه، ش- با تاء مفتوحه ۹۷/۳ حجّ البیت/ حجّ البیت/ ح- به کسر هاء، ش- به فتح هاء اهمیت قرائت عاصم به روایت حفص، ص: ۱۲۷

### سوره/ حفص/ ابن شعبه/ اختلاف این دو روایت

سوره/ حفص/ ابن شعبه/ اختلاف این دو روایت ۱۱۵/۳ و ما یفعلوا/ و ما تفعلوا/ ح- با یاء مفتوحه، ش- با تاء مفتوحه ۱۱۵/۳ فلن یکفروه/ فلن تکفروه/ ح- با یاء مضموم، ش- با تاء مضموم ۱۴۰/۳ قرح/ قرح/ ح- با فتح قاف، ش- با ضم قاف ۱۴۵/۳ نؤته منها/ نوته منها/ ح- با هاء مکسور، ش- با هاء ساکن ۱۵۴/۳ فی بیوتکم/ فی بیوتکم/ ح- با ضم باء، ش- با کسر باء ۱۵۷/۳ یجمعون/ تجمعون/ ح- با یاء مفتوحه، ش- با تاء مفتوحه ۱۶۲/۳ رضوان/ رضوان/ ح- با راء مکسور، ش- با راء مضموم ۱۷۲/۳ القرح/ القرح/ ح- با فتح قاف، ش- با ضم قاف ۱۷۴/۳ رضوان/ رضوان/ ح- با کسر راء، ش- با ضم راء ۱۸۷/۳ لتبیننه/ لتبیننه/ ح- با تاء مضموم، ش- با یاء مضموم ۱۸۷/۳ و لا- تکمنونه/ و لا- یکمنونه/ ح- با تاء مفتوحه، ش- با یاء مفتوحه نساء ۱۰/۱ و سیصلون/ سیصلون/ ح- با فتح یاء، ش- با ضم یاء ۱۱/۴ یوصی بها/ یوصی بها/ ح- با یاء مدی، ش- با الف مدی ۱۵/۴ فی البیوت/ فی البیوت/ ح- با ضم باء، ش- با کسر باء ۱۹/۴ مبینة/ مبینة/ ح- با یاء مکسور، ش- با یاء مفتوحه ۲۴/۴ و اّحلّ لکم/ و اّحلّ لکم/ ح- به ضم همزه، ش- به فتح همزه ۵۸/۴ نعمّا/ نعمّا/ ح- به کسر عین، ش- به سکون عین ۷۳/۴ کأن لم تکن/ کأن لم یکن/ ح- به تاء مفتوحه، ش- به یاء مفتوحه ۱۱۳/۴ نؤله/ نؤله/ ح- با هاء مکسور، ش- با هاء ساکن ۱۱۴/۴ نصله/ نصله/ ح- با هاء مکسور، ش- با هاء مضموم ۱۲۳/۴ یدخلون/ یدخلون/ ح- با فتح یاء، ش- با ضم یاء اهمیت قرائت عاصم به روایت حفص، ص: ۱۲۸

## سوره/ حفص/ ابن شعبه/ اختلاف این دو روایت

سوره/ حفص/ ابن شعبه/ اختلاف این دو روایت ۱۵۱/۴/ سوف یؤتیهم/ سوف نؤتیهم/ ح- با یاء مضموم، ش- با نون مضموم مائده/ ۲/ و رضوانا/ و رضوانا/ ح- با کسر راء، ش- به ضم راء ۲/۵ و ۸/ شنان/ شنآن/ ح- به فتح نون، ش- به سکون نون ۵/۶ و ارجلکم/ و ارجلکم/ ح- به فتح جیم، ش- به ضم جیم ۵/۳۰/ یدی الیک/ یدی الیک/ ح- با یاء مفتوحه، ش- با یاء ساکن ۵/۶۹/ رسالته/ رسالته/ ح- با لام و تاء مفتوحه و هاء مضموم، /// ش- با الف و لام مدی و تاء و هاء مکسور ۵/۹۱/ عقدتم/ عقدتم/ ح- با قاف مشدده مفتوحه، ش- با قاف مفتوحه ۵/۹۴/ تقطع بینکم/ تقطع بینکم/ ح- به فتح نون، ش- به ضم نون ۵/۱۰۹/ الذین استحقّ/ الذین استحقّ/ ح- تا و حا مفتوحه، ش- تا مضموم و حاء مکسور ۵/۱۰۹/ الاولیان/ الاولین/ ح- با واو ساکنه و لام مفتوحه و الف مدی /// ش- با واو مشدد و مفتوحه و لام مکسور با یاء مدی ۵/۱۱۱/ الغیوب/ الغیوب/ ح- با ضم غین، ش- با کسر غین ۵/۱۱۸/ امی الهین/ و امی الهین/ ح- با یاء مفتوحه، ش- با یاء ساکنه مدی انعام/ ۶/ من یصرف/ من یصرف/ ح- به ضم یاء و فتح راء، ش- به فتح یاء و کسر راء ۶/۲۳/ لم تکن فتنتم/ لم تکن فتنتم/ ح- تا مضموم، ش- تا مفتوح ۶/۲۷/ لا تکذب/ و لا تکذب/ ح- با تاء مضموم، ش- با تاء مفتوح ۶/۲۷/ و نکون/ و نکون/ ح- با فتح نون، ش- با ضم نون ۶/۳۲/ افلا تعقلون/ افلا یعقلون/ ح- با تاء مفتوحه، ش- با یاء مفتوحه ۶/۵۵/ و لتستبین/ و لتستبین/ ح- با تاء مفتوحه، ش- با یاء مفتوحه ۶/۶۳/ و خفیه/ و خفیه/ ح- با خاء مضموم، ش- با خاء مکسور اهمیت قرائت عاصم به روایت حفص، ص: ۱۲۹

## سوره/ حفص/ ابن شعبه/ اختلاف این دو روایت

سوره/ حفص/ ابن شعبه/ اختلاف این دو روایت ۶/۷۹/ وجهی للذی/ وجهی للذی/ ح- با یاء مفتوح، ش- با یاء ساکن ۶/۹۲/ لتندر/ و لینذر/ ح- با تاء مفتوح، ش- با یاء مفتوح ۶/۱۰۹/ انها اذا جاءت/ انها اذا جاءت/ ح- فتح همزه، ش- فتح و کسر همزه ۶/۱۱۴/ منزل/ منزل/ ح- تشدید زا فتح نون، ش- تسکین نون فتح زا ۶/۱۱۹/ ما حرّم/ ما حرّم/ ح- به فتح حا و تضعیف را مفتوح، /// ش- به ضم حا و تضعیف راء مکسور ۶/۱۲۵/ حرجا/ حرجا/ ح- به راء مفتوح، ش- به راء مکسور ۶/۱۲۵/ یصعد/ بصاعد/ ح- به تضعیف صاد و عین مفتوحه، /// ش- به تضعیف صاد با الف مدی و عین مفتوحه ۶/۱۲۷/ یوم یحشرهم/ یوم یحشرهم/ ح- به یاء مفتوحه، ش- به نون مفتوحه ۶/۱۳۵/ مکانتکم/ مکاناتکم/ ح- به نون مفتوحه، ش- به نون با الف مدی ۶/۱۳۹/ و ان یکن/ و ان یکن/ ح- با یاء مفتوحه، ش- به تاء مفتوحه ۶/۱۵۲/ تذکرون/ تذکرون/ ح- به تضعیف کاف، ش- به تضعیف ذال و کاف اعراف/ ۳۸/ لا- تعلمون/ لا- یعلمون/ ح- به تاء مفتوحه، ش- به یاء مفتوحه ۷/۵۴/ یغشی اللیل/ یغشی اللیل/ ح- به غین ساکن و شین مکسور، /// ش- به غین و شین مشدده مکسوره ۷/۶۹/ بسطه/ بسطه/ ح- با سین، ش- با صاد ۷/۷۴/ بیوتا/ بیوتا/ ح- با ضم باء، ش- با کسر باء ۷/۱۰۵/ معی/ معی/ ح- با یاء مفتوحه، ش- با یاء ساکنه ۷/۱۱۷/ تلقف/ تلقف/ ح- با تسکین لام و فتح قاف، /// ش- به فتح لام و به قاف مشدده مفتوحه اهمیت قرائت عاصم به روایت حفص، ص: ۱۳۰

## سوره/ حفص/ ابن شعبه/ اختلاف این دو روایت

سوره/ حفص/ ابن شعبه/ اختلاف این دو روایت ۷/۱۲۳/ امنتم/ امنتم/ ح- به الف مدی، ش- با الف مدی و همزه استفهام ۷/۱۳۷/ یعرشون/ یعرشون/ ح- به راء مکسوره، ش- به راء مضمومه ۷/۱۵۰/ ابن امّ/ ابن امّ/ ح- به فتح میم مشدده، ش- به کسر میم مشدده ۷/۱۶۴/ معذرة/ معذرة/ ح- به تنوین نصب تاء، ش- به رفع تاء ۷/۱۷۰/ یمسکون/ یمسکون/ ح- به فتح میم و تشدید سین مکسوره، /// ش- به سکون میم و کسر سین انفال/ ۱۸/ موهن کید/ موهن کید/ ح- به ضم نون، ش- به تنوین رفع نون ۸/۱۹/ و انّ

اللّه/ و ان اللّه/ح- به فتح همزه، ش- به کسر همزه ۸/ ۴۲/ من حی/ من حی/ح- به ادغام یاء، ش- به عدم ادغام ۸/ ۵۹/ و لا یحسبن/ و لا تحسبن/ح- به یاء مفتوح، ش- به تاء مفتوح توبه/ ۲۴/ عشیرتکم/ عشیراتکم/ح- به فتح راء، ش- به فتح راء با الف مدی ۹/ ۳۷/ یضَلُّ به/ یضَلُّ به/ح- به فتح ضاد و ضم لام، ش- به کسر و فتح لام ۹/ ۸۳/ معی ابداء/ معی ابداء/ح- به فتح یاء، ش- به سکون یاء ۹/ ۱۰۶/ مرجون/ مرجئون/ح- به فتح جیم و سکون واو، ش- به فتح جیم و همزه مضمومه با واو مدی ۹/ ۱۰۹/ جرف/ جرف/ح- به ضم راء، ش- به سکون راء ۹/ ۱۱۷/ کاد یزیغ/ کاد تزیغ/ح- به یاء مفتوحه، ش- به تاء مفتوحه یونس/ ۵/ یفصل/ یفصل/ح- به ضم یاء، ش- به ضم نون ۱۰/ ۲۳/ متاع الحیوة/ متاع الحیوة/ح- به فتح عین، ش- به ضم عین ۱۰/ ۳۵/ لا یهدی/ امن لا یهدی/ح- یاء مفتوحه، ش- به یاء مکسور اهمیت قرائت عاصم به روایت حفص، ص: ۱۳۱

### سوره/ حفص/ ابن شعبه/ اختلاف این دو روایت

سوره/ حفص/ ابن شعبه/ اختلاف این دو روایت ۱۰/ ۴۵/ یحشرهم/ یوم نحشرهم/ح- به یاء مفتوحه، ش- به نون مفتوحه ۱۰/ ۷۲/ اجری/ اجری/ح- به یاء مفتوح، ش- به یاء ساکن ۱۰/ ۸۷/ بیوتا- بیوتکم/ بیوتا- بیوتکم/ح- به ضم دو با، ش- به کسر دو با ۱۰/ ۱۰۰/ و یجعل/ و نجعل/ح- به یاء مفتوح، ش- به نون مفتوح ۱۰/ ۱۰۳/ ننج/ ننج/ح- جیم مکسوره، ش- تضعیف جیم مکسوره هود/ ۲۸/ فعمیت فعمیت/ح- ضم عین تشدید میم، ش- فتح عین کسر میم ۱۱/ ۴۰/ کل زوجین/ کل زوجین/ح- به تنوین جرّ لام، ش- به کسر لام ۱۱/ ۴۱/ مجریها/ مجریها/ح- به فتح میم، ش- به ضم میم ۱۱/ ۶۸/ ان ثمود/ ان ثمودا/ح- به فتح دال، ش- به تنوین نصب دال ۱۱/ ۷۱/ یعقوب/ یعقوب/ح- به فتح یاء، ش- به ضم یاء ۱۱/ ۷۱/ اصلواتک/ اصلواتک/ح- به فتح لام و الف مدی، ش- به فتح لام و واو مدی ۱۱/ ۹۲/ واتخذتموه/ واتخذتموه/ح- به اظهار، ش- به ادغام ۱۱/ ۹۳/ مکانتکم/ مکاناتکم/ح- فتح نون، ش- نون با الف مدی ۱۱/ ۱۰۸/ سعدوا/ سعدوا/ح- سین مضمومه، ش- سین مفتوحه ۱۱/ ۱۱۱/ وان کلا/ وان/ح- نون مشدده مفتوحه، ش- نون ساکنه ۱۱/ ۱۲۲/ یرجع لامر/ یرجع لامر/ح- ضم یا و فتح جیم، ش- فتح یا و کسر جیم یوسف/ ۵/ یا بنی/ یا بنی/ح- فتح یاء مشدده، ش- کسر یاء مشدده ۱۲/ ۶۲/ لفتیانہ/ لفتیئہ/ح- یا با الف مدی و نون مکسور، ش- یاء مفتوح با تاء مکسور اهمیت قرائت عاصم به روایت حفص، ص: ۱۳۲

### سوره/ حفص/ ابن شعبه/ اختلاف این دو روایت

سوره/ حفص/ ابن شعبه/ اختلاف این دو روایت ۱۲/ ۶۴/ خیر حافظا/ خیر حفظا/ح- حا با الف مدی و فاء مکسور، ش- کسر حا و سکون فا ۱۲/ ۱۰۸/ نوحی/ یوحی/ح- با نون مضموم و حاء با یاء مدی، ش- به ضم یاء و حاء با الف مدی رعد/ ۴/ و زرع نخیل/ و زرع نخیل/ح- تنوین رفع برای عین و لام. ش- تنوین جر برای عین و لام ۱۳/ ۴/ صنوان و غیر/ صنوان و غیر/ح- تنوین رفع برای نون و راء مضموم، ش- به تنوین جر برای نون و راء مکسوره ۱۳/ ۱۷/ افاتخذتم/ افاتختم/ح- به اظهار، ش- به ادغام ۱۳/ ۱۷/ هل تستوی/ هل یستوی/ح- به فتح تاء، ش- به فتح یاء ۱۳/ ۱۹/ یوقدون/ توقدون/ح- به ضم یاء، ش- به ضم تاء ۱۳/ ۳۳/ ثم اخذتهم/ ثم اختم/ح- به اظهار، ش- به ادغام ابراهیم/ ۲۲/ لی/ لی/ح- کسر لام فتح یاء، ش- لام با یاء مدی حجر/ ۸/ ما نزل/ ما تنزل/ح- به ضم نون و کسر زاء، ش- به ضم تاء و فتح زاء ۱۵/ ۴۴/ جزء/ جزء/ح- زاء ساکنه، ش- زای مضمومه ۱۵/ ۴۵/ و عیون/ و عیون/ح- به ضم عین، ش- به کسر عین ۱۵/ ۶۰/ قدرنا/ قدرنا/ح- تضعیف دال مفتوحه، ش- دال مفتوحه نحل/ ۱۱/ ینبت/ ینبت/ح- به ضم یاء، ش- به ضم نون اهمیت قرائت عاصم به روایت حفص، ص: ۱۳۳

### سوره/ حفص/ ابن شعبه/ اختلاف این دو روایت

سوره/ حفص/ ابن شعبه/ اختلاف این دو روایت ۱۶/۶۶/ نسقیکم/ نسقیکم/ ح- به ضم نون، ش- به فتح نون ۱۶/۶۸/ یعرشون/ یعرشون/ ح- به کسر راء، ش- به ضم راء ۱۶/۷۱/ یجحدون/ تجحدون/ ح- به یاء مفتوحه، ش- به تاء مفتوحه ۱۶/۸۰/ بیوتکم/ بیوتکم/ ح- به ضم باء، ش- به کسر باء اسراء/ ۷/ لیسوء/ لیسوء/ ح- به ضم همزه، ش- به فتح همزه ۱۷/۲۳/ اف/ اف/ ح- به تنوین جر فاء، ش- به کسر فاء ۱۷/۳۵/ بالقسطاس/ بالقسطاس/ ح- به کسر قاف، ش- به ضم قاف ۱۷/۴۳/ کما یقولون/ کما یقولون/ ح- یاء مفتوحه، ش- تاء مفتوحه ۱۷/۴۴/ تسبیح/ تسبیح/ ح- با تاء مضموم، ش- با یاء مضموم ۱۷/۶۴/ ورجلک/ ورجلک/ ح- به کسر جیم، ش- به سکون جیم ۱۷/۷۶/ خلفک/ خلفک/ ح- کسر خا و لام با الف مدی، ش- فتح خا و لام کف/ ۱/ عوجا قیما/ عوجا قیما/ ح- سکت بین دو کلمه، ش- بدون سکت ۱۸/۲/ من لدنه/ من لدنهی/ ح- به ضم دال و سکون نون و ضم ها/// ش- به سکون دال و کسر نون و ها با یاء مدی ۱۸/۱۹/ بورقکم/ بورقکم/ ح- به کسر راء، ش- به سکون راء ۱۸/۵۹/ لمهلکم/ لمهلکم/ ح- به کسر لام، ش- به فتح لام ۱۸/۷۴/ نکرا/ نکرا/ ح- به سکون کاف، ش- به ضم کاف ۱۸/۷۶/ من لدنی/ من لدنی/ ح- به ضم دال و تضعیف نون، ش- به سکون دال و به اشمام و به تخفیف نون اهمیت قرائت عاصم به روایت حفص، ص: ۱۳۴

### سوره/ حفص/ ابن شعبه/ اختلاف این دو روایت

سوره/ حفص/ ابن شعبه/ اختلاف این دو روایت ۱۸/۷۷/ لتخذت/ لاتخذت/ ح- به اظهار دال، ش- به ادغام دال ۱۸/۸۶/ حمئه/ حامیه/ ح- به فتح حاء و به همزه مفتوحه، ش- به حاء با الف مدی و به یاء مفتوحه ۱۸/۸۸/ جزاء/ جزاء/ ح- تنوین نصب همزه، ش- ضم همزه ۱۸/۹۳/ بین السدین/ بین السدین/ ح- به فتح سین، ش- به ضم آن ۱۸/۹۴/ سدا/ سدا/ ح- به فتح سین، ش- به ضم سین ۱۸/۹۶/ الصدفین/ الصدفین/ ح- فتح صاد و دال، ش- ضم صاد و سکون دال مریم/ ۸/ عتیا/ عتیا/ ح- به کسر عین، ش- به ضم عین ۱۹/۲۳/ مت/ مت/ ح- کسر میم و ضم تاء، ش- ضم میم و تاء ۱۹/۲۳/ نسیا/ نسیا/ ح- به فتح نون، ش- به کسر نون ۱۹/۲۴/ من تحتها/ من تحتها/ ح- کسر میم و تاء دوّم، ش- فتح میم و تاء دوّم ۱۹/۲۵/ تساقط/ تساقط/ ح- به ضم تاء و کسر قاف، ش- به فتح تاء و تضعیف سین با فتح قاف ۱۹/۶۸/ جثیا/ جثیا/ ح- به کسر جیم، ش- به ضم جیم ۱۹/۷۰/ صلیا/ صلیا/ ح- به کسر صاد، ش- به ضم صاد ۱۹/۹۰/ ینفطرن/ ینفطرن/ ح- مضارع باب تفاعل بر وزن ینفعلن، ش- باب انفعال بر وزن ینفعلن طه/ ۶۱/ فیسحتکم/ فیسحتکم/ ح- به ضم یاء و کسر حاء، ش- به فتح یاء ۲۰/۶۳/ ان هذان/ ان هذان/ ح- به نون ساکنه، ش- با نون مشدده ۲۰/۷۱/ امنتم/ امنتم/ ح- با الف مدی، ش- با همزه و الف مدی اهمیت قرائت عاصم به روایت حفص، ص: ۱۳۵

### سوره/ حفص/ ابن شعبه/ اختلاف این دو روایت

سوره/ حفص/ ابن شعبه/ اختلاف این دو روایت ۲۰/۸۷/ حملنا/ حملنا/ ح- ضم حا تضعیف میم مکسور، ش- فتح حا و میم ۲۰/۱۱۷/ لا تطموا/ لا تطموا/ ح- فتح همزه، ش- کسر همزه ۲۰/۱۳۰/ ترضی/ ترضی/ ح- به فتح تاء، ش- به ضم تاء ۲۰/۱۳۴/ اولم تأتهم/ اولم تأتهم/ ح- به تاء، ش- به یاء انبیاء/ ۴/ قال ربی/ قل ربی/ ح- قاف با الف مدی و لام مفتوح، ش- با قاف مضموم و سکون لام ۲۱/۶۷/ اف/ اف/ ح- با تنوین جر برای فاء، ش- به کسر فاء ۲۱/۸۸/ ننجی/ ننجی/ ح- به ضم نون اول و سکون نون دوّم/// ش- به ضم نون و تضعیف جیم ۲۱/۱۰۴/ للکتب/ للکتب/ ح- ضم کاف و تا ش- کسر کاف و تاء با الف مدی حج/ ۲۳/ و لؤلؤا/ و لؤلؤا/ ح- به اثبات دو همزه، ش- به ضم همزه ۲۲/۲۴/ سواء/ سواء/ ح- به فتح همزه، ش- به ضم همزه ۲۲/۲۹/ و لیوفوا/ لیوفوا/ ح- واو ساکن، ش- واو مفتوحه و تضعیف فاء ۲۲/۳۹/ یقاتلون/ یقاتلون/ ح- به فتح تاء، ش- به کسر تاء ۲۲/۴۸/ اخذتها/ اخذتها/ ح- به اظهار ذال، ش- به ادغام ۲۲/۶۲/ ما یدعون/ ما تدعون/ ح- با فتح یاء، ش- با فتح تاء مؤنون/ ۱۴/ عظاما- العظام/

عظما- العظم/ح- به کسر عین و ظاء با الف مدی،///ش- به فتح عین ۲۳/۲۹ منزلا/ منزلا/ح- ضم میم و فتح زا،ش- فتح میم و کسر زا اهمیت قرائت عاصم به روایت حفص، ص: ۱۳۶

### سوره/ حفص/ ابن شعبه/ اختلاف این دو روایت

سوره/ حفص/ ابن شعبه/ اختلاف این دو روایت ۲۳/۳۵ متّم/ متم/ح- به کسر میم،ش- به ضم میم ۲۳/۸۲ انذامتنا/ انذامتنا/ح- به کسر میم،ش- به ضم میم ۲۳/۹۲ عالم الغیب/ عالم الغیب/ح- به کسر میم،ش- به ضم میم ۲۳/۱۱۰ فاتخذتموهم/ فاتخذتموهم/ح- به اظهار،ش- به ادغام نور/۶/ اربع شهادات/ اربع شهادات/ح- به ضم عین،ش- به فتح عین ۲۴/۹/ الخامسة/ الخامسة/ح- به فتح تاء،ش- به ضم تاء ۲۴/۳۱/ غیر/ غیر/ح- به کسر راء،ش- به فتح راء ۲۴/۳۵/ یوقد/ توقد/ح- به ضم یاء،ش- به ضم تاء ۲۴/۳۶/ یسبح/ یسبح/ح- به کسر باء،ش- به فتح باء ۲۴/۵۴/ و یتقه/ و یتقه/ح- سکون قاف کسرها،ش- کسر قاف سکونها ۲۴/۵۵/ استخلف/ استخلف/ح- فتح تاء و لام،ش- ضم تاء و کسر لام ۲۴/۵۵/ و لیبذلنهم/ و لیبذلنهم/ح- فتح با و لام،ش- ضم تا و کسر لام و تخفیف دال ۲۴/۵۸/ ثلاث/ ثلاث/ح- به ضم تاء دوّم،ش- به فتح تاء دوّم ۲۴/۶۱/ بیوتکم/ بیوتکم/ح- به ضم باء،ش- به کسر باء فرقان/۱۰/ و یجعل/ و یجعل/ح- به سکون لام،ش- به ضم لام ۲۵/۱۷/ تسطیعون/ یسطیعون/ح- به تاء مفتوحه،ش- به یاء مفتوحه ۲۵/۲۷/ اتخذت/ اتخذت/ح- به اظهار،ش- به ادغام ۲۵/۳۸/ و ثمود/ و ثمود/ح- فتح دال،ش- تنوین نصب برای دال ۲۵/۶۹/ یضاعف/ یضاعف/ح- به سکون فاء،ش- به ضم فاء ۲۵/۶۹/ یخلد/ یخلد/ح- به سکون دال،ش- به ضم دال اهمیت قرائت عاصم به روایت حفص، ص: ۱۳۷

### سوره/ حفص/ ابن شعبه/ اختلاف این دو روایت

سوره/ حفص/ ابن شعبه/ اختلاف این دو روایت ۲۵/۶۹/ فیهی مهانا/ فیهی مهانا/ح- به هاء و یاء مدی،ش- به کسر هاء ۲۵/۷۴/ ذریاتنا/ ذریاتنا/ح- به یاء با الف مدی،ش- به فتح یاء ۲۵/۷۵/ و یلقون/ و یلقون/ح- به ضم یاء و فتح لام و تضعیف قاف،///ش- به فتح یاء و سکون لام شعراء/۱۸۲/ بالقسطاس/ بالقسطاس/ح- کسر قاف،ش- ضم قاف ۲۶/۱۸۷/ کسفا/ کسفا/ح- به فتح سین،ش- به سکون سین ۲۶/۱۹۳/ نزل به روح الامین/ نزل به روح الامین/ح- به ضم حا و نون،///ش- تضعیف زا و فتح حاء و نون نمل/۲۵/ تخفون و تعلنون/ یخفون و یعلنون/ح- هر دو تاء،ش- هر دو یاء ۲۷/۳۶/ امین/ امین/ح- به کسر نون و یاء مفتوحه،///ش- به نون مکسوره بدون یاء ۲۷/۴۹/ مهلک/ مهلک/ح- به کسر لام،ش- به فتح لام ۲۷/۵۲/ بیوتهم/ بیوتهم/ح- به ضم باء،ش- به کسر باء ۲۷/۵۷/ قدرناها/ قدرناها/ح- به تضعیف دال،ش- بدون تضعیف ۲۷/۸۷/ اتوه/ اتوه/ح- به فتح همزه و تاء و سکون واو///ش- به الف مدی و تاء با واو مدی قصص/۳۲/ من الرّهب/ من الرّهب/ح- به راء مفتوحه،ش- به راء مضمومه ۲۸/۸۲/ لخصف/ لخصف/ح- فتح خاء و سین،ش- ضم خاء کسر سین عنکبوت اهمیت قرائت عاصم به روایت حفص، ص: ۱۳۸

### سوره/ حفص/ ابن شعبه/ اختلاف این دو روایت

سوره/ حفص/ ابن شعبه/ اختلاف این دو روایت ۱۹/۱۹/ یروا/ تروا/ح- به یاء،ش- به تاء ۲۹/۲۵/ موده بینکم/ موده بینکم/ح- فتح تا کسر نون،ش- تنوین نصب و فتح نون ۲۹/۳۳/ منجوک/ منجوک/ح- فتح نون و تضعیف جیم،ش- سکون نون ۲۹/۵۰/ آیات/ آیه/ح- به یاء با الف مدی،ش- با یاء مفتوحه ۲۹/۵۷/ ترجعون/ یرجعون/ح- تاء مضمومه،ش- یاء مضمومه روم/۲۲/ للعالمین/ للعالمین/ح- به کسر لام،ش- به فتح لام ۳۰/۵۰/ آثار رحمت/ اثر رحمت/ح- الف مدی و تاء با الف مدی،ش- فتح همزه و تاء لقمان/۶/ یتخذها/ یتخذها/ح- به فتح ذال،ش- به ضم ذال ۳۱/۱۳/ یا بنی/ یا بنی/ح- به فتح باء،ش- به کسر باء ۳۱/۱۶-۱۷/ یا

بنی/ یا بنی/ ح- به فتح باء، ش- به کسر باء ۳۱/ ۳۰/ ما یدعون/ ما تدعون/ ح- به فتح یاء، ش- به فتح تاء سجده/ -/-/ احزاب/ ۱۰/ الظنونا/ الظنونا/ ح- فتح نون در حال وصل و ثبات الف در // حالت وقف، ش- به اثبات الف در وصل و وقف ۳۳/ ۱۳/ لا مقام/ لا مقام/ ح- به ضم میم، ش- به فتح میم ۳۳/ ۱۳/ بیوتنا/ بیوتنا/ ح- به ضم باء، ش- به کسر باء ۳۳/ ۳۳- ۳۴/ بیوتکن/ بیوتکن/ ح- به ضم باء، ش- به کسر باء ۳۳/ ۵۱/ ترجی/ ترجی/ ح- جیم با یاء، ش- به کسر جیم با همزه مضموم سباء/ ۵/ رجز الیم/ رجز الیم/ ح- تنوین رفع برای میم، ش- تنوین جر برای میم

### سوره/ حفص/ ابن شعبه/ اختلاف این دو روایت

سوره/ حفص/ ابن شعبه/ اختلاف این دو روایت ۳۴/ ۱۲/ الریح/ الریح/ ح- به فتح حاء، ش- به ضم حاء ۳۴/ ۱۵/ مسکنهم/ مسکنهم/ ح- تسکین سین و فتح کاف، ش- کسر کاف ۳۴/ ۱۷/ نجازی/ یجازی/ ح- به ضم نون، ش- به ضم یاء ۳۴/ ۴۰/ ثم یقول/ ثم نقول/ ح- به فتح یاء، ش- به فتح نون فاطر/ ۴۰/ بینت/ بینات/ ح- به فتح نون، ش- به نون با الف مدی یس/ ۱/ یس و القرآن/ یس و القرآن/ ح- به اظهار، ش- به ادغام ۳۶/ ۵/ تنزیل/ تنزیل/ ح- به فتح لام، ش- به ضم سین ۳۶/ ۹/ سدا/ سدا/ ح- به فتح سین، ش- به ضم سین ۳۶/ ۱۴/ فعزنا/ فعزنا/ ح- به تضعیف زاء، ش- بدون تضعیف ۳۶/ ۳۵/ و ما عملته/ و ما عملت/ ح- به سکت، ش- بدون سکت ۳۶/ ۶۷/ مکانتهم/ مکاناتهم/ ح- به فتح نون، ش- به فتح باء صافات/ ۶/ بزینة/ بزینة/ ح- به کسر باء، ش- به فتح باء ۳۷/ ۸/ لا یسمعون/ لا یسمعون/ ح- تضعیف سین و میم، ش- تخفیف میم // و سکون سین ۳۷/ ۱۲۶/ الله ربکم و ربّ الله ربکم و ربّ الله ربکم و ربّ الله ربکم/ ح- فتح حاء و باء در دو مورد، // ش- به ضم هاء و باء در دو مورد ص/ ۵۷/ غساق/ غساق/ ح- به تضعیف سین، ش- بدون تضعیف اهمیت قرائت عاصم به روایت حفص، ص: ۱۴۰

### سوره/ حفص/ ابن شعبه/ اختلاف این دو روایت

سوره/ حفص/ ابن شعبه/ اختلاف این دو روایت زمر/ ۳۹/ مکانتکم/ مکاناتکم/ ح- به فتح نون، ش- به نون با الف مدی ۳۹/ ۶۱/ بمفازتهم/ بمفازاتهم/ ح- فتح زاء، ش- ضم زا با الف مدی مؤمن/ ۲۶/ یظهر/ یظهر/ ح- ضم یاء کسرها، ش- فتح یاء و هاء ۴۰/ ۳۷/ فاطلّع/ فاطلّع/ ح- به فتح عین، ش- به ضم عین ۴۰/ ۴۰/ یدخلون/ یدخلون/ ح- فتح یاء و ضم خاء، ش- ضم یاء فتح خاء ۴۰/ ۴۶/ ادخلوا/ ادخلوا/ ح- به همزه قطع مفتوحه و کسر خاء // ش- همزه وصل و در ابتدا به ضم همزه و خاء ۴۰/ ۶۰/ سیدخلون/ سیدخلون/ ح- فتح یاء ضم خاء، ش- ضم یاء فتح خاء ۴۰/ ۶۷/ شیوخوا/ شیوخوا/ ح- به ضم شین، ش- به کسر شین فصلت/ ۲۹/ أرنا/ أرنا/ ح- به کسر راء، ش- به کسر تسکین راء ۴۱/ ۴۴/ اعجمی/ اعجمی/ ح- تسهیل «۱» همزه دوم، ش- تحقیق دو همزه ۴۱/ ۴۷/ ثمرات/ ثمرت/ ح- به راء با الف مدی، ش- به فتح راء شوری/ ۲۰/ نوته منها/ نوته منها/ ح- به اشباع هاء، ش- به تسکین هاء ۴۲/ ۲۵/ ما تفعلون/ ما یفعلون/ ح- به تاء مفتوحه، ش- با یاء مفتوحه زخرف/ ۱۸/ ینشوء/ ینشو/ ح- به ضم یاء و فتح نون، // ش- به فتح یاء و تسکین نون (۱) تسهیل: یعنی اینکه (نبره) و تیزی همزه را در تلفظ ظاهر نسازیم و آن را به سهولت و روانی تلفظ کنیم. اهمیت قرائت عاصم به روایت حفص، ص: ۱۴۱

### سوره/ حفص/ ابن شعبه/ اختلاف این دو روایت

سوره/ حفص/ ابن شعبه/ اختلاف این دو روایت ۴۳/ ۳۳- ۳۴/ لیوتهم/ لیوتهم/ ح- به ضم باء، ش- به کسر باء ۴۳/ ۳۷/ جاءنا/

جاء/انا/ح- به فتح همزه، ش- به همزه با الف مدی ۵۳/۴۳/اسوره/اساوره/ح- به سکون سین، ش- به سین با الف مدی ۶۸/۴۳/یا  
 عباد/یا عبادی/ح- بدون یاء، ش- با یاء مفتوحه دخان/۴۵/یغلی/تغلی/ح- به فتح یاء، ش- به فتح تاء جائیه/۶/یؤمنون/تؤمنون/  
 ح- به ضم یاء، ش- به فتح تاء احقاف/۱۶/نتقبل/یتقبل/ح- فتح نون، ش- به ضم یاء ۱۶/۴۶/احسن/احسن/ح- به فتح نون،  
 ش- به ضم نون ۱۶/۴۶/نتجاوز/یتجاوز/ح- به فتح نون، ش- به ضم یاء محمد «ص»/۴/قتلوا/قاتلوا/ح- به ضم قاف و کسر  
 تاء///ش- فتح هر دو و الف بین آن دو ۲۶/۴۷/اسرارهم/اسرارهم/ح- به کسر همزه، ش- به فتح همزه فتح/۱۰/علیه/علیه/ح-  
 به ضم هاء، ش- به کسر هاء حجات/-/-/ق/۳۰/یوم نقول/یوم یقول/ح- به فتح نون، ش- به فتح یاء زاریات/۲۳/مثل/مثل/  
 ح- به فتح لام، ش- به ضم لام اهمیت قرائت عاصم به روایت حفص، ص: ۱۴۲ طور/۳۷/المصیطرون/المصیطرون/ح- به صاد  
 یاسین، ش- به صاد فقط نجم/-/-/قمر/۱۲/عیونا/عیونا/ح- به ضم عین، ش- به کسر عین رحمن/۲۴/المنشآت/المنشآت/ح-  
 به فتح شین، ش- به کسر شین واقعه/۳۷/عربا/عربا/ح- به ضم راء، ش- به سکون راء ۶۶/۵۶/انا لمغرمون/انا لمغرمون/ح- به  
 همزه واحده، ش- به تحقیق دو همزه حدید/۱۸/المصدیقین/المصدیقین/ح- تضعیف صاد در المصدقین و المصدقات///ش- به  
 تخفیف صاد در دو مورد مجادله/۱۱/انشزوا/انشزوا/انشزوا/ح- ضم همزه و شین،///ش- کسر آن دو حشر/-/-/  
 ممتحنه/-/-/صف/۶/بعد اسمه/بعدی اسمه/ح- به حذف یاء، ش- به یاء مفتوحه ۸/۶۱/متم نوره/متم نوره/ح- ضم میم و راء،  
 ش- تنوین رفع برای میم و فتح راء جمعه/-/-/منافقون/-/-/تغابن/-/-/اهمیت قرائت عاصم به روایت حفص، ص: ۱۴۳

### سوره/ حفص/ ابن شعبه/ اختلاف این دو روایت

سوره/ حفص/ ابن شعبه/ اختلاف این دو روایت طلاق/۱/بیوتهن/بیوتهن/ح- به ضم باء، ش- به کسر باء ۳/۶۵/بالغ امره/بالغ  
 امره/ح- ضم غین کسر راء، ش- به تنوین و نصب تحریم/۴/جبریل/جبریل/ح- به کسر جیم و راء با یاء مدی،///ش- به فتح جیم  
 و راء و کسر همزه ۸/۶۶/نصوحا/نصوحا/ح- به فتح نون، ش- به ضم نون ۱۲/۶۶/و کتبه/و کتبه/ح- ضم کاف و تا ش- کسر  
 کاف تاء با الف مدی الملك/-/-/القلم/-/-/الحاقه/-/-/معارض/۱۶/نزاعه/نزاعه/ح- تنوین نصب تاء، ش- تنوین رفع تاء  
 ۳۳/۷۰/بشهاداتهم/بشهادتهم/ح- دال با الف مدی، ش- دال مفتوحه بدون الف ۴۳/۷۰/نصب/نصب/ح- ضم نون و صاد، ش-  
 فتح نون سکون صاد نوح/۲۸/بیٹی مؤمننا/بیٹی مؤمننا/ح- به فتح یاء، ش- به سکون یاء جن/۳/انّه تعالی/انّه تعالی/ح- فتح همزه  
 در مواضع اثنی عشر،///ش- کسر همزه در مواضع اثنی عشر ۱۹/۷۲/انه لما/انه لما/ح- به فتح همزه، ش- به کسر همزه مزمل/۹/  
 رب المشرق/رب المشرق/ح- به ضم باء، ش- به کسر باء اهمیت قرائت عاصم به روایت حفص، ص: ۱۴۴

### سوره/ حفص/ ابن شعبه/ اختلاف این دو روایت

سوره/ حفص/ ابن شعبه/ اختلاف این دو روایت مدثر/۵/و الرجز/و الرجز/ح- به ضم راء، ش- به کسر راء ۳۳/۷۴/اذ ادبر/اذ  
 دبر/ح- سکون ذال همزه مفتوحه و دال ساکنه،///ش- فتح ذال الف بعد آن حذف همزه فتح دال قیامه/۲۷/من راق/من راق/ح-  
 به سکت، ش- با ادغام ۳۷/۷۵/یمنی/یمنی/ح- به ضم یاء، ش- به ضم تاء دهر/۴/سلسلا/سلسلا/ح- به ضم لام و به حذف  
 تنوین///ش- به اثبات تنوین ۱۶/۷۶/قواریر/قواریر/ح- به فتح راء و صلا و سکون هنگام وقف///ش- اثبات تنوین و صلا با  
 ابدال الف در وقف ۲۱/۷۶/خضر/خضر/ح- تنوین رفع راء، ش- تنوین جر راء مرسلات/۶/نذرا/نذرا/ح- تسکین ذال، ش- ضم  
 ذال ۳۳/۷۷/جمالت/جمالات/ح- به فتح لام، ش- به لام با الف نباء/۲۵/وغساقا/وغساقا/ح- به تضعیف سین، ش- بدون  
 تضعیف نازعات/۱۱/نخره/ناخره/ح- به فتح نون و بدون الف، ش- نون با الف عبس/-/-/تکویر/۱۲/سعرت/سعرت/ح- به  
 تضعیف عین، ش- به تخفیف آن اهمیت قرائت عاصم به روایت حفص، ص: ۱۴۵

**سوره / حفص / ابن شعبه / اختلاف این دو روایت**

سوره / حفص / ابن شعبه / اختلاف این دو روایت انفطار / - / - / - / مطففین / ۱۴ / بل ران / بل ران / ح - به سکت بین دو کلمه، ش - به ادغام / ۸۳ / ۳۱ / فکهین / فاکهین / ح - به فتح فاء، ش - به فاء با الف انشقاق / - / - / - / بروج / - / - / - / طارق / - / - / - / اعلی / - / - / - / غاشیه / ۴ / تصلی / تصلی / ح - به فتح تاء، ش - به ضم تاء فجر / - / - / - / بلد / ۲۰ / مؤصده / مؤصده / ح - همزه ساکن، ش - واو ساکن در مکان همزه ساکن شمس / - / - / - / لیل / - / - / - / وضحی / - / - / - / انشراح / - / - / - / التین / - / - / - / علق / - / - / - / قدر / - / - / - / بینه / - / - / - / زلزله / - / - / - / اهمیت قرائت عاصم به روایت حفص، ص: ۱۴۶

**سوره / حفص / ابن شعبه / اختلاف این دو روایت**

سوره / حفص / ابن شعبه / اختلاف این دو روایت العادیات / - / - / - / القارعة / - / - / - / التکاثیر / - / - / - / العصر / - / - / - / همزة / ۹ / عمد / عمد / ح - به فتح عین و میم، ش - به ضم آن فیل / - / - / - / قریش / - / - / - / ماعون / - / - / - / کوثر / - / - / - / کافرون / ۶ / ولی / ولی / ح - به فتح یاء، ش - به تسکین یاء نصر / - / - / - / لهب / - / - / - / اخلاص / ۴ / کفوا / کفوا / ح - تنوین نصب واو، ش - تنوین نصب همزه فلق / - / - / - / ناس / - / - / - / اهمیت قرائت عاصم به روایت حفص، ص: ۱۴۷

**نتیجه گیری**

نتیجه گیری روایت حفص از قرائت عاصم از مزیت چشمگیری برخوردار است. زیرا سند قرائت عاصم صحیح است و با قرائت‌های همگانی و جماهیر مسلمانان، توافق دارد. اهمیت قرائت عاصم به روایت حفص، ص: ۱۴۹

**فصل یازدهم اختلاف قرائت عاصم از سایر قاریان و برتری آن****۱- سوره حمد**

۱- سوره حمد (آیه ۴: مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ عاصم و کسائی و خلف و یعقوب حصرمی (مالک) به الف و بقیه افراد (ملک) بدون الف قرائت کرده‌اند. هر کدام از دو گروه دلالتی برای قرائت خود آورده‌اند که ما به ذکر دلیل عاصم می‌پردازیم. مالکیت شامل ملک نیز می‌شود چنانکه می‌فرماید. آل عمران ۳ آیه ۲۶: قُلِ اللَّهُمَّ مَالِكَ الْمُلْكِ که ملک را برای مالک و از آن مالک می‌شمارد. بنابر این، مالک شامل ملک و ملک هر دو می‌شود. علاوه بر این، اگر به صورت مالک بخوانیم یک حرف اضافه خوانده‌ایم و بنابر خبری که از حضرت رسول - صلی الله علیه و آله - داریم، همین یک حرف دارای ده حسنه است. این مطلب نیز دلیل است بر درستی مالک که شاعری به خدمت رسول اکرم - صلی الله علیه و آله - رسید و از همسرش شکایت کرد یا مالک الملک و دیان العرب حضرت رسول - صلی الله علیه و آله - فرمودند: ساکت باش این که گفתי خدای بزرگ است. دلیل دیگر که اخفش آن را ذکر کرده، این است که مالک از نظر لفظ به همه مخلوقات اضافه می‌شود و گفته می‌شود هو مالک الناس و الجن و الحيوان و مالک الرياح و مالک الطير و سائر الاشياء، و گفته نمی‌شود: ملک الريح و الحيوان بنابر این، وصف به ملک اعم از وصف به مالک است. در کشف الاسرار آمده است: رسول خدا - صلی الله علیه و آله - مالک را به الف اهمیت قرائت عاصم به روایت حفص، ص: ۱۵۲ خوانده است. صحیح در کلام عرب این است که از قواعد صحیح عرب گرفته باشد نه اعتماد بر وجوهی نیکویی که نحویون ذکر می‌کنند.

## ۲- سوره بقره

۲- سوره بقره آیه ۱۳ قَالُوا أُنزِلَ كَمَا آمَنَ السُّفَهَاءُ أَلَا ... اهل کوفه و ابن عامر دو همزه را محقق کرده‌اند و اهل حجاز و ابو عمرو همزه دوّم را به بزم کرده و همزه اوّل را همز کرده‌اند و باقی قاریان آن را بین بین قرار داده‌اند. اما وجه دو همزه اصل است. زیرا که اوّلی همزه استفهام و دوّمی همزه باب افعال می‌باشد. آیه ۳۷: فَتَلَقَّى آدَمَ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ ابْنِ كَثِيرٍ «آدم» را به نصب و باقی قاریان به رفع خوانده‌اند، زیرا کلمات را از حق اخذ کرده و حفظ کرده و فهمیده است. عرب می‌گوید: تلقیت هذا من فلان یعنی فهم و درک من آن را اخذ کرد و قبول کرد. دلیل آنها روایتی است که در تفسیر قول خدای بزرگ فَتَلَقَّى آدَمَ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ آمده است. وقتی آدم قبول کننده باشد، کلمات مقبول و پذیرفته شده است. آیه ۳۸: فَمَنْ تَبِعَ هُدَايَ وَرَشَّ، به روایت از نافع به سکون یاء خوانده است و باقی قاریان به فتح. برای آن که بعد از ساکن آمده و اصل آن حرکت فتحه است. آیه ۴۸: وَلَا يُقْبَلُ مِنْهَا شَفَاعَةٌ ابْنِ كَثِيرٍ و ابو عمرو لا تقبل به تاء خوانده‌اند و باقی قاریان به یاء. به دلیل اینکه تأنیث شفاعت حقیقی نیست. آیه ۵۱: وَإِذْ وَعَدْنَا مُوسَى أَرْبَعِينَ لَيْلَةً ابُو عمرو و اذ وعدنا بدون الف و باقی قاریان با الف خوانده‌اند. زیرا که این مواعده میان خدا و حضرت موسی - علیه السلام - است. اهمیت قرائت عاصم به روایت حفص، ص: ۱۵۳ آیه ۵۴: فَتَوَيَّأُوا إِلَىٰ بَارِئِكُمْ ابُو عمرو الی بارئکم به اختلاس می‌خواند، و باقی قاریان به اشباع حرکتها. زیرا اصل کلمه چنین است. درست هم همین است تا حق هر کلمه ادا شود. آیه ۵۸: وَإِذْ قُلْنَا ادْخُلُوا هَذِهِ الْقَرْيَةَ فَكُلُوا مِنْهَا حَيْثُ شِئْتُمْ ... وَقُولُوا حِطَّةٌ نَغْفِرْ لَكُمْ خَطَايَاكُمْ نافع یغفر لکم را به یاء و فتح فاء خوانده است. در صورتی که باقی قاریان «نغفر» را به نون می‌خوانند. دلیل این است که نغفر میان دو خبر از اخبار خدای تعالی از خویش قرار گرفته است که هر دو متکلم مع الغیر است. آیه ۶۱: وَيَقْتُلُونَ النَّبِيَّ بْنَ بَعِیْرٍ الْحَقِّقُ نافع به همزه خوانده است و باقی قاریان بدون همزه می‌خوانند از بنا ینبو. به معنی بالا رفت. در قرآن همه جا بر وزن افعلاء است مثل انبیاء الله. این نشان می‌دهد که آن در اصل، همزه نیست، همان گونه که جمع ولی، اولیا و جمع وصی، اوصیاست. دلیل دیگر اینکه روایت شده است شخصی نزد رسول خدا آمد و عرض کرد یا نبیء الله، رسول اکرم فرمود: لست نبیء الله و لکنی نبی الله. آیه ۶۲: إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالنَّصَارَىٰ وَالصَّابِئِينَ ... نافع «و الصابیین» بدون همزه از (صبا یصبوا) خوانده، بقیه قاریان (صابیین) خوانده‌اند، یعنی خارج شدن از دینی و متمایل شدن به دین دیگر چنانچه گفته می‌شود (صبأ فلان) یعنی از دینش خارج شد. آیه ۶۷: قَالُوا أَتَتَّخِذُنَا هُزُوًا ... حمزه و اسماعیل (هزءا) به سکون زا خوانده‌اند و باقی قاریان (هزؤا) به ضم زا. این هر دو لهجه است. حفص (هزوا) بدون همزه خوانده است. زیرا همزه را بعد از حرف دوّم ناخوشایند می‌شمارد. آیه ۷۴-۷۵: وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ ابْنِ كَثِيرٍ (عَمَّا یعملون) خوانده است و باقی قاریان به تاء خوانده‌اند. به دلیل اهمیت قرائت عاصم به روایت حفص، ص: ۱۵۴ گفتار پیش از آن: ثُمَّ قَسَتْ قُلُوبُكُمْ مِنْ بَعِيدٍ ذَلِكُمْ فَهِيَ كَالْحِجَارَةِ ... وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ. آیه ۸۱: بَلَىٰ مَنْ كَسَبَ سَيِّئَةً وَأَحَاطَتْ بِهَا خَطِيئَتُهُ نافع به صورت جمع خوانده (خطیئات) و بقیه قاریان مفرد. به دلیل اینکه خطیئه شخص نیست. پس اگر شخصی نباشد، شامل انسان شود. می‌توان گفت: احاطت به خطیئه دلیل دیگر اینکه در تفسیر آمده است: سیئه یعنی شرک و احاطت به خطیئه یعنی همان شرکی که سیئه است. آیه ۸۳ ابن کثیر و کسائی و حمزه «لا- یعبدون» خوانده‌اند بقیه قاریان به تاء خوانده‌اند به دلیل بقیه آیه که خطاب و مخاطبه را نشان می‌دهد. آیه ۸۵ تظاهرون را عاصم و کسائی و حمزه «تظاهرون» به تخفیف و بقیه قاریان «تظّاهرون» به تشدید خوانده‌اند که در اصل تظاهرون بوده و در هم ادغام شده است در حقیقت اصل کلمه را بدون حذف تلفظ می‌کند. آیه ۹۰ ابن کثیر و ابو عمرو «ان ینزل الله» به تخفیف و بقیه قاریان به تشدید می‌خوانند. زیرا نزل و انزل دو لغت است. به دلیل آیه ۲۰ سوره ۴۷ که به هر دو صورت آمده است. آیه ۹۸ نافع و ابن عامر و حفص (جبریل) خوانده‌اند حمزه و کسائی (جبرئیل). آیه ۱۰۲ ابن عامر و حمزه و کسائی (و لکن) خوانده است و بقیه قاریان (و لکن) به دلیل اینکه آمدن واو بر سر و لکن باعث استیناف خبر بعد از آن می‌شود. عرب آن را با تشدید می‌خواند و اسماء بعد از آن را نصب می‌دهد. اهمیت قرائت عاصم به روایت حفص، ص: ۱۵۵

## ۳- سوره آل عمران

۳- سوره آل عمران آیه ۱۲: حمزه و کسائی سیغلبون و يحشرون را به یاء خوانده‌اند. بقیه قاریان به تاء. به دلیل گفتار خدای تعالی: قُلْ لِلَّذِينَ كَفَرُوا، به پیامبر امر می‌شود که به آنها مخاطبه کند. آیه ۷۵: ابو عمرو و حمزه و ابو بکر به صورت (یؤده الیک) به سکون هاء خوانده‌اند و باقیان (یؤدهی)، یعنی در تلفظ آن را به یاء اضافه کرده‌اند. به دلیل اینکه یاء بدل از اوست. اصل آن (یؤد هو الیک) که به جهت کسره قبل از واو، آن را به یاء تبدیل کرده است و راهی برای حذف «ی» نیست. سیبویه می‌گوید: در مذکر و او به هاء می‌افزاییم همان گونه که در مؤنث به آن الف اضافه می‌کنیم. آیه ۹۷: حِجُّ الْبَيْتِ حمزه و کسائی و حفص به کسر حاء و باقی قاریان به فتح حاء خوانده‌اند. هر دو لهجه است به فتح لهجه اهل حجاز و بنی اسد و به کسر لهجه اهل نجد و بنی تمیم و فتح به معنای مصدر است. آیه ۱۲۵: بِخَمْسَةِ آلَافٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُسَوِّمِينَ ابن کثیر و عاصم و ابو عمر مسومین را به کسر واو خوانده‌اند بقیه به فتح واو خوانده‌اند. رسول الله - صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - به اصحاب خود در روز بدر فرمود: تسوموا فان الملائكة قد تسومت. آیه ۱۵۱: سَيُنْزِلُنِي فِي قُلُوبِ الَّذِينَ كَفَرُوا الرَّعْبَ ابن عامر و کسائی (الرعب) را به ضم عین و باقی قاریان به اسکان عین خوانده‌اند. هر دو لهجه است ولی به اسکان بهتر است. اهمیت قرائت عاصم به روایت حفص، ص: ۱۵۶ آیه ۱۷۱: يَشْتَبِثُونَ بِنِعْمَةِ مِنَ اللَّهِ وَفَضْلٍ وَأَنَّ اللَّهَ لَا يُضَيِّعُ أَجْرَ الْمُؤْمِنِينَ آن را کسائی به کسر الف خوانده است و باقی قاریان به فتح قرائت کرده‌اند. در موضع خفض بنا بر عطف بر بِنِعْمَةِ مِنَ اللَّهِ وَفَضْلٍ. آیه ۱۸۴: ... جَاءُوا بِالْبَيِّنَاتِ وَالزُّبُرِ وَالْكِتَابِ الْمُنِيرِ ابن عامر (بالبينات و بالزبر) خوانده است و باقی قاریان (و الزبر) بدون باء خوانده‌اند یعنی در حال و در وقت واحد.

## ۴- سوره نساء

۴- سوره نساء آیه ۱: ... وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ ... عاصم و حمزه و کسائی به تخفیف «سین» خوانده‌اند که اصل آن تتسائلون بوده است که تاء دوّم بخاطر ثقیل بودن تلفظ حذف شده است. در این حالت التباس پیش نمی‌آید. بقیه قاریان به تشدید تتسائلون خوانده‌اند. آیات ۱۳ و ۱۴: ... وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ يُدْخِلْهُ ... حُدُودَهُ يُدْخِلْهُ نَافِعٍ وَابْنِ عَامِرٍ بَا نُونٍ دَرِ هَر دَو، باقی قاریان با یاء در هر دو خوانده‌اند. به دلیل سخن خداوند متعال: يُطِيعِ اللَّهَ ... يُدْخِلْهُ، هر دو کلام واحدی است و اگر به نون بود قسمت اول نیز «ندخله» بود. آیه ۲۸: إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَن تَرَاضٍ مِّنْكُمْ ... عاصم و حمزه و کسائی به نصب تجاره و باقی قاریان تجاره خوانده‌اند. قرائت عاصم به این تجاره است. یعنی الا- ان تكون الاموال تجاره که تجاره خبر تکون است. آیه ۳۶: ... وَالْجَارِ ذِي الْقُرْبَى ... کسائی وَالْجَارِ ذِي الْقُرْبَى به صورت ممال «الجار» خواند و بقیه قاریان اهمیت قرائت عاصم به روایت حفص، ص: ۱۵۷ بدون اماله خوانده‌اند. «۱» آیه ۴۲: ... لَوْ تَسَوَّى بِهِمُ الْأَرْضُ بِهَمْ الْأَرْضُ بِهَمْ تاء و به صورت مجهول می‌خوانند. به دلیل اینکه معنی آیه چنین است یود الذین كفروا لو يجعلهم الله ترابا فیسوی بينهم و بین الارض كما فعل بالبهائم. بنا بر این به صورت مجهول می‌آید و نافع و ابن عامر (تسوی) به تشدید سین و واو می‌خوانند. آیه ۷۳: ... كَذَلِكَ لَمْ تَكُنْ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُ مَوَدَّةٌ ... ابن کثیر و حفص به تاء خوانده‌اند. برای تأنیث موده مانند آیه و لا- يُقْبَلُ مِنْهَا شَفَاعَةٌ (سوره بقره آیه ۴۸، باقی قاریان کان لم یکن، به یاء خوانده‌اند. آیه ۹۵: لَا يَسْتَوِي الْقَاعِدُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ غَيْرُ أُولَى الضَّرَرِ وَالْمُجَاهِدُونَ ... نافع و ابن عامر و کسائی به نصب راء و بقیه قاریان به رفع راء خوانده‌اند. زجاج می‌گوید: به رفع راء بهتر است به دو دلیل: ۱- (غیر) صفت (قاعدون) باشد. اگر چه اصل آن در این است که صفت نکره باشد. یعنی (غیر) جز به اضافه به معرفه نمی‌شود. معنی آن این است که لا- یستوی القاعدون الذین هم غیر اولی الضرر، یعنی کناره گیران صحیح و سالم با مجاهدان یکسان نیستند. اگر چه همه مؤمنند. ۲- وجه دیگر که (غیر) به جهت استثناء مرفوع باشد و معنی این است که لا یستوی القاعدون و المجاهدون الا اولوا الضرر فانهم یساوون المجاهدون، زیرا کناره گیری از آنها از جهاد،

بخاطر ناتوانی آنهاست. آیه ۱۲۴: ... فَأَوْلِيكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَلَا يُظْلَمُونَ نَقِيرًا ... ابن کثیر و ابو عمرو به ضم یاء خوانده‌اند و به فتح خاء به صورت مجهول و باقی قاریان به فتح یاء و ضم خاء خوانده‌اند. به دلیل اذْخُلُوهَا بِسَلَامٍ آمِنِينَ، که فرمان خدا به آنها که داخل شوند. دلیل اسست، بر اسناد فعدل به آنها و ایمن دو معنا (۱) اماله، یعنی خارج کردن حروف از حالت فتحه و میل دادن و کشاندن آن به سوی کسره و یاء. اهمیت قرائت عاصم به روایت حفص، ص: ۱۵۸ متداخلند. زیرا اگر آنها فرمان به دخول یابند، داخل می‌شوند. وقتی داخل شوند، بوسیله و فرمان خدا، داخل شده‌اند. آیه ۱۶۳: آتَيْنَا دَاوُدَ زَبُورًا حمزه به ضم خوانده است و باقی قاریان به فتح زاء خوانده‌اند.

## ۵- سوره مائده

۵- سوره مائده آیه ۲: وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ أَنْ صَدُّوْكُمْ نَافِعٌ به روایت اسماعیل و ابن عامر و ابو بکر به سکون نون خوانده‌اند (شنان). باقی قاریان به فتح نون خوانده‌اند. این بهتر است. زیرا مصادری که اولشان مفتوح است، اکثراً به صورت متحرک در حرف دوّم تلفظ می‌شوند. مانند: ضرب ضربان، در این مورد اسکان حرف دوّم کم است. اما آنچه اولش مضموم یا مکسور است، حرف دوّم ساکن است. مانند: شکران- کفران. فراء گفته است: شَنَانٌ به اسکان حرف نون، اسم و با فتحه، مصدر است. آیه ۱۳: وَجَعَلْنَا قُلُوبَهُمْ قَاسِيَةً حمزه قاسیه و باقی قاریان قاسیه خوانده‌اند. به دلیل آیه فَوَيْلٌ لِلْقَاسِيَةِ قُلُوبُهُمْ مِنْ ذِكْرِ اللَّهِ، که همه در آن اتفاق نظر دارند. آیه ۵۰: أَفَحُكْمَ الْجَاهِلِيَّةِ يَبْغُونَ ... ابن عامر به تاء خوانده (تبغون) یعنی برای آنها بگو ای محمد: افحکم الجاهلیة تبغون و باقی قاریان به یاء خوانده‌اند. این بهتر است به دلیل چیزی که قبل از آن آمده است: فَإِنْ تَوَلَّوْا فَاَعْلَمُ أَنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُصِيبَهُمْ بِبَعْضِ دُنُوبِهِمْ. آیه ۶۷: ... وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ نافع و ابن عامر و ابو بکر رسالته و باقی قاریان رسالته خوانده‌اند. این بهتر است به دلیل گفتار پیامبر که فرمود: ان الله عز و جل ارسلنی برسالة و امرنی ان ابلغها ... و سپس این آیه را خواند. اهمیت قرائت عاصم به روایت حفص، ص: ۱۵۹ آیه ۹۷: جَعَلَ اللَّهُ الْكَعْبَةَ الْيُبَيْتِ الْحَرَامِ قِيَامًا لِلنَّاسِ ... ابن عامر (قیما للناس) خوانده است و آن مصدر است. باقی قاریان (قیاما للناس) خوانده‌اند. یعنی برای اصلاح دین و امنیت آنها و این هر دو دو مصدر از «قام» هستند و اصل در آن «قواما» است. می‌گویند: «قاوم- يقاوم- مقاومه» و می‌گویند: «قام- يقوم- قیاما» و هرگاه فعل معتل شود مصدر نیز معتل می‌شود و قام معتل نیست و از این جهت «قواما» گفته نمی‌شود. نمی‌توان گفت قیاما در اصل «قواما» بوده است و او به خاطر کسره ما قبل آن تبدیل به یاء شده است. زیرا این مخالف (صوان و خوان) است. آیه ۱۱۵: قَالَ اللَّهُ إِنِّي مُنَزَّلُهَا عَلَيْكُمْ ... نافع و ابن عامر و عاصم به تشدید خوانده‌اند. (از نزل)

## ۶- سوره انعام

۶- سوره انعام آیه ۱۶: مَنْ يُصْرِفْ عَنْهُ يَوْمِنَا فَقَدْ رَحِمَهُ ... حمزه و کسائی و ابو بکر «من یصرف» را به فتح یاء و کسر راء خوانده‌اند باقی قاریان «من یصرف عنه» به ضم یاء و فتح راء بنابر مجهول قرائت کرده‌اند. دلیل این است که در این وجه کمترین حذف و اضمار وجود دارد. آیه ۳۲: وَ لِلدَّارِ الْآخِرَةِ خَيْرٌ لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ ابن عامر، به یک لام و جر آخر خوانده است و باقی قاریان به دو لام (لدار) و رفع آخر خوانده‌اند. بنابر نعت بودن به دلیل آیه وَ لِلدَّارِ الْآخِرَةِ خَيْرٌ لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ. آیه ۵۲: وَلَا تَطْرُدِ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَدَاةِ وَالْعَشِيِّ ... ابن عامر «بالغدوة» به واو و ضم غین خوانده است و باقی قاریان (بالغداة) یعنی الف و فتح غین خوانده‌اند. زیرا غداة نکره است و غدوة معرفه و با الف و لام استعمال نمی‌شود. اما الف و لام بر سر غداة می‌تواند بیاید چون نکره است. اهمیت قرائت عاصم به روایت حفص، ص: ۱۶۰ آیه ۷۱: كَالَّذِي اسْتَهْوَتْهُ الشَّيَاطِينُ ... حمزه (استهویه) را به یاء خوانده و باقی قاریان

به تاء قرائت کرده‌اند. به دلیل جمع مکسر و مؤنث بودن شیاطین. آیه ۹۹: فَأَخْرَجْنَا مِنْهُ خَضِرًا نُخْرِجُ مِنْهُ حَبًّا مُتَرَاكِبًا وَمِنَ النَّخْلِ مِنْ طَلْعِهَا قِنْوَانٌ دَانِيَةٌ وَجَنَّاتٍ مِنْ أَعْنَابٍ ... عاصم «جئات» را صورت نصب خوانده است. بنا بر (خضرا) یعنی فاخرجنا من الماء خضرا و جنات من اعناب. آیه ۱۱۵: وَتَمَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ صِدْقًا وَعَدْلًا لَا مُبَدِّلَ لِكَلِمَاتِهِ ... عاصم «کلمه» را به صورت مفرد خوانده است به دلیل اجماع همه قاریان در آیه ۱۳۷ سوره اعراف. باقی قاریان به صورت جمع (کلمات) خوانده‌اند. آیه ۱۳۵: ... قُلْ يَا قَوْمِ اعْمَلُوا عَلَىٰ مَكَانَتِكُمْ ... ابو بکر (مکاناتکم) را به صورت جمع خوانده است و بقیه قاریان به صورت مفرد خوانده‌اند. زیرا مفرد می‌تواند جانشین جمع شود، اما جمع جانشین مفرد نمی‌گردد. آیه ۱۵۳: ذَلِكُمْ وَصَّاكُم ... وَأَنَّ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ بنا بر استیناف، حمزه و کسائی به کسر همزه اَنْ و عاصم به فتح همزه (اَنْ) و تشدید نون خوانده‌اند. که دلیل آن را یزیدی ذکر کرده است و می‌گوید به این معنی است: وصاکم به و اَنْ هذا صراطی مستقیما.

## ۷- سوره اعراف

۷- سوره اعراف آیه ۲۵: قَالَ فِيهَا تَخْيُونَ وَ فِيهَا تَمُوتُونَ وَمِنْهَا تُخْرَجُونَ ... حمزه و کسائی و ابن عامر به فتح تا و (تخرجون) و باقی قاریان به ضم تاء به صورت مجهول خوانده‌اند. این بهتر است به دلیل اجماع همه قاریان بر سوره مؤمنین آیه ۱۶: ثُمَّ إِنَّكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ تُبْعَثُونَ. اهمیت قرائت عاصم به روایت حفص، ص: ۱۶۱ آیه ۵۴: ... يُعْشَى اللَّيْلَ النَّهَارَ يَطْلُبُهُ حَثِيثًا وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَالنُّجُومُ مُسَيِّرَاتٍ بِأَمْرِهِ حمزه و کسائی و ابو بکر (یغشی) به تشدید (ش) خوانده‌اند و بقیه قاریان به تخفیف (ش) قرائت کرده‌اند. به دلیل قول خداوند که فرمود: سوره یس آیه ۹: فَأَعْشَيْنَاهُمْ فَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ. آیه ۱۱۲: يَا تُوكَّ بِكُلِّ سَاحِرٍ عَلِيمٍ حمزه و کسائی بکل سحار علیم، خوانده‌اند و باقی قاریان (بکل ساحر) به دلیل اجماع همه قاریان قرائت کرده‌اند. آیه ۱۴۹: قَالُوا لئن لَمْ يَرْحَمْنَا رَبُّنَا وَيَغْفِرْ لَنَا حمزه و کسائی به تاء خطاب ترحمنا و ربنا به نصب باء و باقی قاریان به یاء، «ربنا» مرفوع خوانده‌اند. به این دلیل، وقتی فهمیدند که در گمراهی افتاده‌اند و پشیمان شده‌اند، یکی به دیگری چنین گفت: آیه ۱۸۰: لئن لَمْ يَرْحَمْنَا رَبُّنَا وَيَغْفِرْ لَنَا ... وَ ذَرُوا الَّذِينَ يُلْحِدُونَ فِي أَسْمَائِهِ، حمزه به فتح یاء تلفظ کرده است و باقی قاریان به ضم یاء و کسر حاء خوانند. آیه ۱۹۳: وَإِنْ تَدْعُوهُمْ إِلَى الْهُدَى لَا يَتَّبِعُوكُمْ نافع به سکون تاء قرائت کرده است و باقی قاریان (لا يتبعوكم) دلیل آنها، اجماع همه قاریان است بر سوره بقره آیه ۱۴۳: إِلَّا لِنَعْلَمَ مَنْ يَتَّبِعِ الرَّسُولَ.

## ۸- سوره انفال

۸- سوره انفال آیه ۱۹: ... وَلَنْ تُغْنِيَ عَنْكُمْ فِتْنَتُكُمْ شَيْئًا وَلَوْ كَثُرَتْ وَأَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُؤْمِنِينَ نافع و ابن عامر و حفص به فتح الف خوانده‌اند. یعنی و لأن الله مع المؤمنین، و وقتی (ل) حذف شود (ان) در محل نصب باقی می‌ماند. آیه ۶۷: مَا كَانَ لِنَبِيٍّ أَنْ يَكُونَ لَهُ أَسْوَءُ حَالٍ ... ابو عمرو به تاء خوانده است و اسری را به جماعت حساب آورده است و باقی اهمیت قرائت عاصم به روایت حفص، ص: ۱۶۲ قاریان به یاء قرائت کرده‌اند و جمع اسری را (نه جماعت آن را) در نظر گرفته‌اند.

## ۹- سوره توبه

۹- سوره توبه آیه ۳۰: وَقَالَتِ الْيَهُودُ عَزَبْنَا عَلَى اللَّهِ ... کسائی و عاصم راء «عزیر» را به تنوین خوانده‌اند. بقیه به ضم قرائت کرده‌اند. آیه ۶۱: قُلْ أَذُنٌ خَيْرٌ لَكُمْ ... نافع هو اذن خوانده است و باقی قاریان (اذن خیر) به اضافه خوانده‌اند. آیه ۹۱: وَجَاءَ الْمُعَذِّرُونَ مِنَ الْأَعْرَابِ ... کسائی معذرون را به روایت قتیبه «ا» به تخفیف خوانده است و باقی قاریان و جَاءَ الْمُعَذِّرُونَ به تشدید خوانده‌اند که معذران باشد که تاء به جهت قرب مخرج در ذال ادغام شده است. آیه ۱۰۹: أَمْ مَنْ أَسَّسَ بُنْيَانَهُ عَلَىٰ تَفْوَىٰ مِنَ اللَّهِ ... نافع و ابن عامر

به ضم الف و کسر سین (اسیس) خوانده‌اند و باقی قاریان (اسیس) به فتح حمزه و نصب خوانده‌اند. به دلیل اینکه آغاز این قصه بر ذکر فاعل نهاده شده است. یعنی وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا، که اتخاذ را برای آنها قرار داد.

### ۱۰- سوره یونس

۱۰- سوره یونس آیه ۱۸: سُبْحَانَہُ وَتَعَالَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ ... حمزه و کسائی به تاء خوانده‌اند و باقی قاریان به یاء قرائت کرده‌اند. به دلیل قول خدای متعال: وَيَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللّٰهِ مَا لَا يَضُرُّهُمْ وَلَا يَنْفَعُهُمْ. آیه ۲۷: ... كَانَمَا أُغْشِيَتْ وُجُوهُهُمْ قِطْعًا مِّنَ اللَّيْلِ ... کسائی و ابن کثیر «قطعاً من الليل» خوانده‌اند و باقی قاریان (قطعاً) به فتح طا ( )  
ابن قتیبه: قتیبه بن مهران قاری و (۱) \_\_\_\_\_  
صالح و مورد وثوق، قرائت را عرضاً و سماعاً از کسائی و اسماعیل بن جعفر اخذ کرده است. اهمیت قرائت عاصم به روایت حفص، ص: ۱۶۳ جمع قطعه خوانده‌اند. مانند: آیه ۸۸: رَبَّنَا لِيُضِلُّوا عَنْ سَبِيلِكَ ... اهل کوفه به ضم یاء و باقی قاریان به فتح قرائت کرده‌اند.

### ۱۱- سوره یوسف

۱۱- سوره یوسف آیه ۱۰: وَالْقُوَّةُ فِي غَيَابَتِ الْجُبِّ ... نافع به الف «غیابات» خوانده است و باقی قاریان (غیابه) خوانده‌اند.

### ۱۲- سوره رعد

۱۲- سوره رعد آیه ۱۶: هَيْلٌ تَسْبِيحُ الظُّلُمَاتِ وَ النُّورِ حمزه و کسائی و ابو بکر به یاء خوانده‌اند (یستوی) و باقی قاریان به تاء خوانده‌اند. به دلیل اینکه، ظلمات، مؤنث است.

### ۱۳- سوره ابراهیم

۱۳- سوره ابراهیم آیه ۲۲: وَمَا أَنْتُمْ بِمُضِرِّخِي ... حمزه به کسر یاء «بمصرخی» خوانده است. باقی قاریان به فتح یاء قرائت کرده‌اند. این اختیار به جهت التقاء ساکنین است.

### ۱۴- سوره حجر

۱۴- سوره حجر آیه ۲۲: وَأَرْسَلْنَا الرِّيحَ لَوَاقِحَ ... حمزه به صورت (و ارسلنا الريح لواقح) بدون الف خوانده است. و باقی قاریان (الرياح) به جمع خوانده‌اند. دلیل آن (لواقح) است که نفرموده است: (لاقحا).

### ۱۵- سوره نحل

۱۵- سوره نحل آیه ۲: يُنَزَّلُ الْمَلَائِكَةَ بِالرُّوحِ ... ابو بکر به روایت از کسائی «تنزل» به تا مضموم و فتح زا خوانده است و باقی اهمیت قرائت عاصم به روایت حفص، ص: ۱۶۴ قاریان به تشدید قرائت کرده‌اند. به دلیل سوره حجر آیه ۱۴: إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ. آیه ۷۹: أَلَمْ يَرَوْا إِلَى الطَّيْرِ مُسَخَّرَاتٍ فِي جَوْ السَّمَاءِ ... ابن عامر و حمزه به تاء خطاب خوانده‌اند. باقی قاریان (الم يروا) را به یاء قرائت کرده‌اند. آیه ۱۲۷: وَلَا تَكُ فِي ضَيْقٍ مِّمَّا يَمْكُرُونَ ... ابن کثیر (ولا تك ضيق) را به کسر ضاد خوانده است. باقی قاریان به فتح، قرائت کرده‌اند.

**۱۶- سوره اسری**

۱۶- سوره اسری آیه ۲: وَ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ وَ جَعَلْنَاهُ هُدًى لِّبَنِي إِسْرَائِيلَ أَلَّا تَتَّخِذُوا مِنْ دُونِي وَكِيلًا ... ابو عمرو «لَا يَتَّخِذُوا» به یاء خوانده است. و باقی قاریان «لَا تَتَّخِذُوا» به تا خطاب کرده‌اند. دلیل آنها در انصراف از غیبت به خطاب قول خدای بزرگ است که در سوره فاتحه‌الکتاب می‌فرماید: الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، که در موضع غیبت است. آنگاه می‌فرماید: إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَ إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ، که در موضع خطاب است. اما ضمیر در تتخذوا، اگر چه بر لفظ خطاب است اما از نظر معنی مربوط است به غیبت و می‌توان «ان» را در این تأویل به معنی «ای» تفسیری گرفت. زیرا کلام از غیبت، به خطاب، انصراف پیدا کرده است. آیه ۴۴: تُسَبِّحُ لَهُ السَّمَاوَاتُ السَّبْعُ وَ الْأَرْضُ وَ مَنْ فِيهِنَّ ... «تَسْبِحُ» را ابو عمرو حمزه و کسائی و حفص به تاء خوانده‌اند. دلیل آن، قرائت ابی است: «سَبَّحَتْ لَهُ السَّمَاوَاتُ» دیگر اینکه «سماوات» مؤنث است. آیه ۱۰۲: قَالَ لَقَدْ عَلِمْتُمْ مَا أَنْزَلَ هَؤُلَاءِ إِلَّا رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ ... کسائی «قال لقد علمت» را به رفع تاء خوانده است. باقی قاریان «قال لقد علمت» اهمیت قرائت عاصم به روایت حفص، ص: ۱۶۵ به فتح تاء به صورت مخاطب خوانده‌اند که حضرت موسی به فرعون می‌فرماید. دلیل آنها این است که فرعون و پیروانش صحت امر موسی- علیه السلام- را می‌دانستند. به سبب این گفته‌های خداوند: سوره اعراف آیه ۱۳۴: لئن كَشَفْتُمْ عَنَّا الرِّجْزَ لَكُؤْمِنٌ لَكُم.

**۱۷- سوره كهف**

۱۷- سوره كهف آیه ۲۸: ... يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَدَاةِ وَالْعَشِيِّ ... ابن عامر «بالغدوة العشي» به ضم غین خوانده است و باقی قاریان به فتح قرائت کرده‌اند. به دلیل اینکه «غداة» نکره است و با الف معرفه می‌شود ولی غدوة معرفه است و نمی‌توان الف و لام معرفه بر سر آن آورد. آیه ۵۹: وَ جَعَلْنَا لِمَهْلِكِهِمْ مَوْعِدًا ... ابو بکر به روایت از عاصم به فتح میم و لام خوانده است. یعنی (جعلنا لهلاكهم موعدا) و آن را مصدر قرار داده است. هلک مهلك مهلكا و آنچه بر روزن (فعل، يفعل) باشد، اسم مکان آن بر وزن (مفعل) به کسر عین و مصدر آن بر وزن (مفعل) به فتح عین است. آیه ۸۸: فَلَهُ جَزَاءُ الْحُسْنَى ... حمزه و کسائی و حفص به صورت منصوب و با تنوین خوانده‌اند. به معنی (فله الحسنی جزاء) و جزاء مصدری منصوب در موضع حال است. یعنی فله الحسنی مجزیا لها جزاء و بنا بر تقدیم و تأخیر، منصوب شده است.

**۱۸- سوره مريم**

۱۸- سوره مريم آیه ۸: وَقَدْ بَلَغَتْ مِنَ الْكِبَرِ عِتِيًّا حمزه و کسائی و حفص، «عتیا» را به کسر عین و بقیه به ضم قرائت کرده‌اند. اهمیت قرائت عاصم به روایت حفص، ص: ۱۶۶

**۱۹- سوره طه**

۱۹- سوره طه آیه ۱: طه ابو بکر «طه» را به فتح تاء و کسر هاء خوانده است. حمزه و کسائی و ابو بکر «طه» به کسر تاء و هاء قرائت کرده‌اند. حفص «طه» را به فتح طاء و هاء خوانده است. این اصل است عرب گوید: «طاء و هاء». آیه ۱۳: لَعَلَّكَ تَرْضَى کسائی و ابو بکر «لعلک ترضی» به ضم تاء خوانده است. و باقی قاریان به فتح تاء خوانده‌اند. به دلیل اجماع همه قاریان بر این آیه است که: سوره الضحی آیه ۵: وَ لَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَى.

**۲۰- سوره انبياء**

۲۰- سوره انبیاء آیه ۷: وَمَا أَرْسَلْنَا قَبْلَكَ إِلَّا رِجَالًا نُّوحِي إِلَيْهِمْ ... حفص «الّا رجلا نوحی» را به نون و کسر حاء خوانده است که خدای بزرگ از خویشان خبر می‌دهد. و دلیل او قول خداست که فرمود: سوره ۴: إِنَّا أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ كَمَا أَوْحَيْنَا إِلَى نُوحٍ. آیه ۵۸: فَجَعَلَهُمْ جُرَادًا إِلَّا كَبِيرًا لَهُمْ ... کسائی «فجعلهم جرادا» را به کسر خوانده است و آن جمع جذید است. جذید معدول از مجذوذ است و باقی قاریان «جرادا» به ضم خوانده‌اند. یزیدی گفته است: واحد آن «جرادة» است. مثل (زجاجه و زجاج). قَالَ رَبِّ احْكُم خوانده است و این اخبار خدای عز و جل از پیامبرش - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - می‌باشد که او گفت: يَا رَبِّ احْكُم بِالْحَقِّ وَبِأَقْرَبِ قَارِيَانِ «قل» به صورت امر خوانده‌اند یعنی: قل یا محمد یا رب احکم بالحق. اهمیت قرائت عاصم به روایت حفص، ص: ۱۶۷

## ۲۱- سوره حج

۲۱- سوره حج آیه ۱۹: هَذَانِ خَصِمَانِ اِخْتَصِمَا فِي رَبِّهِمْ ... این کثیر «هذان» را با تشدید نون خوانده است و باقی قاریان بدون تشدید قرائت کرده‌اند. دلیل آن را در سوره نساء آیه ۱۶ نقل کردیم. آیه ۴۵: فَكَأَيِّنْ مِنْ قَرْيَةٍ أَهْلَكْنَاهَا وَهِيَ ظَالِمَةٌ ... ابو عمرو نون «اهلکناها» را به تا خوانده است. دلیل او ما قبل و ما بعد آن است. باقی قاریان «اهلکناها» را به نون خوانده‌اند. دلیل آن اجماع همه قاریان است بر: سوره قصص آیه ۵۸: وَكَمْ أَهْلَكْنَا مِنْ قَرْيَةٍ وَ در همه قرآن چیزی از اهلاک به صورت مفرد نیامده است. و همه جا به صورت جمع آمده و بهتر است که این مورد را هم مانند سایر موارد بدانیم.

## ۲۲- سوره مؤمنون

۲۲- سوره مؤمنون آیه ۴۴: ثُمَّ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا تَتْرًا ... ابن کثیر و ابو عمرو «تتری» با تنوین و باقی قاریان تتری بر وزن فعلی قرائت کرده‌اند و معنی تتری از موآتره است. موآتره این است که خبر پشت خبر و نامه از پس نامه بیاید و میان آنها فاصله زیاد نباشد.

## ۲۳- سوره نور

۲۳- سوره نور آیه ۱۲: وَلَا تَأْخُذْكُمْ بِهِمَا رَأْفَةٌ فِي دِينِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ ... ابن کثیر «ولا تأخذکم بهما رأفة» را به فتح همزه قرائت کرده است و باقی قاریان «رأفة» به سکون همزه می‌خوانند و این اصل کلمه است. می‌گویند: (رؤف - یروؤف - رأفة). آیه ۴۵: وَاللَّهُ خَالِقُ كُلِّ دَابَّةٍ مِنْ مَاءٍ ... حمزه و کسائی به صورت اسم فاعل (خالق) و مضاف به ما بعدش قرائت اهمیت قرائت عاصم به روایت حفص، ص: ۱۶۸ کرده‌اند و باقی قاریان «خلق کل دابة» خوانده‌اند. زیرا که مقصود تنبیه است. با عبرت گرفتن از این فعل و ما بعد آن.

## ۲۴- سوره فرقان

۲۴- سوره فرقان آیه ۱۷: وَيَوْمَ يُحْشَرُهُمْ وَمَا يَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ يَقُولُ أَأَنْتُمْ أَضَلَلْتُمْ عِبَادِي هَؤُلَاءِ ... ابن کثیر و حفص «یوم یحشرهم» را به یاء خوانده‌اند و باقی قاریان «نحشرهم» را به نون و «فیقول» را به یاء خوانده‌اند. به دلیل قول پیش از آن: كَانَ عَلَى رَبِّكَ وَعْدًا مَسْئُولًا.

## ۲۵- سوره شعراء

۲۵- سوره شعراء آیه ۱۷۶: كَذَّبَ أَصْحَابُ الْأَيْكَةِ الْمُرْسَلِينَ نافع و ابن کثیر و ابن عامر «كذب أصحاب لیکة» را به فتح لام و تاء در اینجا و باقی قاریان «الایکة» را به کسر تا قرائت کرده‌اند. (ایکة) درخت پر شاخ و برگ در هم فرو رفته است.

**۲۶- سوره نمل**

۲۶- سوره نمل آیه ۵۹: ... اَللّٰهُ خَيْرٌ اَمَّا يُشْرِكُوْنَ ... ابو عمرو و عاصم «اللّه خیر ام ما یشرکون» را به یاء خوانده‌اند. و آن را خبر از اهل شرک دانسته‌اند که غایبند و چون غایبند کلام را بر لفظ خبر آورده‌اند. آیه ۷۰: وَلَا تَكُنْ فِي ضَيْقٍ مِّمَّا يَمْكُرُونَ ... ابن کثیر و باقی قاریان فی ضیق به فتح قرائت کرده‌اند و ضیق به کسر ضاد، اسم و ضیق به فتح، مصدر است.

**۲۷- سوره زمر**

۲۷- سوره زمر وقتی در موردی اجماع است و در مورد مشابه آن اختلاف، باید بر آنچه اجماع اهمیت قرائت عاصم به روایت حفص، ص: ۱۶۹ است، مراجعه کرد.

**۲۸- سوره الرحمن**

۲۸- سوره الرحمن آیه ۱۲: وَالْحَبُّ ذُو الْعَصْفِ وَالرَّيْحَانُ ... ابن عامر به فتح باء خوانده است و بقیه قاریان به رفع باء خوانده‌اند که عطف است: به فیها فاکهه.

**۲۹- سوره حدید**

۲۹- سوره حدید آیه ۱۸: اِنَّ الْمُصَدِّقِينَ وَالْمُصَدِّقَاتِ وَاَقْرَضُوا اللّٰهَ قَرْضًا حَسِيْنًا ابن کثیر و ابو بکر بدون تشدید صاد در مصدقین و مصدقات و باقی قاریان با تشدید صاد قرائت کرده‌اند.

**۳۰- سوره تغابن**

۳۰- سوره تغابن آیه ۱۷: اِنْ تُقْرِضُوا اللّٰهَ قَرْضًا حَسِيْنًا يُضَاعِفْهُ لَكُمْ و باقی قاریان «یضاعفه» با الف قرائت کرده‌اند و همان گونه که سیویه گفته است: ضاعف و ضَعَف به یک معنا است.

**۳۱- سوره معارج**

۳۱- سوره معارج آیه ۴: تَعْرُجُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ اِلَيْهِ ... کسائی «یعرج» را به یاء خوانده است و باقی قاریان به تاء قرائت کرده‌اند. باید دانست که جمع‌های مکسر، اگر به معنی جمع بیانند، مذکر و اگر به معنی جماعت باشند مؤنث به حساب می‌آیند. اهمیت قرائت عاصم به روایت حفص، ص: ۱۷۰

**۳۲- سوره مدثر**

۳۲- سوره مدثر آیه ۵۶: وَ مَا يَذْكُرُونَ اِلَّا اَنْ يَشَاءَ اللّٰهُ نَافِعٌ به تاء خطاب خوانده است و باقی قاریان به یاء قرائت کرده‌اند. زیرا مربوط به کلام ما قبل آن است.

**۳۳- سوره مرسلات**

۳۳- سوره مرسلات آیه ۶: عِذْرًا اَوْ نَذْرًا نَافِعٌ و ابن عامر و ابن کثیر و ابو بکر «عذرا» به سکون ذال و باقی قاریان به ضم ذال قرائت

کرده‌اند.

**۳۴- سوره نبأ**

۳۴- سوره نبأ آیه ۱۹: وَفُتِحَتِ السَّمَاءُ فَكَانَتْ أَبْوَابًا عَاصِمٌ وَحَمْزُهُ وَكَسَائِي فَتَحْتِ رَا بَدُونَ تَشْدِيدِ تَا وَبَاقِي بَا تَشْدِيدِ خَوَانِدِه‌اَنَدِ.  
می‌گویند تخفیف مربوط به قلیل و کثیر است.

**۳۵- سوره مطففین**

۳۵- سوره مطففین آیه ۳۱: وَإِذَا انْقَلَبُوا إِلَىٰ أَهْلِهِمْ انْقَلَبُوا فَكِهِينَ حَفْصٌ بَدُونَ الْفِ قَرَأَتْ كَرْدِهْ اَسْتِ «فَكِهين» وَبَاقِي قَارِيَانِ بَا الْفِ خَوَانِدِه‌اَنَدِ. فَرَاءَ كَفْتِ هَر دُو، لَهْجَه اَسْت. فَلَا اَفْتَحَمَ الْعَقَبَةُ فَكُّ رَقَبَةٍ...، اَبِن كَثِيرٍ وَكَسَائِي فَكُّ بَه فَتْحِ كَافٍ وَبَه عِنْوَانِ فَعْلٍ مَاضِي وَ (رَقَبَةُ) بَه نَصْبِ بَه عِنْوَانِ مَفْعُولِ بَه، وَبَاقِي قَارِيَانِ (فَكُّ رَقَبَةُ) بَه صَوْرَتِ مَضَافٍ وَ مَضَافٍ اِلَيْهِ اَوْرَدِه‌اَنَدِ دَلِيلِ اَنْ قَوْلِ خَدَاوَنْدِ اَسْتِ كِه مِي كَوِيدِ: وَ مَا اَدْرَاكُ مَا الْعَقَبَةُ وَ اَنكَاهِ خَبَرِ مِي دِهَدِ: فَكُّ رَقَبَةٍ. اَهْمِيَّتِ قَرَأَتْ عَاصِمٌ بَه رَوَايَتِ حَفْصِ، ص: ۱۷۱

**۳۶- سوره انشقاق**

۳۶- سوره انشقاق آیه ۱۲: وَيَصِيلِي سَيِّعِيرًا اَبُو عَمْرُو وَ عَاصِمٌ وَ حَمْزُهُ: «وَيَصِيلِي سَعِيرًا» بَه فَتْحِ يَاءٍ وَ سَكُونِ صَادِ قَرَأَتْ كَرْدِه‌اَنَدِ يَعْنِي بَه سَوِي آتَشِ مِي رُوْدِ وَ بَه اَنْ مِي رَسَدِ اَز (صَلِي يَصِيلِي فَهَوِ وَصَالِ). دَلِيلِ اَنَّهُا اِجْمَاعِ هَمِه قَارِيَانِ اَسْتِ بَر: سُوْرَه الْاَعْلَى آيَه ۱۲: وَيَصِيلِي النَّارَ الْكُبْرَى وَ سُوْرَه الصَّافَاتِ آيَه ۱۶۳: اِلَّا مَنْ هُوَ صَالٍ الْجَحِيمِ، اَنُجَه رَا كِه دَر اَنْ اِخْتِلَافِ، بَا اَنُجَه دَر اَنْ اِتْفَاقِ اَسْتِ رَا مَقَايسَه مِي كَنِيْمِ. مَعْنِي اَنْ اَيْنِ اَسْتِ كِه تَحْمِيلِ حَرَارَتِ اَنْ رَا مِي كَنْدِ اَز (صَلِيَتِ النَّارِ) يَعْنِي تَحْمِيلِ حَرَارَتِ آتَشِ رَا كَرْدِي. بَاقِي قَارِيَانِ: وَيَصِيلِي رَا بَا تَشْدِيدِ خَوَانِدِه‌اَنَدِ. آيَاتِ ۱۹ وَ ۲۰: لَتَرْكَبُنَّ طَبَقًا عَن طَبَقٍ. فَمَا لَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ اَبِن كَثِيرٍ وَ حَمْزُهُ وَ كَسَائِي «لَتَرْكَبُنَّ طَبَقًا» رَا بَه فَتْحِ بَاءِ خَوَانِدِه‌اَنَدِ. وَ بَاقِي قَارِيَانِ «لَتَرْكَبُنَّ» بَه رَفْعِ بَا خَوَانِدِه‌اَنَدِ. دَلِيلِ اَنَّهُا اَيْنِ اَسْتِ كِه مَرْدَمِ مَخَاطَبَنْدِ. زِيْرَا اَمْدَه اَسْتِ كِه نَامِه اَوْ رَا بَه دَسْتِ رَاسْتِ وَ چِپَشِ بَدِهَنْدِ، اَنكَاهِ اَز حَالَاتِ مَخْتَلَفِ، كَفْتَنُگُو مِي كَنْدِ.

**۳۷- سوره بروج**

۳۷- سوره بروج آیه ۱۵: ذُو الْعَرْشِ الْمَجِيدُ حَمْزُهُ وَ كَسَائِي «ذُو الْعَرْشِ الْمَجِيدُ» رَا بَه كَسْرِ وَ بَاقِي قَارِيَانِ بَه رَفْعِ قَرَأَتْ كَرْدِه‌اَنَدِ. اَنْ رَا صِفَتِ (ذُو) قَرَارِ دَاْدِه‌اَنَدِ. مَجْدُ بَه مَعْنِي شَرَفِ اَسْتِ وَ اَنْ رَا بَه خَدَايِ بَزْرَگِ نَسْبَتِ دَاْدِه‌اَنَدِ كِه يَكِي اَز اَوْصَافِ اَوْسْتِ. آيَاتِ ۲۱ وَ ۲۲: بَيْلٌ هُوَ قُرْآنٌ مَجِيدٌ. فِي لَوْحٍ مَحْفُوظٍ نَافِعٌ ظَا رَا دَر «فِي لَوْحٍ مَحْفُوظٍ»، بَه رَفْعِ خَوَانِدِه‌اَنَدِ. دَر اَهْمِيَّتِ قَرَأَتْ عَاصِمٌ بَه رَوَايَتِ حَفْصِ، ص: ۱۷۲ كَشَفِ الْاَسْرَارِ «۱» اَمْدَه اَسْتِ: «فِي لَوْحٍ مَحْفُوظٍ» قَرَأَ نَافِعٌ «مَحْفُوظٌ» بِالرَّفْعِ عَلِي نَعْتِ الْقُرْآنِ، فَانَّ الْقُرْآنَ مَحْفُوظٌ مِنْ التَّبْدِيلِ وَ التَّغْيِيرِ وَ التَّحْرِيفِ. قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: اِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَ اِنَّا لَهْ لَحَافِظُونَ. وَ دَر مَجْمَعِ الْبَيَانِ «۲» اَمْدَه اَسْتِ: نَافِعٌ «فِي لَوْحٍ مَحْفُوظٍ» رَا بَه رَفْعِ خَوَانِدِه‌اَنَدِ اَسْتِ وَ بَاقِي قَارِيَانِ بَه جَزْ قَرَأَتْ كَرْدِه‌اَنَدِ.

**۳۸- سوره طارق**

۳۸- سوره طارق آیه ۴: اِنْ كُدُّ لِّ نَفْسٍ لَمَّا عَلَيْهَا حَافِظٌ اَبِن عَامِرٍ وَ عَاصِمٌ وَ حَمْزُهُ «اِنْ كُدُّ لِّ نَفْسٍ لَمَّا» رَا بَا تَشْدِيدِ خَوَانِدِه‌اَنَدِ، يَعْنِي: مَا كَلَّ نَفْسِ الْاَعْلِيهَا حَافِظٌ. پَسِ «اِنْ» بَه مَعْنِي (مَا)، وَ «لَمَّا» بَه مَعْنِي (اَلَّا) اَسْتِ. عَرَبِ مِي كَوِيدِ: نَشَدْتَكِ اللهُ لَمَّا فَعَلْتِ، يَعْنِي: اَلَّا فَعَلْتِ. بَاقِي قَارِيَانِ: «لَمَّا» بَدُونَ تَشْدِيدِ خَوَانِدِه‌اَنَدِ.

## ۳۹- سوره اعلی

۳۹- سوره اعلی آیه ۳: وَالَّذِي قَدَّرَ فَهَدَىٰ كَسَائِي «و الّذی قدر فهدی» را بدون تشدید خوانده است. باقی قاریان با تشدید قرائت کرده‌اند. به این معنی که: قَدَّرَ خلقه فهدی کُلّ مخلوق الی مصلحته. گفته می‌شود، مقصود از «هدی» هدایت جنس نر به سوی جنس ماده است. دلیل آنها این قول خداست: سوره فرقان آیه ۲: وَخَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ فَقَدَرَهُ تَقْدِيرًا که همه قاریان بر مشدد بودن آن اجماع دارند. آیه ۱۶: يَلْ تُؤْتُوا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا ابو عمرو «بل یؤثرون» به یاء خوانده است و باقی قاریان «تؤثرون» به تاء خوانده‌اند. (۱) کشف الاسرار، ج ۱۰، ص ۴۴۵.

(۲) مجمع البیان، ج ۵، ص ۴۶۴. (ج صیرا). اهمیت قرائت عاصم به روایت حفص، ص: ۱۷۳ یعنی: بل انتم تؤثرون. دلیل آنها این است که در قرائت ابی «بل انتم تؤثرون» است. در کشف الاسرار «۱» آمده است: يَلْ تُؤْتُوا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا، قرأ ابو عمرو و يعقوب بالياء. و قرأ الاخرون بالتاء يخاطب بها كضار قريش ايضا و تقديره، قل لهم «بل تؤثرون الحيوه الدنيا» على الاخره. و قيل الخطاب للمؤمنين اي: «بل تؤثرون» الاستكثار من الدنيا على استكثار من الاخره.

## ۴۰- سوره غاشیه

۴۰- سوره غاشیه آیه ۴: تَصَلِي نَارًا حَامِيَةً ابو عمرو و ابو بکر «تصلی نارا حامیه» به ضمّ تاء خوانده‌اند و باقی قاریان «تصلی» به فتح تاء خوانده‌اند. دلیل آنها این است (الصلی) در بیشتر قرآن به آنها نسبت داده شده است. مانند: سوره الانفطار آیه ۱۵: يَصْلُوْنَهَا يَوْمَ الدِّينِ. آیه ۱۱: لَا تَسْمَعُ فِيهَا لِأَعْيُنٍ ابْنِ كَثِيرٍ و ابو عمرو «لا یسمع» به ضمّ یاء، و «لاعیه» بنابر فعل مجهول و نایب فاعل قرائت کرده‌اند. کوفیان «لا تسمع» به فتح تاء، و «لاعیه» به نصب قرائت کرده‌اند. دلایل آنها دو وجه است: یکی این که می‌توان سماع را به وجوه ذکر شده در آیه قبل مربوط دانست. زیرا این آیه به دنبال خبر از (وجوه ناعمه) آمده است و میان این دو هم فاصله‌ای نیامده است. معنی مربوط به صاحبان این وجوه است. دیگر آن که مخاطب حضرت رسول- صلی الله علیه و آله- است، گویی که می‌فرماید: (لا تسمع یا محمد فی الجنة لاعیه) دلیل آن، این است: سوره الانسان آیه ۲۰: إِذَا رَأَيْتَ نَسَمَ رَأَيْتَ نَعِيمًا وَمَلَكًا كَبِيرًا. (۱) کشف اسرار، ج ۱۰، ص ۴۶۲.

اهمیت قرائت عاصم به روایت حفص، ص: ۱۷۴

## ۴۱- سوره فجر

۴۱- سوره فجر آیات ۳ و ۴: وَالشَّفْعِ وَالْوَتْرِ. وَاللَّيْلِ إِذَا يَسِيرٍ حمزه و کسائی «و الشّفْع و الوتر» به کسر واو و باقی قاریان به فتح قرائت کرده‌اند. این دو، دو لغت یا دو لهجه‌اند، مثل: الجسر و الجسر. آیه ۱۶: وَأَمَّا إِذَا مَا ابْتَلَاهُ فَقَدَرَ عَلَيْهِ رِزْقَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَهَانَنِ ابْنِ عَامِرٍ «فقدّر علیه» با تشدید خوانده است. باقی قاریان بدون تشدید خوانده‌اند که مورد انتخاب است و دلیل آنها: سوره الرعد آیه ۲۶: يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَقْدِرُ و این دو، دو لغت یا دو لهجه‌اند. آیات ۱۷ و ۲۰: كَلَّا بَلْ لَا تُكْرِمُونَ الْيَتِيمَ وَلَا تَحَاضُّونَ عَلَى طَعَامِ الْمِسْكِينِ. وَتَأْكُلُونَ الثَّرَاثَ أَكْلًا لَمًّا. وَتُحِبُّونَ الْمَالَ أَبُو عمرو کلا بل یکرمون ... و لا یحضون ... و یا کلون ... و یحبون به یاء خوانده است. و باقی قاریان همه را به تاء خطاب خوانده‌اند یعنی: قل لهم. می‌گویند مخاطبه با توبیخ بلیغ تر از خبر است، بنابر این کلام را به صورت خطاب ادا کرده است. عاصم و حمزه و کسائی «و لا تحاضون» با الف خوانده‌اند. یعنی یکدیگر را بر نمی‌انگیزند دلیل آنها: سوره البلد آیه ۱۷: وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ وَتَوَاصَوْا بِالْمَرْحَمَةِ است و اصل آن (تتحاضون) بوده است که تاء دومی حذف شده است. آیات ۲۵ و ۲۶: فَيَوْمَئِذٍ لَا يُعَذِّبُ عَذَابُهُ أَحَدًا. وَلَا يُوثِقُ وَثَاقَهُ أَحَدٌ كَسَائِي (فیومئذ لا یعذب عذابه احد) را به فتح ذال، و «و لا یوثق»

را به فتح ثاء خوانده است باقی قاریان لا يُعَذَّبُ عَذَابَهُ أَحَدٌ. وَ لا يُوثِقُ را به کسر ذال و ثا خوانده‌اند. به این معنی که: لا يعذب عذاب الله أحد و لا يوثق وثاق الله احد. یعنی هیچ کس در دنیا، مثل عذاب آخرت کیفر نمی‌شود. حسن گفته است: خدا عذاب و بند دنیا را می‌داند و می‌فرماید: اکنون کسی در دنیا در بند و عذاب نیست. اهمیت قرائت عاصم به روایت حفص، ص: ۱۷۵

#### ۴۲- سوره بلد

۴۲- سوره بلد آیات ۱۱ و ۱۴: فَلَا اقْتَحَمَ الْعَقَبَةَ. وَ مَا أَدْرَاكَ مَا الْعَقَبَةُ. أَوْ إِطْعَامٌ ... ابن کثیر و ابو عمرو و کسائی «فكك» به فتح کاف به عنوان فعل ماضی، و «رقبه» به نصب به عنوان مفعول به، و «أو اطعم» همانند «فكك» قرائت کرده‌اند. باقی قاریان «فكك رقبه» به صورت مضاف و مضاف الیه، و «أو اطعام» به کسر الف خوانده‌اند. ابو عبیده گفته است: «فلا اقتحم العقبه»، یعنی «فلم يقتحم العقبه فی الدنیا». آنگاه عقبه را تفسیر می‌کند و می‌گوید: وَ مَا أَدْرَاكَ مَا الْعَقَبَةُ. فَكُّ رَقَبَةٍ. أَوْ إِطْعَامٌ فِي يَوْمٍ ذِي مَسْئَةٍ. دلیل آنها این تفسیر قول خدای تعالی است: «و ما ادريك ما العقبه» آنگاه خبر می‌دهد و می‌فرماید: «فكك رقبه أو اطعام» و مانند این است: سوره القارعه آیه ۱۰: وَ مَا أَدْرَاكَ مَا هِيَهٗ آنگاه می‌فرماید: سوره القارعه آیه ۱۱: نَارٌ حَامِيَةٌ وَ هَمِينَ كَوْنَهُ اسْت: «و ما ادريك ما الحطمة» آنگاه می‌فرماید: سوره الحطمة آیه‌های ۵ و ۶: نَارُ اللَّهِ الْمُوقَدَةُ وَ باز همین گونه است: «و ما ادريك ما يوم الدين» آنگاه فرمود: سوره الانفطار آیه ۱۸ و ۱۹: يَوْمَ لَا- تَمْلِكُ نَفْسٌ لِنَفْسٍ شَيْئًا. آیه ۲۰: عَلَيْهِمْ نَارٌ مُّؤَصَّدَةٌ ابو عمرو و حمزه و حفص «مؤصدة» را با همزه و باقی قاریان بدون همزه قرائت کرده‌اند. کسانی که با همزه قرائت کرده‌اند، آن را بر وزن (مفعلة) از (اصدت الباب) یعنی: در را بستم و قفل کردم.

#### ۴۳- سوره شمس

۴۳- سوره شمس آیه ۱۵: وَ لا- يَخَافُ عُقْبَاهَا نافع و ابن عامر «فلا يخاف» را فاء قرائت کرده‌اند به این معنی که: قدمدم عليهم ربهم ... فلا- يخاف عقباها یعنی لا يخاف الله لان رب العزة لا يخاف شيئاً. و باقی قاریان «و لا يخاف» به واو خوانده‌اند. به این معنی که: اذا انبعث أشقاها لعقر الناقة و هو لا يخاف عقباها، یعنی: لا يخاف ما يكون من عاقبة فعله: پس فاعل (يخاف اهمیت قرائت عاصم به روایت حفص، ص: ۱۷۶ العاقبة) ضمیری است که به اشقاها بر می‌گردد.

#### ۴۴- سوره علق

۴۴- سوره علق آیات ۶ و ۷: إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنَافٍ. أَنْ رَأَاهُ اسْتَعْجَنِي ابْن كَثِير، در روایت قَوَّاس «ان رآه» بر وزن (رعه) خوانده است. باقی قاریان «أن رآه» قرائت کرده‌اند. اصل آن (رأيه) بر وزن (رعيه) است که یاء لام الفعل به جهت فتحه ما قبلش به الف تبدیل شده و به صورت (رآه) در آمده است. مجاهد، گفته است: روایت قَوَّاس غلط است. زیرا لام الفعل که الف مبدل از یاء است، حذف شده و موجبی ندارد.

#### ۴۵- سوره قدر

۴۵- سوره قدر آیه ۵: سَلَامٌ هِيَ حَتَّىٰ مَطْلَعِ الْفَجْرِ كَسَائِي «حَتَّىٰ مطلع الفجر» به کسر لام قرائت کرده است و باقی قاریان «مطلع» به فتح لام قرائت کرده‌اند. یعنی طلوع فجر و این مصدر است از (طلعت الشمس طلوعاً و طلوعاً) به این معنی که: سلام هی حتی طلوعه و الی وقت طلوعه.

**۴۶- سوره بینه**

۴۶- سوره بینه آیات ۶ و ۷: ... هُمْ شَرُّ الْبَرِيَّةِ ... هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ نافع و ابن عامر «شَرُّ الْبَرِيَّةِ» و «خَيْرُ الْبَرِيَّةِ» با همزه قرائت کرده‌اند و باقی قاریان البریة بدون همزه خوانده‌اند از (برأ الله الخلق) جز اینکه اینان همزه را به جهت کثرت استعمال مخفف کرده‌اند و (شَرُّ الْبَرِيَّةِ و خیر البریة) می‌گویند، اگر چه در اصل دارای همزه است. اهمیت قرائت عاصم به روایت حفص، ص: ۱۷۷

**۴۷- سوره زلزال**

۴۷- سوره زلزال آیات ۷ و ۸: فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ. وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ يحيى «۱» بنا به روایت عجللی «خیرا یره» و «شَرًّا یره» را به سکون هاء در هر دو و حلوانی «یره» و «یره» به اختلاس قرائت کرده است. باقی قاریان «یرهو» به اشباع تلفظ کرده‌اند. دلیل آنها هم این است که ما قبل هاء متحرک است. آن کس که به اشباع می‌خواند، به ضمّه عوض از واو اکتفا کرده است.

**۴۸- سوره قارعة**

۴۸- سوره قارعة آیه ۱۰: وَمَا أَدْرَاكَ مَا هِيَ هَمْزَةٌ، «ماهیه» را به حذف هاء در وصل خوانده است. باقی قاریان به اثبات هاء در وصل قرائت کرده‌اند. در سورة الحاقه، ذیل آیه‌های ۲۸ و ۲۹ در این باره سخن به میان آمده است.

**۴۹- سوره تکاثر**

۴۹- سوره تکاثر آیات ۶ و ۷: ... لَتَرَوُنَّ الْجَحِيمَ. ثُمَّ لَتَرَوُنَّهَا عَيْنَ الْيَقِينِ كَسَائِي و ابن عامر «لَتَرَوُنَّ الْجَحِيمَ» به ضمّ تاء و به صورت مجهول و «ثم لترونها» به نصب قرائت کرده‌اند. و باقی قاریان «لَتَرَوُنَّ الْجَحِيمَ» به فتح تاء خوانده‌اند یعنی: انکم لترونها. دلیل آنها اجماع همه قاریان است در فتح تاء در این قول خدای بزرگ «ثم لترونها». (حافظ بزرگ قرآن یحیی بن آدم ابو زکریا الصلحی، که از ابو بکر بن عیاش و کسائی روایت قرآن می‌کند و احمد بن حنبل و خلف بن هشام بزار و حسین عجللی و غیرهم از او روایت می‌کنند در قریه فم الصلح از قراء وسط در سال ۲۰۳ هجری وفات یافت. اهمیت قرائت عاصم به روایت حفص، ص: ۱۷۸)

**۵۰- سوره همزة**

۵۰- سوره همزة آیه ۶: الَّذِي جَمَعَ مَالًا وَعَدَّدَهُ ابْنُ عَامِرٍ وَ حَمْزَةٌ وَ كَسَائِي «جمع مالا» را با تشدید قرائت کرده‌اند. باقی قاریان «جمع» را بدون تشدید خوانده‌اند از (جمعت جمعا). دلیل آنها اجماع همه قاریان است بر: سوره یونس آیه ۵۸: خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُونَ ما آنچه را که در آن اختلاف است، با آنچه در آن اتفاق است، مقایسه می‌کنیم. آیه ۹: فِي عَمَدٍ مُمَدَّدَةٍ حَمْزَةٌ وَ كَسَائِي و ابو بکر «فی عمد» به ضمّ عین و میم و باقی قاریان به نصب هر دو قرائت کرده است. و کسائی که «عمد» خوانده‌اند آن را جمع (عمدة) دانسته‌اند مانند: (بقرة و بقر، و ثمره و ثمر، و عمدة و عمد). و در جمع (عمود) هم به صورت (عمد) آمده است. و نیز گفته‌اند: (افيق و افق، و اديم و آدم، و عمود و عمد). و این اسمی از اسماء جمع غیر مستمر است.

**۵۱- سوره قریش**

۵۱- سورة قريش آیات ۱ و ۲: لِيَلِافِ قُرَيْشٍ إِيْلَافِهِمْ. رِحْلَةَ الشَّتَاءِ وَالصَّيْفِ أَبُو بَكْرٍ بِهِ رَوَايْتُ يَحْيَى: «لا يلاف قريش ائلافهم» را به دو همزه خوانده است که همزه دوم ساکن است. گفته شده است که ابو بکر از این قرائت برگشته است. از اعشی روایت شده است که ابو بکر «إيلافهم» به دو همزه مکسور که پس از آن یاء می‌باشد، قرائت کرده است.

## ۵۲- سورة تبت

۵۲- سورة تبت آیات ۱ و ۴ و ۵: تَبَّتْ يَدَا أَبِي لَهَبٍ وَتَبَّ ... وَامْرَأَتُهُ حَمَّالَةَ الْحَطَبِ. فِي جِيدِهَا حَبْلٌ مِنْ مَسَدٍ ابْنِ كَثِيرٍ «تبت يدا أبي لهب» را به سکون هاء خوانده است. باقی قاریان به فتح اهمیت قرائت عاصم به روایت حفص، ص: ۱۷۹ هاء قرائت کرده‌اند. این دو، دو لغت یا دو لهجه‌اند. مانند: شمع و شمع، و نهر و نهر. اتفاق قاریان بر فتح دلیل بر این است که این لهجه بهتر از اسکان هاء است. عاصم «حمالة الحطب» را به نصب خوانده است.

## ۵۳- سورة اخلاص

۵۳- سورة اخلاص آیه ۴: ... وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ حمزه و اسماعیل «کفوا» به سکون فاء و باقی قاریان به ضم فاء قرائت کرده‌اند. این دو، دو لغت یا دو لهجه‌اند. مانند: رسل و رسل، و کتب و کتب. حفص، «کفوا» را به ضم فاء و فتح واو و بدون همزه قرائت کرده است یعنی بجای همزه واو آورده است. عرب می‌گوید: (لیس لفلان کفو و لا مثل و لا نظیر) و خدای عز و جل نه نظیری دارد و نه مثلی و نه کفوی. در کشف الاسرار «۱» آمده است: ... قرأ حمزة «كفوا» ساكنة الفاء مهموزة، و قرأ حفص عن عاصم به ضم الفاء من غير همز. و قرأ الاخرون بضم الفاء مهموزا، و كلها لغات صحيحة. و الكفوء و الكفي واحد، و هو المثل و النظير، و منه المكافاة ... و در مجمع البيان «۲» آمده است: اسماعيل از نافع و حمزه و خلف و رويس «كفا» را به سکون فاء و با همزه خوانده‌اند. حفص، «كفوا» را به ضم فاء و فتح واو و بدون همزه خوانده است. باقی قاریان «كفوا» را به ضم فاء و با همزه قرائت کرده‌اند. لازم به تذکر است که این بخشی از اختلاف قرائت عاصم و دیگر قاریان می‌باشد که به جهت طولانی شدن مطلب از ذکر همه موارد اختلاف خودداری کرده‌ایم، لذا جویندگان برای بررسی همه موارد مورد اختلاف به کتب جامع دیگری می‌توانند مراجعه کنند. (۱) کشف الاسرار، ج ۱۰، ص ۶۶۳.

(۲) مجمع البيان، ج ۵، ص ۵۶۲. (چ صیرا). اهمیت قرائت عاصم به روایت حفص، ص: ۱۸۱

## چکیده مطالب

## اشاره

چکیده مطالب قرآن، فرهنگ غنی اسلام و پیام خداوند برای هدایت انسان است. علم قرائت نیز یکی از علوم کهن و برخاسته از قرآن و رشد یافته در تاریخ اسلام است. از همان ادوار نخستین، گروهی پیوسته به این علم همت گماشتند و امر قرائت را عهده‌دار شدند از آن جمله‌اند: عبد الله بن مسعود، ابی بن کعب، ابو الدرداء، زید بن ثابت، اسود بن یزید، ابو عبد الرحمن سلمی و مسروق بن اجدع. پیوسته سلسله قراء، قرن به قرن ادامه داشت، تا اینکه اوایل قرن ۴ ابو بکر بن مجاهد (۲۴۵-۳۲۴) شیخ القرای بغداد علم قرائت را در قرائت از هفت قاری مشهور به رسمیت شناخت و قرائت هر یک از این قراء توسط دو راوی روایت شده است. مقصود از قرائت تلقی قرآن واحد ثقه از ثقه است که اسناد نهایتاً به رسول خدا- صلی الله علیه و آله- برسد. از این روست که قاریان زمان رسول اکرم- صلی الله علیه و آله- که مستقیماً قرائت قرآن را از آن حضرت اخذ کرده بودند، سعی می‌کردند معارف خود را در

اختیار دیگران بگذارند. بدین گونه بود که گروهی از ایشان به مقام استادی نائل گشته‌اند. گروهی از تابعین نیز قرائت را از صحابه اخذ کردند آن عده که در امر قرائت بارز و متبحر شدند، خود بر مسند اقرآء تکیه زدند و حوزه‌های قرآنی در شهرهایی مانند: مکه، کوفه، بصره و شام تشکیل دادند که امر بدین منوال گذاشت و تعداد قاریان در طی سالیان متمادی افزایش یافت، تا اینکه، ابن مجاهد از میان آنها ۷ قاری: ابن عامر، ابن کثیر، عاصم، نافع، حمزه، کسائی و ابو عمرو را برگزید. البته قرآن اهمیت قرائت عاصم به روایت حفص، ص: ۱۸۲ دارای نص واحد است و راویان قرآن ناقلان همان قرآنی هستند که بر پیامبر نازل شده است و اختلاف آنان در نقل و روایت آن نص، به سبب چند عامل است.

### اختلاف مصاحف اولیه

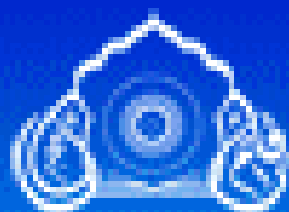
اختلاف مصاحف اولیه در مورد نارسائی خط و عاری بودن آن از هر گونه علائم مشخصه، ابتدایی بودن خط در حجیت قرائات و تواتر قرائات که آیا جملگی به طور متواتر از پیامبر اکرم -صلی الله علیه و آله- نقل و ضبط شده است یا نه، گفتگو فراوان است. از آن مباحث، می‌توان نفی تواتر قرائات را نتیجه گرفت. یعنی طبق رأی محققین، بیش از یک قرائت از پیامبر نرسیده است. هر قرائت که با آن مطابق باشد، مقبول و غیر آن مردود است. از میان قراء سبعة، قرائت عاصم به روایت حفص از مزیت غیر قابل انکار برخوردار است. چرا که اولاً با یک واسطه به امیر المؤمنین و رسول اکرم می‌رسد حفص -عاصم- ابو عبد الرحمن -امیر المؤمنین- پیامبر. ثانیاً مربوط به شخصیت علمی، دینی و دقت نظر عاصم در امر اخذ قرائت و اقرآء آن به ابو عبد الرحمن است. در غایه النهایه آمده است: روایت حفص از عاصم، همان قرائت عامه است که قرائت همه صحابه بوده و همواره در زمان پیامبر و پس از رحلت آن وجود گرامی تا کنون به عنوان متن قرآن شناخته شده است و قراءات مختلف با آن سنجیده شده‌اند. شخصیت علمی حفص بر ابو بکر دومین راوی از قرائت عاصم نیز مرجح است. زیرا حفص را دانشمندان اضبط از ابو بکر دانسته‌اند. حفص آنچه را از استادش اخذ کرده، بر خلاف ابو بکر عیناً تلقی کرده است. به این ترتیب، در تمام دوره‌های تاریخ، قرائت عاصم به روایت حفص، بر همه قرائت‌ها، ترجیح داشته و رایج بین مسلمانان و مورد توجه آنها بوده است.

### درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱) با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیفزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می‌کنند بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹ بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می‌دهند. مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه‌های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است. اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البيت عليهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث‌های بی محتوا در تلفن‌های همراه و رایانه‌ها ایجاد

بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزارهای علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید. از جمله فعالیت‌های گسترده مرکز: الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و... د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com) جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای و راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴) ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خود کار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و... ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ... ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶ وب سایت: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com) ایمیل: [Info@ghaemiyeh.com](mailto:Info@ghaemiyeh.com) فروشگاه اینترنتی: [www.eslamshop.com](http://www.eslamshop.com) تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۵۷۰۲۲ فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵ (۰۳۱۱) نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایند انشاءالله. شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: ۵۳-۵۳-۶۰۹-۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۱۸۰-۰۱۹۰ IR به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید ارزش کار فکری و عقیدتی الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام :- هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محتج غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید». التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می رهایی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می دارد و با حجّت های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می سازد و او را می شکند؟». [سپس] فرمود: «حتماً رها کردن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد». مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری

مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

